



# واژه‌آموزی زبان فارسی

سطح مقدماتی

نویسنده: مهناز عسگری

مال الکساندر

دستگذاری شده

عسگری، مهناز، ۱۳۴۷

واژه‌آموزی زبان فارسی / تألیف: مهناز عسگری. -- تهران:

کانون زبان ایران، ۱۳۸۴.

آج: مصور، جدول.

(ج. ۱): ISBN 964-8699-45-3

فهرستنويسي بر اساس اطلاعات فيپا

مندرجات: ج. ۱. واژه‌آموزی زبان فارسی (سطح مقدماتی).

۱. فارسی -- راهنمای آموزشی -- خارجیان. ۲. فارسی -- خودآموز.

۳. فارسی -- کتابهای درسی برای خارجیان. ۴. فارسی -- واژگان.

الف. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. کانون زبان ایران. ب. عنوان.

خ ۵۶ / ۲۸۲۷ PIR

۲۶. ۷ - ۸۴

کتابخانه ملی ایران



واژه‌آموزی زبان فارسی (سطح مقدماتی)

نویسنده: مهناز عسگری

ویراستار: مهدی ضرغامیان

مدیرهنری و صفحه‌آرا: بهناز عسگری

طراح جلد: زهرا شکریان

تصویرسازان: گلناز پارسا، بهناز عسگری، عذرانادری

ناشر: کانون زبان ایران

سال انتشار: ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

چاپ: شرکت افست

نشانی: تهران، خیابان استاد مطهری، خیابان فجر، شماره ۳۷

کد پستی: ۱۵۸۷۹۳۴۱۳ صندوق پستی ۱۴۱۵۵/۶۳۶۸

تلفن: ۸۸۳۰۶۰۶۷

<http://www.ili.ir>

## بخش اول - زندگی روزمره

۱- خانه .....	۸
۲- در خانه (۱) .....	۱۲
۳- در خانه (۲) .....	۱۶
۴- خانواده و خویشاوندان .....	۲۰
۵- فعالیت‌های روزانه .....	۲۴
۶- مشکل‌های روزانه .....	۲۸
۷- صفت‌های رایج .....	۳۲
۸- شهر .....	۳۶
۹- مکان‌های عمومی و تجاری .....	۴۰
۱۰- شغل‌ها .....	۴۴
۱۱- حمل و نقل .....	۴۸
۱۲- پول و تجارت .....	۵۲
۱۳- ورزشکاران و ورزش‌ها .....	۵۶

## بخش دوم - انسان

۱۴- بدن انسان .....	۶۰
۱۵- چهره .....	۶۴
۱۶- پوشاس .....	۶۸
۱۷- غذا .....	۷۲
۱۸- بیماری‌ها .....	۷۶

## بخش سوم - طبیعت

۱۹- جانوران .....	۸۰
۲۰- میوه‌ها و سبزیجات .....	۸۴
۲۱- گل‌ها و درختان .....	۸۸
۲۲- پدیده‌های طبیعی (۱) .....	۹۲
۲۳- پدیده‌های طبیعی (۲) .....	۹۶
۲۴- زمان و فصول .....	۱۰۰

## بخش چهارم - ساخت واژه

۱۰۴ .....	۲۵- پسوندها (۱)
۱۰۸ .....	۲۶- پسوندها (۲)
۱۱۲ .....	۲۷- کلمه‌های مرکب (۱)
۱۱۶ .....	۲۸- کلمه‌های مرکب (۲)
۱۲۰ .....	۲۹- پیشوندها
۱۲۴ .....	۳۰- فعل‌های پیشوندی

## بخش پنجم - ضمیمه

۱۳۱ .....	اعداد
۱۳۲ .....	واژه‌نامه
۱۳۳ .....	پاسخ‌نامه

## پیشگفتار

کمبود منابع آموزشی از مهم‌ترین موانع گسترش زبان فارسی به غیر ایرانیان، مخصوصاً علاقه‌مندان فراگیری زبان فارسی در سراسر دنیاست. از این‌رو همزمان با تأسیس گروه زبان فارسی در کانون زبان ایران در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی، تهیه و تدوین موارد آموزشی مهم‌ترین وظیفه‌ی این بخش قلمداد شد.

در حال حاضر، گروه زبان فارسی کانون زبان ایران، ضمن آموزش فارسی به زبان‌آموزان غیر ایرانی، در حال آماده‌سازی موارد آموزشی مناسب برای دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آموزشی و تأليف و انتشار کتاب و منابع آموزشی در زمینه‌های واژه‌آموزی، خواندن، دستورزبان، مکالمه و همچنین فرهنگ یک زبانه‌ی فارسی ویژه‌ی غیر فارسی زبان‌هاست.

کتاب حاضر نخستین جلد از مجموعه‌ی سه جلدی واژه‌آموزی زبان فارسی است که توسط خانم مهناز عسگری برای سطح مقدماتی نوشته است.

استفاده از این مجموعه در درس واژه‌آموزی زبان فارسی توصیه می‌شود.

گروه زبان فارسی

کانون زبان ایران

## مقدمه

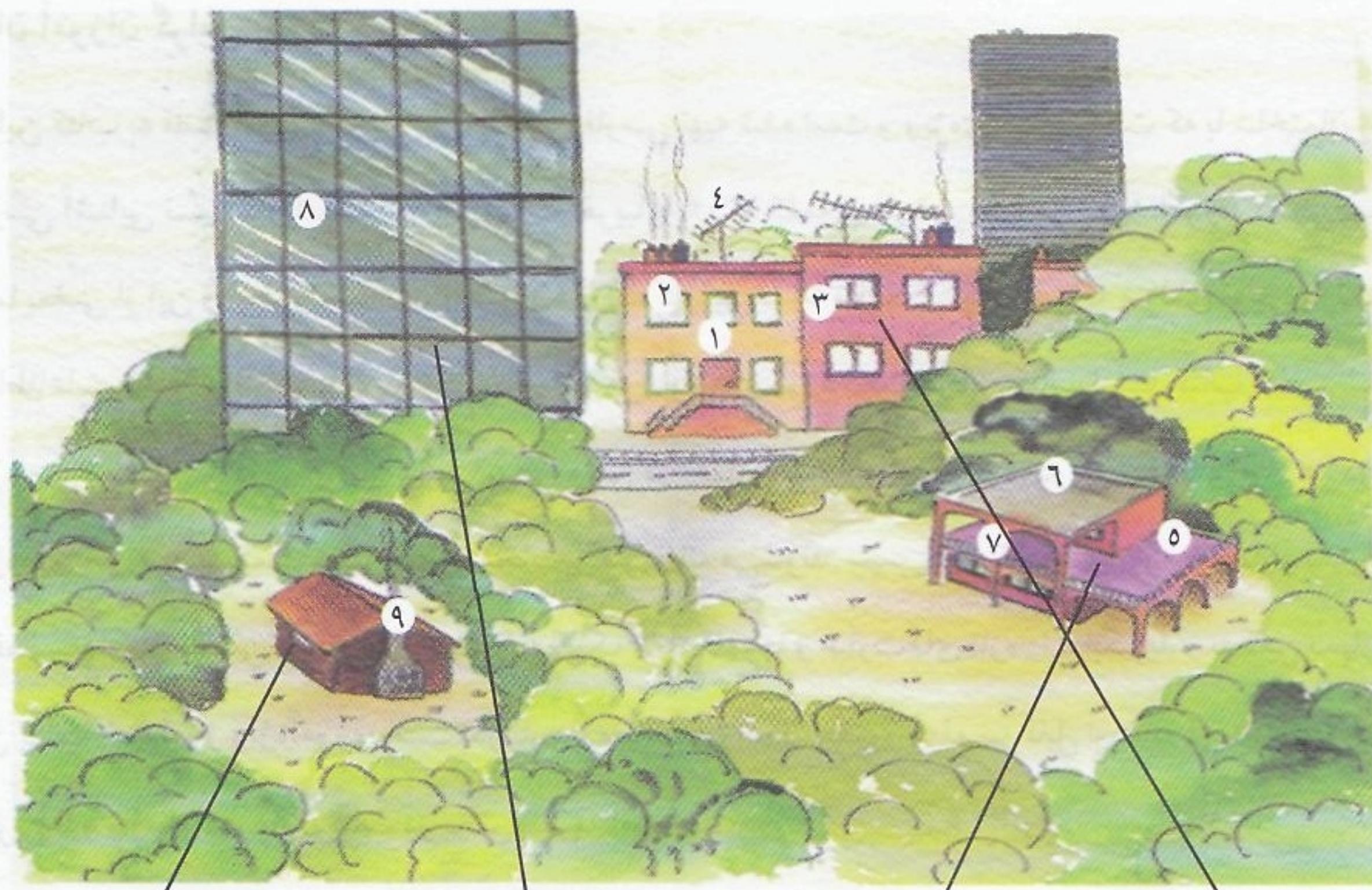
### زبان آموزان گرامی:

این کتاب به قصد آموزش بخشی از واژه‌های فارسی تهیه شده است و ویژه‌ی کسانی است که با ساختمان زبان فارسی آشنایی نسبی دارند. شما در این کتاب تقریباً با ۱۳۰۰ کلمه‌ی فارسی آشنا می‌شوید. اگرچه ممکن است شما بعضی از این واژه‌ها را بشناسید و حتی آن‌ها را به کار ببرید، اما مطالعه‌ی این کتاب به منزله‌ی نوعی بازنگری به اطلاعات پیشین و تثبیت دانش واژگانی شما در موضوع‌های مورد بحث در این کتاب است. کتاب حاضر شامل ۳۰ درس است و هر درس بر پایه‌ی موضوعی معین در چهار صفحه ارائه می‌شود. در دو صفحه‌ی اول هر درس واژه‌های آموزشی به کمک تصاویر، توضیحات و متن ارائه می‌شوند. سپس در صفحه‌های سوم و چهارم تمرین‌ها و فعالیت‌های گوناگونی تدوین شده است تا به کمک آن‌ها کلمه‌ها و عبارت‌های تازه را فرابگیرید و به ذهن بسپارید. این کتاب خودآموز واژه‌آموزی است. در نتیجه، مطالب آن بدون حضور معلم نیز قابل استفاده است. پاسخ‌نامه‌ی تمرین‌ها و واژه‌نامه، در پایان کتاب در بخش ضمیمه آمده است.

### چند توصیه:

۱. اگرچه در تدوین دروس اصل پیشرفت تدریجی رعایت نشده است، ولی بهتر است درس‌های کتاب را به ترتیب بخوانید.
۲. تکرار یکی از بهترین روش‌ها برای تثبیت معنای کلمه‌ی جدید و به خاطرسپاری آن است. تکرار موجب یادآوری بعضی از مطالب فراموش شده می‌گردد.
۳. تعداد کلمه‌های هر درس محدود است. بنابراین فقط به یادگیری آن‌ها اکتفا نکنید.
۴. اگر در متن‌ها با کلمه‌ی ناآشنایی رویرو شدید، معنایش را جستجو کنید.
۵. شما برای تلفظ صحیح کلمه‌های مربوط به هر درس می‌توانید به واژه‌نامه در پایان کتاب رجوع کنید. در این فهرست تلفظ کلمه‌ها به خط آوانگار بین‌المللی ارائه شده است.

## أنواع مسكن



كعبه

برج

ویلا

آپارتمان

⑨ دودکش

⑧ شیشه

⑤ بالکن

① در

⑥ پشت بام

② پنجره

⑦ ستون

③ دیوار

④ آتن

## آپارتمان من

من در طبقه‌ی چهارم یک ساختمان پنج طبقه زندگی می‌کنم. هر طبقه‌ی این ساختمان دو واحد آپارتمان دارد. من برای رفت و آمد از آسانسور استفاده می‌کنم، زیرا پلکان تنگ و تاریک است. ما در پارکینگ یک انباری داریم. همه‌ی آپارتمان‌های این ساختمان با شوفاژ گرم می‌شود. شوفاژخانه در زیرزمین زیر پارکینگ واقع شده است. من در اتاق پذیرایی یک شومینه‌ی گازسوز درست کرده‌ام که خیلی زیباست. پشت ساختمان ما حیاط بزرگی وجود دارد. باغچه‌ی قشنگ و سرسبزی در گوشی حیاط است. وسط باغچه حوض آبی با یک فواره‌ی کوچک قرار دارد.

برادرم در خانه‌ای ویلایی در شمال تهران زندگی می‌کند. نمای ویلا از آجر ساخته شده و سقف آن شیروانی است. ویلای قدیمی او وسط باغی با درخت‌های بزرگ و کهن‌سال قرار دارد. او در زمستان خانه را با بخاری گرم می‌کند و برای گرم کردن آب از آبگرمکن استفاده می‌کند. در تابستان، او کولر و پنکه را روشن نمی‌کند، زیرا در بالکن روی صندلی راحتی‌اش زیر سایه‌ی درخت چناری می‌نشیند و خودش را با بادبزن باد می‌زند.

### چند صفت برای خانه

خانه‌های شمالی خانه‌هایی هستند که در آن‌ها حیاط جلوی ساختمان قرار دارد.

خانه‌های جنوبی خانه‌هایی هستند که در آن‌ها حیاط پشت ساختمان قرار دارد.

اتاق آفتابگیر اتاقی است که آفتاب به راحتی به داخل آن می‌تابد.

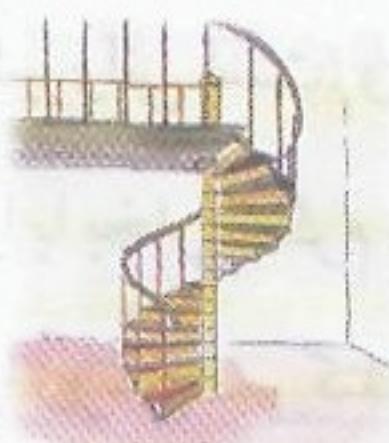
اتاق جادار اتاقی است که در آن چیزهای زیادی را می‌توان گذاشت.

آپارتمان یک‌خوابه آپارتمانی است که فقط یک اتاق خواب دارد.

آپارتمان دو‌خوابه آپارتمانی است که دو اتاق خواب دارد.

## تمرین ۱

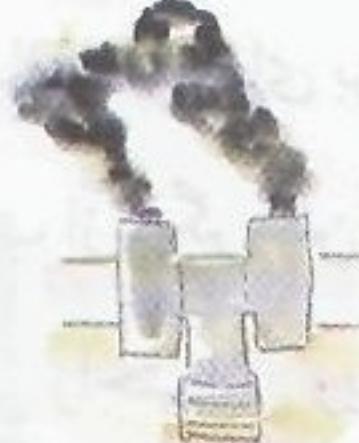
با توجه به تصویرها، در جای خالی کلمه‌ی مناسب بگذارید.



ث



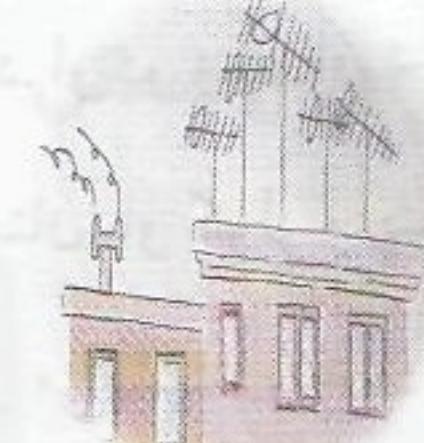
ت



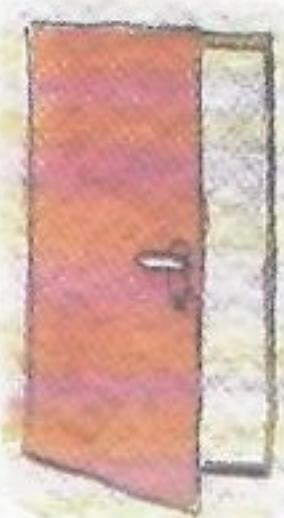
پ



ب



الف



ج

۱. نمای ساختمان ما از ..... ساخته شده است.

۲. دود سیاهی از ..... بیرون می آید.

۳. روی پشت بام پنج ..... قرار دارد.

۴. ..... اتاقم باز است.

۵. مادر بزرگ خودش را با ..... باد می زند.

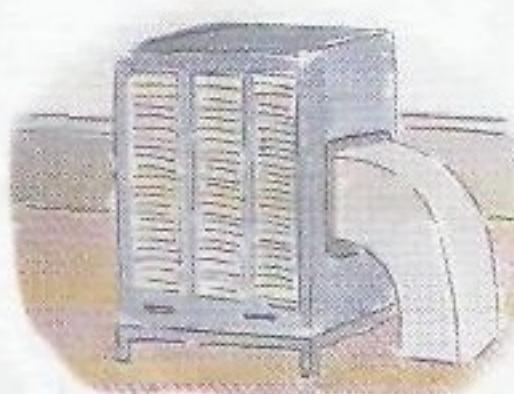
۶. من برای رفت و آمد در داخل ساختمان از ..... استفاده می کنم.

## تمرین ۲

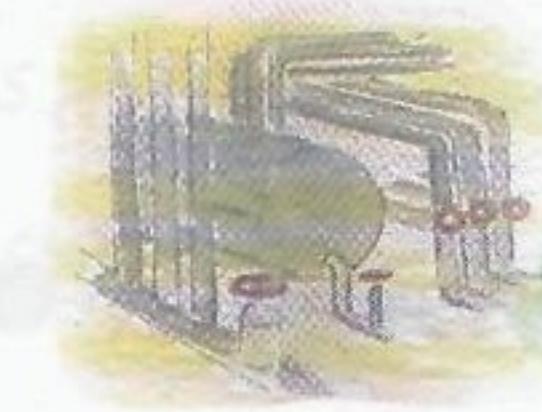
هر کلمه را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج

۱. کولر

۲. سقف

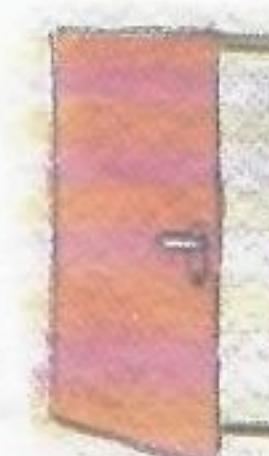
۳. بالکن

۴. بخاری

۵. شوفاژخانه

۶. حیاط

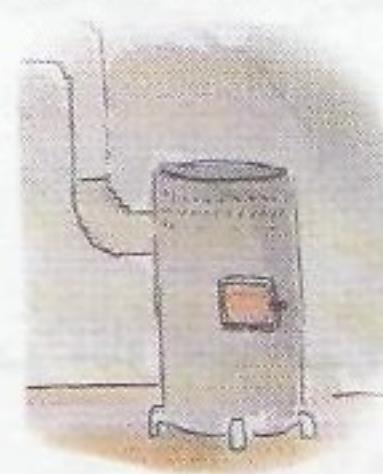
۷. در



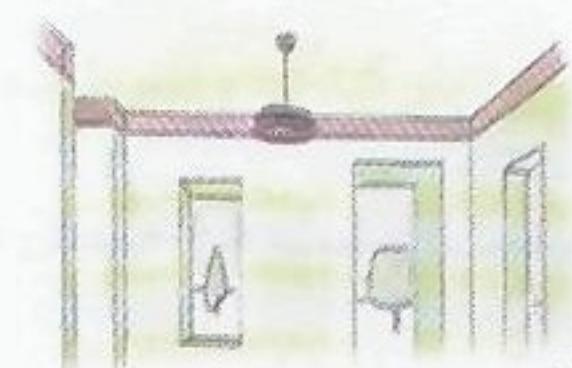
الف



ب



ج



ث

### تمرین ۳

جمله‌های سمت راست را با یک خط به کلمه‌های مربوط به آنها در سمت چپ وصل کنید.

الف. انباری

ب. آبگرمکن

پ. آفتابگیر

ت. دوخوابه

۱. آتاقی که آفتاب به راحتی به داخل آن می‌تابد.

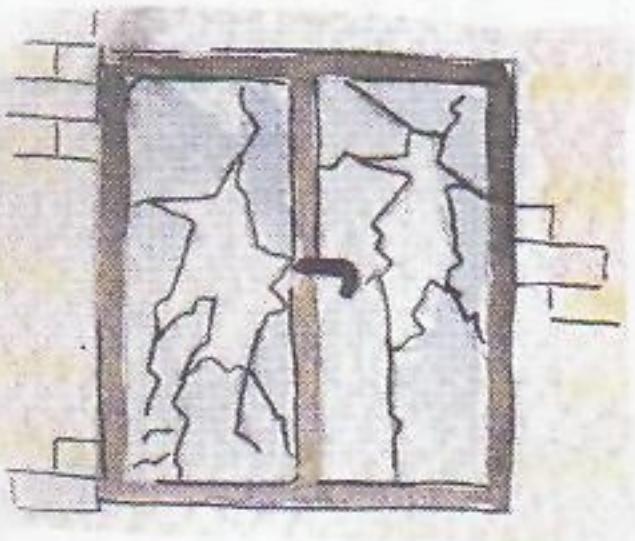
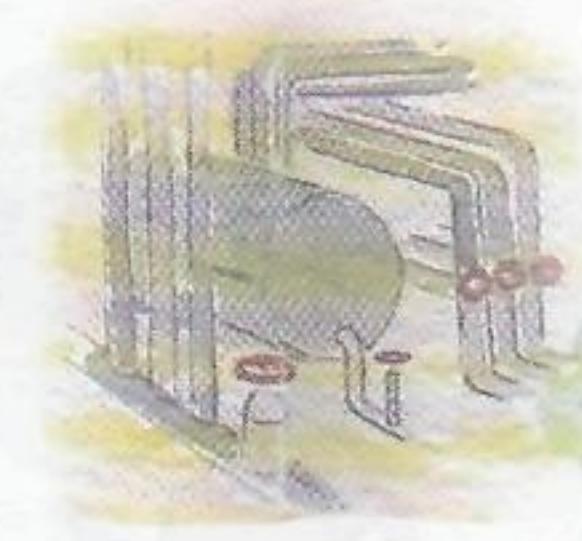
۲. خانه‌ای است که دو اتاق خواب دارد.

۳. بخشی از ساختمان است که معمولاً در پارکینگ قرار دارد.

۴. وسیله‌ای برای گرم کردن آب است.

### تمرین ۴

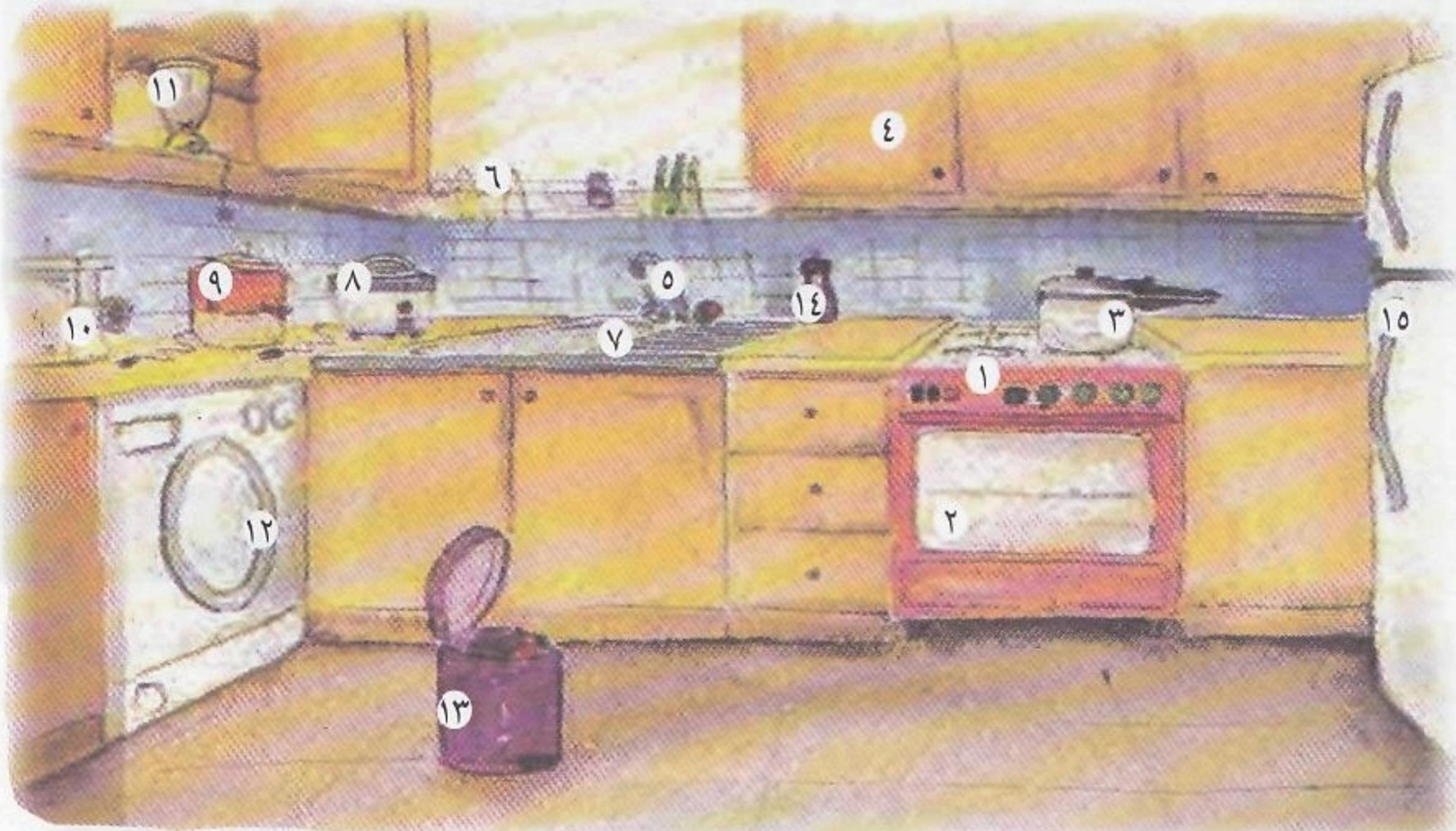
با توجه به تصویرها، جاهای خالی متن زیر را پر کنید.



بچه‌ها در ..... توپ بازی می‌کردند. ناگهان توپشان وسط ..... افتاد. یکی رفت تا توپ را بیاورد. وقتی که می‌خواست توپ را پرتاب کند، از دستش داخل ..... افتاد. بچه‌ها توپ را از حوض بیرون آوردند. بعد، دوباره بازی شروع شد. ناگهان یکی از آنها ضربه‌ی محکمی به توپ زد و توپ به ..... خورد. شیشه شکست و توپ داخل خانه رفت. پیرمردی به ..... آمد و با عصبانیت توپ را پایین انداخت. توپ قل خورد و به طرف ..... رفت. بچه‌ها هم به دنبال توپ رفته‌اند.

# در خانه (۱)

## آشپزخانه



- |                 |                   |                |          |            |
|-----------------|-------------------|----------------|----------|------------|
| ۱۳ سطل آشغال    | ۱۰ چرخ گوشت       | ۷ ظرفشویی      | ۴ کابینت | ۱ اجاق گاز |
| ۱۴ مایع ظرفشویی | ۱۱ مخلوطکن        | ۸ پلو پز       | ۵ شیر آب | ۲ فر       |
| ۱۵ یخچال فریزر  | ۱۲ ماشین لباسشویی | ۹ آب میوه‌گیری | ۶ جاظرفی | ۳ زودپز    |

## لوازم آشپزخانه



گوشت کوب

ملaque

کفگیر

رنده

کارد

## آشپزخانه‌ی خانه‌ی ما

ما آشپزخانه‌ی بزرگی داریم. تمام ظرف‌ها و وسایل غذاخوری را در کابینت‌های آشپزخانه جا داده‌ایم. در یکی از کابینت‌ها شیشه‌ای است. در این کابینت، ظرف‌های چای‌خوری چینی و قدیمی را گذاشته‌ایم. پنجره‌ی آشپزخانه، بالای ظرف‌شویی قرار دارد. یخچال طرف‌چپ ظرف‌شویی است. اجاق‌گاز و ماشین لباس‌شویی با کمی فاصله در طرف دیگر آشپزخانه قرار دارند. آب‌میوه‌گیری و چرخ‌گوشت، هر کدام روی یک گوشه از بوته‌ی آشپزخانه‌اند. میز و صندلی چهار نفره در وسط آشپزخانه قرار دارد. ما همیشه صبحانه، ناهار و شام را در آشپزخانه و سر همین میز می‌خوریم.

### وسایل غذاخوری



فنجان و نعلبکی



استکان



لیوان



چنگال



فاشق



پارچ



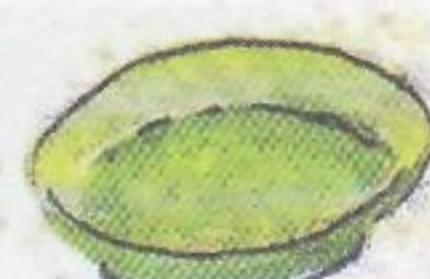
سوب خوری



دیس



کاسه



بشقاب



چاقو



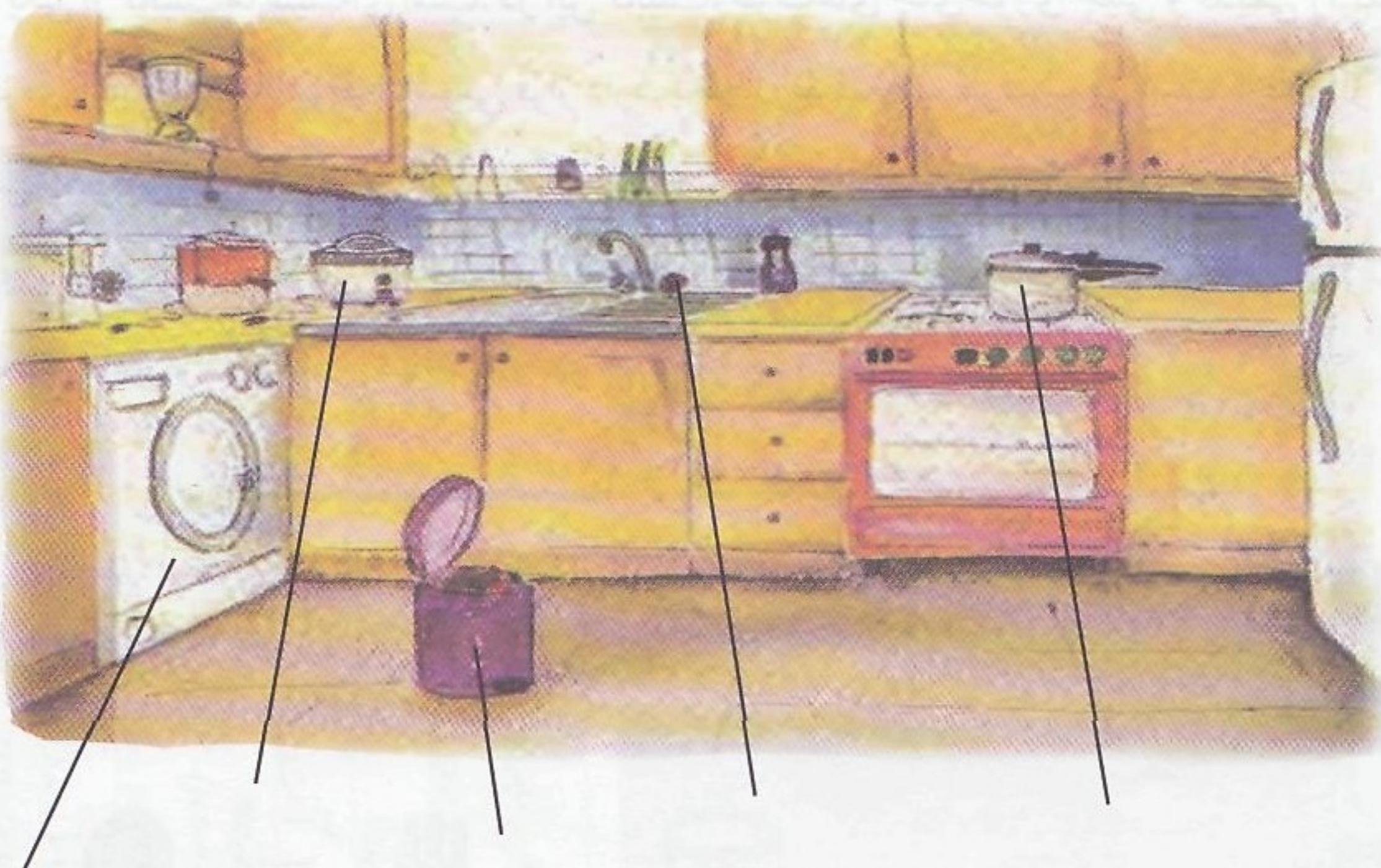
قندان



نمکدان

## تمرین ۱

نام وسایل را کنارشان بنویسید.



## تمرین ۲

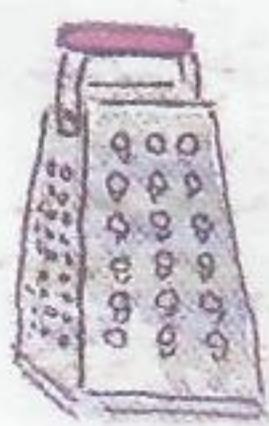
کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است؟

- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 

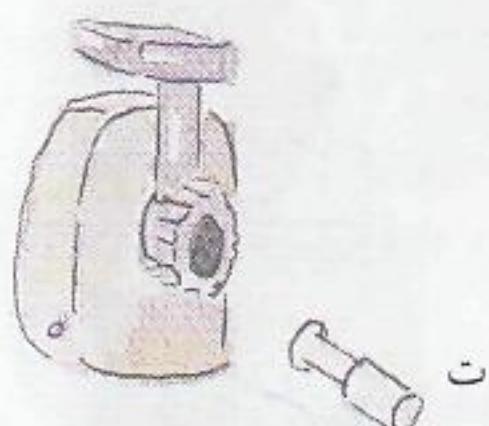
۱. با قاشق چای خوری، چای را هم می‌زنیم.
۲. کاسه ظرف مخصوص خوردن پلو است.
۳. پلو و خورش را در سوب خوری می‌ریزیم و می‌خوریم.
۴. فنجان ظرف مخصوص نوشیدن چای یا قهوه است.
۵. فر وسیله‌ی مخصوص درست‌کردن کیک و شیرینی است.
۶. نعلبکی بشقاب کوچک زیر استکان و فنجان است.
۷. غذا در زود پز دیر می‌پزد.
۸. قاشق و چنگال از وسایل اصلی خوردن غذا هستند.

## تمرین ۳

در تمرین زیر مشخص کنید برای انجام هر کاری به چه چیزی نیاز دارد.



ب



ت



ج

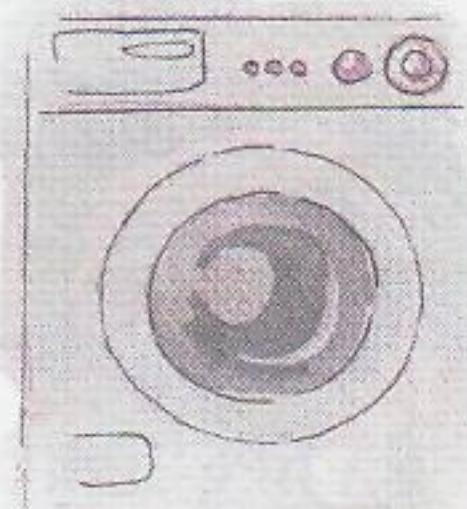
۱. کوبیدن گوشت و سیب زمینی
۲. گرفتن آب میوه ها
۳. سرخ کردن ماهی
۴. رنده کردن سیب زمینی
۵. چرخ کردن گوشت
۶. شستن لباس ها
۷. دم کردن چای



الف



پ



ج



ث



ب



ت



ج

۱. گوشت کوب

۲. دیس

۳. اجاق گاز

۴. قاشق و چنگال

۵. ماشین لباسشویی

۶. سطل آشغال

۷. فنجان و نعلبکی



الف



ب

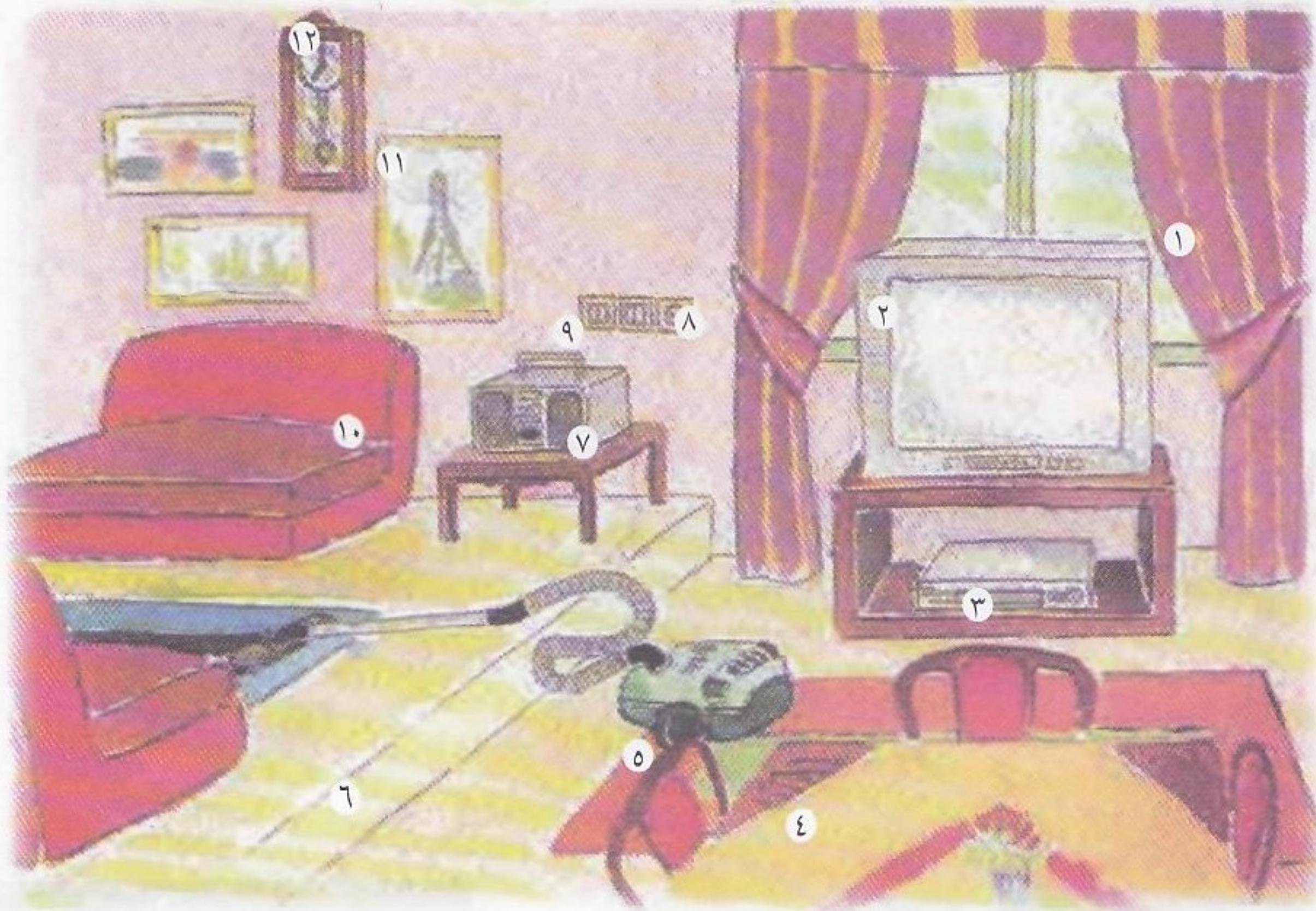


ث



ج

## اتاق نشیمن

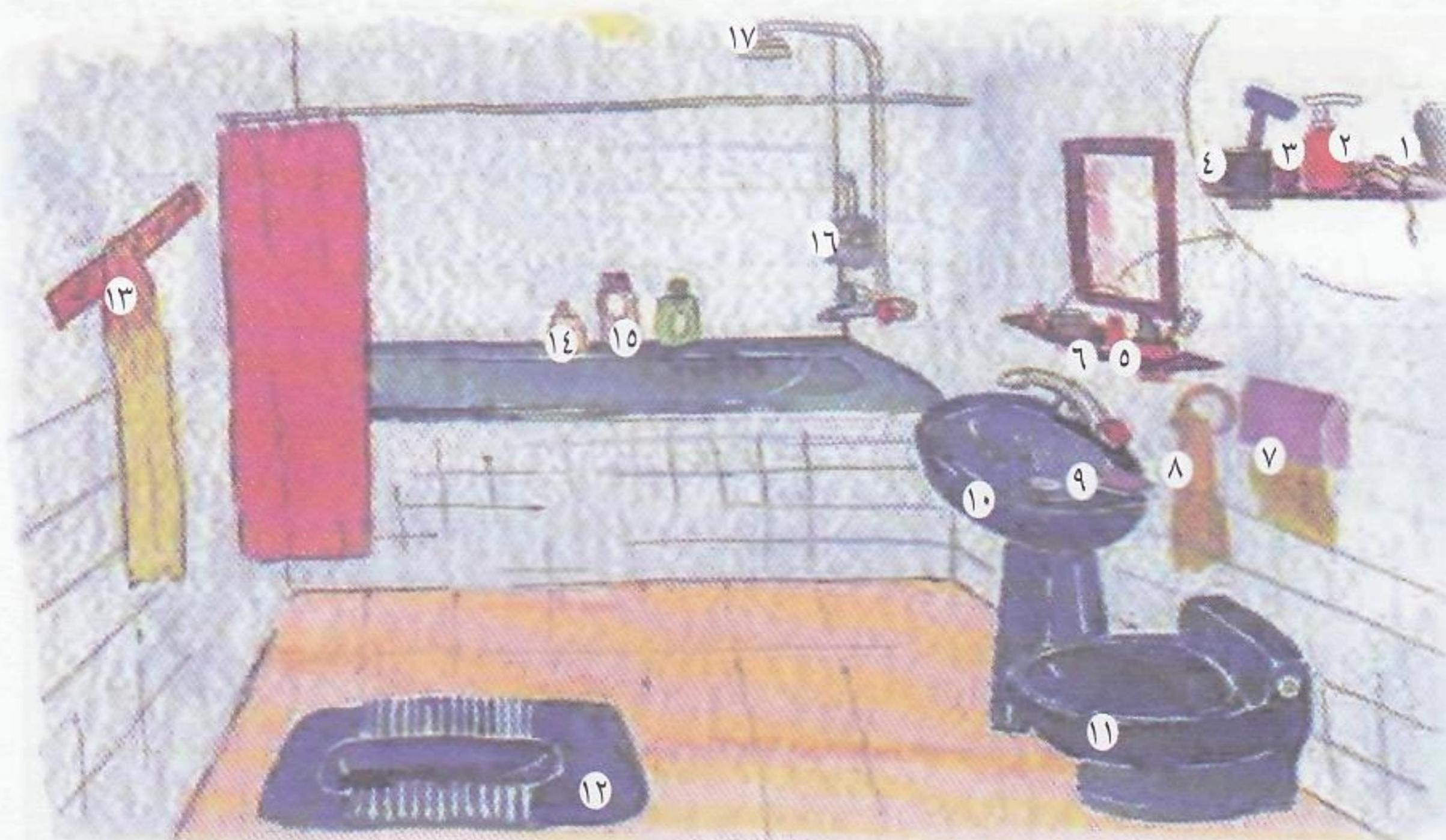


- |    |           |   |           |   |          |   |          |
|----|-----------|---|-----------|---|----------|---|----------|
| ۱۰ | مبل راحتی | ۷ | رادیو ضبط | ۴ | میز      | ۱ | پرده     |
| ۱۱ | قاب عکس   | ۸ | پریز      | ۵ | جاروبرقی | ۲ | تلویزیون |
| ۱۲ | ساعت      | ۹ | کلید      | ۶ | موکت     | ۳ | ویدئو    |

## اتاق پذیرایی

ما اتاق پذیرایی نسبتاً بزرگی داریم. فرش این اتاق کرم رنگ است. چند تابلوی نقاشی زیبا به دیوارهای اتاق نصب کرده‌ایم. مبل‌های پذیرایی در بالای اتاق چیده شده و میز ناهارخوری در پایین اتاق قرار دارد. رومیزی توری قشنگی روی میز انداخته شده و وسط آن گلدان بلوری زیبایی قرار دارد. بوشه و ویترین چوبی بزرگی در یک طرف اتاق قرار دارد. ظرف‌های مخصوص پذیرایی داخل این بوشه و ویترین چیده شده‌اند. چند میز عسلی در گوشه‌ای از اتاق پذیرایی گذاشته‌ایم. لوستر زیبایی از سقف اتاق پذیرایی آویزان است. شبها وقتی لوستر را روشن می‌کنیم، اتاق پذیرایی واقعاً زیبا و درخشان می‌شود.

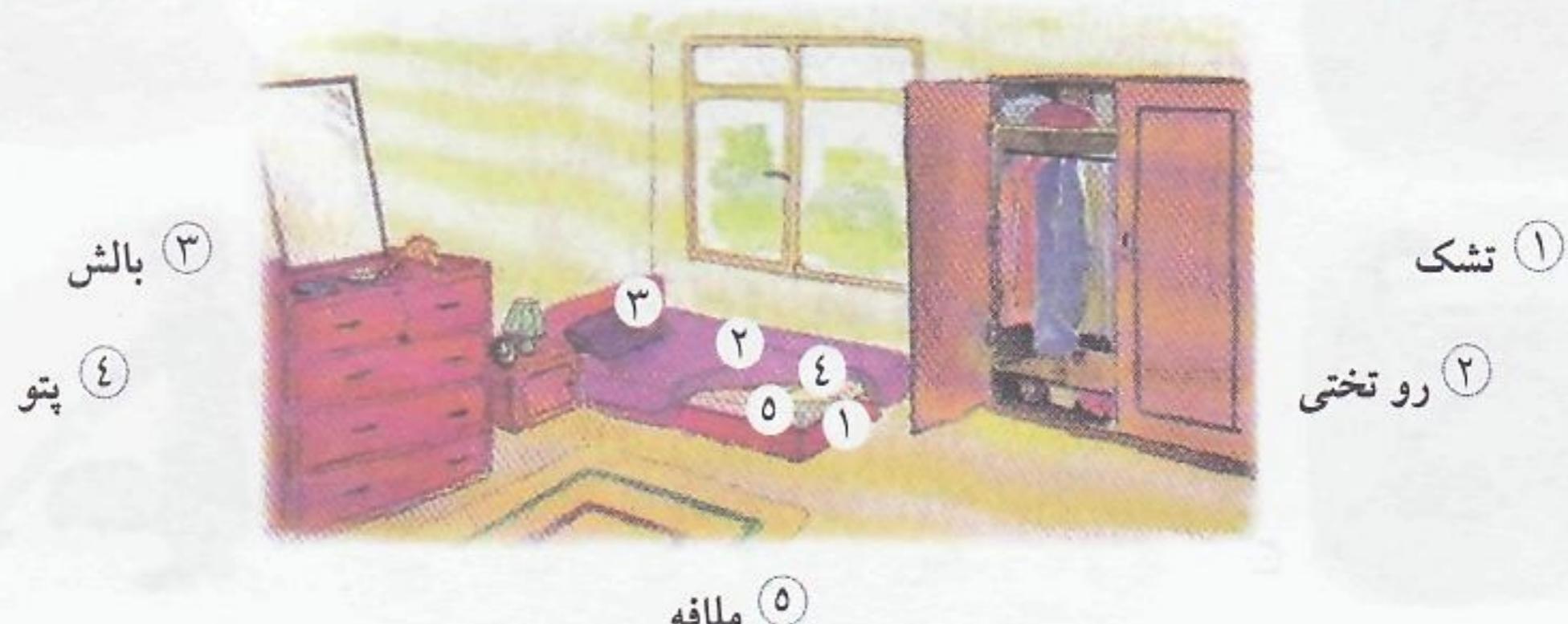
## دستشویی و حمام



- |                  |              |
|------------------|--------------|
| ۱ ریش تراش       | ۴ تیغ        |
| ۲ نخ دندان       | ۵ مساوک      |
| ۳ خمیر ریش       | ۶ خمیر دندان |
| ۱۰ دستشویی کاغذی | ۷ حوله       |
| ۱۱ دستشویی فرنگی | ۸ حوله       |
| ۱۲ دستشویی ستی   | ۹ صابون      |
| ۱۳ جا لباسی      | ۱۰ دستشویی   |
| ۱۴ وان           | ۱۱ دستشویی   |
| ۱۵ شامپو         | ۱۲ دستشویی   |
| ۱۶ لیف           | ۱۳ دستشویی   |
| ۱۷ دوش           | ۱۴ دستشویی   |

## اتاق خواب پرویز

اینجا اتاق خواب پرویز است. تخت خواب پرویز کنار پنجره قرار دارد. پاتختی طرف چپ تخت قرار دارد. پرویز چراغ خواب و ساعت را روی پاتختی گذاشته است. دراور او کنار پاتختی است. این دراور پنج کشو دارد. پرویز لباس‌های خانگی اش را داخل کشوی دراور می‌گذارد. او روی دراور آینه، شانه، برس و سشووار گذاشته است. در گوشی اتاق، کمد دیواری نسبتاً بزرگی قرار دارد. پرویز لباس‌ها و بعضی از وسایلش را داخل کمد دیواری مرتب کرده است.



## تمرین ۱

گویا

جای لوازم زیر را در جدول مرتب کنید.

حوله‌ی کاغذی، سطل آشغال، میز ناهارخوری، لیف، تابلو، یخچال، خمیر ریش، چراغ خواب  
کمد دیواری، فنجان، گلدان، دراور، رو تختی، اجاق گاز، ویترین، دیس، تیغ، مسوک  
تلویزیون، تشك، آینه، آبکش، رومیزی، صابون

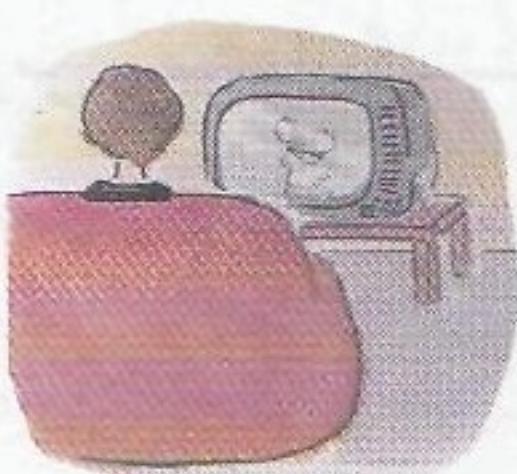
اتاق خواب	دستشویی و حمام	اتاق پذیرایی و هال	آشپزخانه
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....

## تمرین ۲

با یک خط هر جمله را به شکل مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت

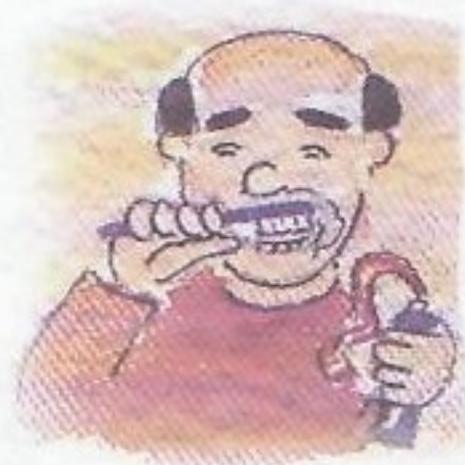


ج

۱. فرزانه اتاقش را مرتب می‌کند.
۲. مریم اتاق را جارو می‌کند.
۳. نسرین ظرف‌ها را می‌شوید.
۴. فرزاد تلویزیون تماشا می‌کند.
۵. علی دندان‌هایش را مسوک می‌کند.
۶. حمید صورتش را اصلاح می‌کند.



الف



پ



ث

### تمرین ۳

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

صابون، مبل، بوفه و ویترین، ریش تراش، کشو، گلدان، خمیر ریش، خمیر دندان، شامپو

۱. دراور پرویز پنج ..... دارد.
۲. سارا برای مسواک دندان‌هایش از ..... استفاده می‌کند.
۳. شیرین ظرف‌های پذیرایی از مهمان‌ها را در ..... می‌گذارد.
۴. بیژن روی ..... نشسته است.
۵. مسعود موهايش را با ..... می‌شويد.
۶. روی میز، اتاق شما را زیباتر کرده است.
۷. احمد با ..... صورتش را اصلاح می‌کند.
۸. احمد دستش را با آب و ..... می‌شويد.

### تمرین ۴

به کمک جمله‌های زیر کلمه‌های داخل جدول را پیدا کنید.

**مثال:** دست و صورت را با آن خشک می‌کنیم: حوله

۱. ظرف بزرگ پر از آب در حمام که برای شست و شود در آن می‌روید
۲. پارچه‌ای که به پنجره‌ها آویزان می‌کنیم تا اتاق‌ها زیباتر به نظر بیایند
۳. جریان برق را با آن قطع و وصل می‌کنیم
۴. دوشاخه‌ی لوازم برقی را در آن فرو می‌کنیم
۵. وقت و زمان را نشان می‌دهد
۶. پوشش کف اتاق‌ها که از فرش نازک‌تر است

ع	س	پ	ر	ی	ز
ص	ا	ب	و	ن	پ
ک	ع	ح	ا	م	ر
ل	ت	و	ن	و	د
ی	د	ل	ر	ک	ه
د	ص	ه	ی	ت	پ

# خانواده و خویشاوندان

## خانواده‌ی آقای امیری



تصویر بالا خانواده‌ی آقای امیری را نشان می‌دهد. آقا و خانم امیری زن و شوهرند و دو فرزند (=بچه) دارند. یکی از آن‌ها دختر و دیگری پسر است. نام دخترشان سودابه و نام پسرشان حامد است. خانم و آقای امیری مادر (=مامان) و پدر (=بابا) سودابه و حامدند. سودابه و حامد خواهر و برادرند. پدر بزرگ و مادر بزرگ سودابه و حامد هم با آن‌ها زندگی می‌کنند. سودابه و حامد نوه‌های آن‌ها هستند. خانم امیری عروس پدر و مادر آقای امیری است. پدر و مادر آقای امیری پدر شوهر و مادر شوهر خانم امیری‌اند. پدر و مادر خانم امیری در شهر دیگری زندگی می‌کنند. آن‌ها گاهی به تهران می‌آیند و به دختر و خواهر آقای امیری داماد پدر و مادر خانم امیری است. پدر و مادر خانم امیری پدر زن و مادر زن آقای امیری‌اند.

## خویشاوندان (۱)



خانمی که پیراهن نارنجی پوشیده است، عمه‌ی سودابه و حامد است.  
او خواهر آقای امیری و خواهر شوهر خانم امیری است. سودابه و حامد برادرزاده‌های (=فرزند برادر) این خانم‌اند.

خانمی که پیراهن بنفش پوشیده است، خاله‌ی سودابه و حامد است.  
او خواهر خانم امیری و خواهرزن آقای امیری است. سودابه و حامد خواهرزاده‌های (=فرزند خواهر) این خانم‌اند.

آقایی که کت سرمه‌ای پوشیده است، دایی سودابه و حامد است.  
او برادر خانم امیری و برادر زن آقای امیری است.



آقایی که کت سبز پوشیده است، عمومی سودابه و حامد است.  
او برادر آقای امیری و برادر شوهر خانم امیری است.

## خویشاوندان (۲)

عمومی سودابه و حامد یک دختر و یک پسر دارد. آنها دخترعمو و پسرعموی سودابه و حامدند.



دایی سودابه و حامد یک دختر و یک پسر دارد. آنها دختردایی و پسردایی سودابه و حامدند.



خاله‌ی سودابه و حامد یک دختر دارد. او دخترخاله‌ی سودابه و حامد است. سودابه و حامد پسرخاله ندارد.



عممه‌ی سودابه و حامد فرزندی ندارد. سودابه و حامد دخترعممه یا پسرعممه ندارند.



## تمرین ۱

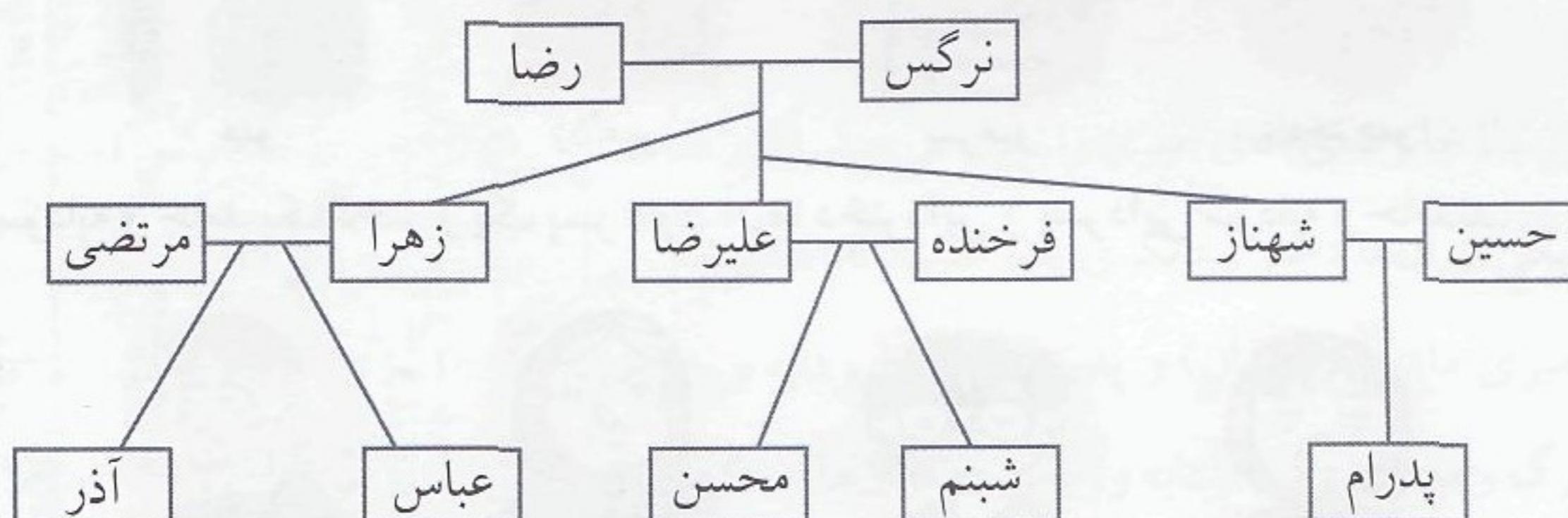
متضاد کلمه‌ها را رو برویش بنویسید.

مادرزن	
پسردایی	
	پدر
	خواهرزاده
دختردایی	
	خواهرزن

برادر	
دختر عمو	
	پدر شوهر
	پدر بزرگ
پسر خاله	
	پسر

## تمرین ۲

با توجه به تصویر، جواب پرسش‌های زیر را بنویسید.



۱. فرزندان نرگس و رضا چه نام دارند؟
۲. پدرام فرزند چه کسانی است؟
۳. پدرام چه نسبتی با زهرا دارد؟
۴. علیرضا چه نسبتی با پدرام دارد؟
۵. پدرام چه نسبتی با شبنم و محسن دارد؟
۶. شهناز چه نسبتی با محسن دارد؟
۷. مرتضی چه نسبتی با شبنم و محسن دارد؟
۸. شهناز و علیرضا چه نسبتی با عباس و آذر دارند؟
۹. آذر چه نسبتی با شبنم دارد؟
۱۰. آذر چه نسبتی با پدرام دارد؟
۱۱. علیرضا چه نسبتی با مرتضی دارد؟

### تمرین ۳

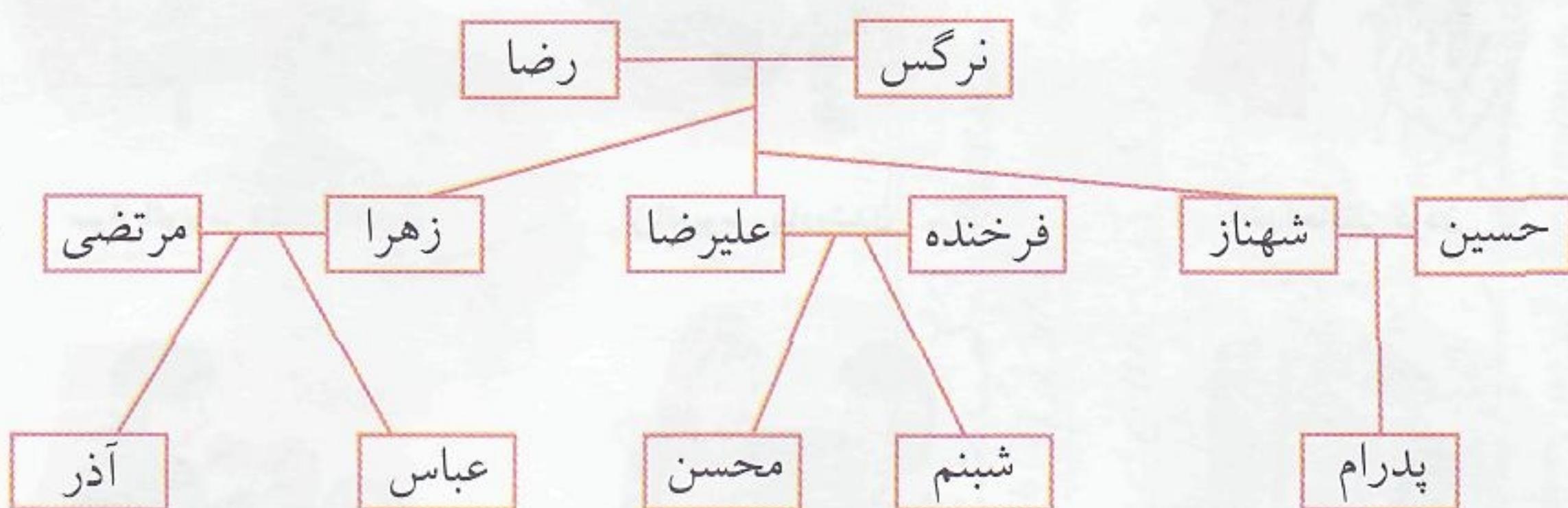
جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب پر کنید.

خواهرزاده، خاله، عمه، برادرزاده، پدر و مادر، عمو، دایی

۱. به برادر مادر ..... و به برادر پدر ..... می‌گوییم.
۲. به خواهر مادر ..... و به خواهر پدر ..... می‌گوییم.
۳. والدین همان ..... هستند.
۴. به فرزند خواهر ..... و به فرزند برادر ..... می‌گوییم.

### تمرین ۴

با توجه به نمودار درختی خانواده، در جاهای خالی کلمه‌ی مناسب بگذارید.



حسین یک برادر و یک خواهر دارد. اسم آنها فرهاد و فاطمه است. فرهاد ..... و فاطمه ..... پدرام است. پسر فرهاد ..... دختر فرهاد ..... پدرام است. فرهاد ..... و فاطمه ..... شهناز است.

# فعالیت‌های روزانه

۲۶

## در خانه (صبح زود)

مهران هر روز صبح، ساعت شش، با صدای زنگ ساعت از خواب بیدار می‌شود. او، ابتدا، تخت را مرتب می‌کند، بعد یک ربع ورزش می‌کند. سپس به حمام می‌رود. او تن و بدنش را می‌شوید، صورتش را اصلاح می‌کند و دندان‌هایش را مسوак می‌کند. پس از این که لباس‌هایش را می‌پوشد، به آشپزخانه می‌رود و صبحانه را آماده می‌کند. او معمولاً شیر، چای، نان و کره و مربّاً می‌خورد. گاهی هنگام صبحانه، رادیو را روشن می‌کند و به اخبار گوش می‌کند. مهران پس از صبحانه به سرکار می‌رود.

## در خیابان



خداحافظی کردن



از اتوبوس پیاده شدن



سوار اتوبوس شدن



قدم زدن



صحبت کردن



خرید کردن



خارج شدن



سلام علیک کردن

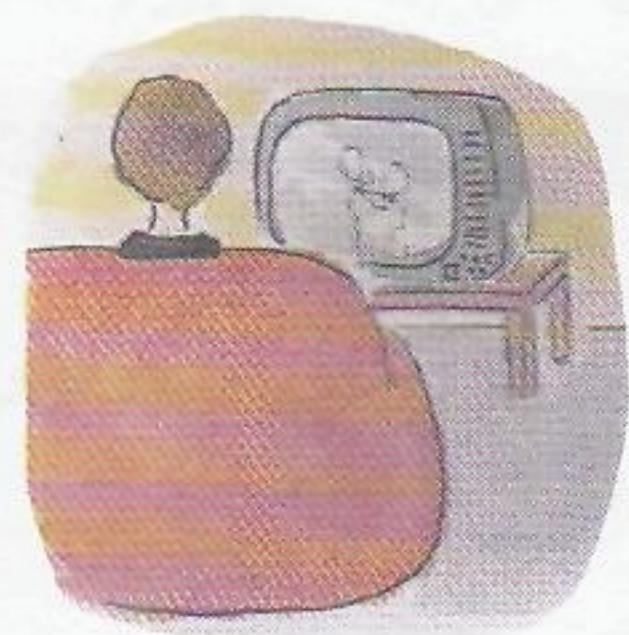
## در خانه (بعد از ظهر)



استراحت کردن



غذا درست کردن



تلوزیون تماشا کردن



ظرف شستن



روزنامه خواندن



تلفن کردن



به رادیو گوش کردن



جارو کردن

## یک روز تعطیل

دیروز جمعه بود و مهران مهمان داشت. او دوستش علی را برای ناهار دعوت کرده بود. مهران پس از صبحانه دکمه‌ی پیراهنش را که افتاده بود، دوخت. بعد پیراهنش را اتوکرد. نزدیک ظهر، علی آمد. آن‌ها با هم صحبت کردند و کمی میوه خوردند. بعد از غذا، در اتاق را رنگ کردند و شیرآب آشپزخانه را تعمیر کردند. عصر، علی مهران را به تئاتر دعوت کرد. مهران دعوت علی را پذیرفت و با هم به تماشای تئاتر رفتند.

## تمرین ۱

هر یک از فعل‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج

۱. بیدار شدن
۲. سیب برداشتن
۳. مسواک کردن
۴. جارو کردن
۵. اتو کردن
۶. دوختن
۷. کتاب خواندن



الف



پ



ج



ث

## تمرین ۲

برای هر یک از تصویرهای زیر یک جمله بنویسید.



ت



پ



ب



الف



ث



ج

الف.....

ب.....

پ.....

ت.....

ث.....

ج.....

## تمرین ۳

جای خالی جمله‌های زیر را با استفاده از فعل‌های زیر پر کنید.

مرئیب می‌کند، تلفن می‌کند، تماشا می‌کند، رنگ می‌کند، تعمیر می‌کند، به رادیو گوش می‌کند

۱. پروین و نسرین تلویزیون .....
۲. مهران اتاقش را .....
۳. مجید ماشینش را .....
۴. علی در اتاق را .....
۵. مجید به امیر .....
۶. شیرین و مریم .....

## تمرین ۴

به کمک تصاویر فعل مناسب هر جمله را بنویسید.



الف



ب



پ

۱. پروین از معازه ماست و شیر .....



ت

۲. حمید ..... تاکسی .....



ث



ج

۳. مجید لامپ اتاق را .....



ث



۴. شیرین به دوستش .....

# مشکل‌های روزمره



## در خانه



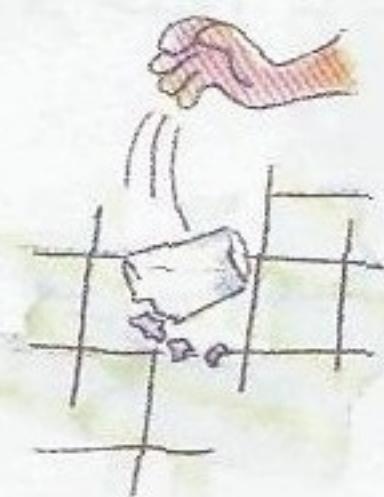
چقدر اتاق به هم ریخته است، زود باید اینجا را مرتب کنیم.



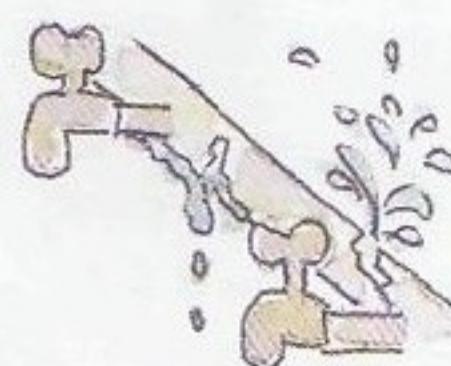
ماشین لباسشویی کار نمی‌کند. باید تعمیر کار بیاوریم.



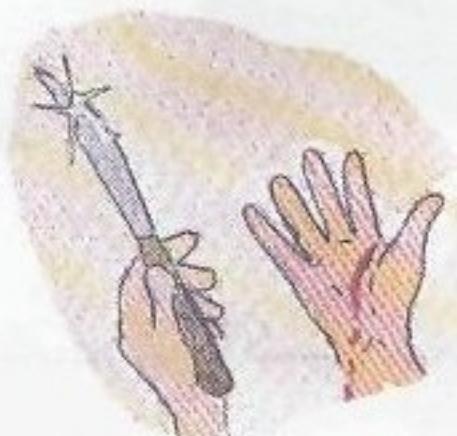
لوله‌ی آب ترکیده است. باید لوله‌کش بیاوریم.



عجب چاقوی تیزی! انگشتمن را با آن بریدم.



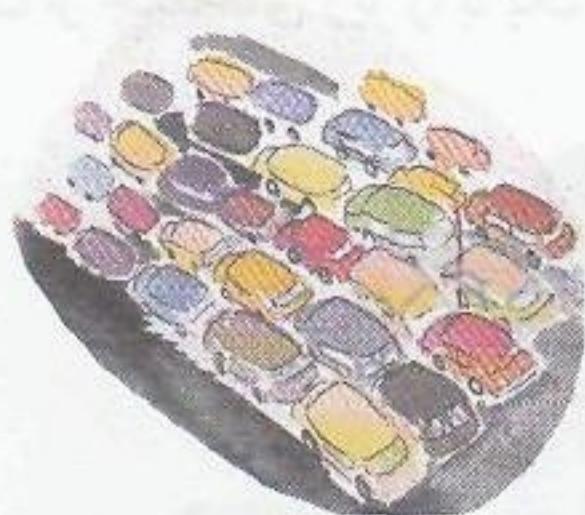
لیوان از دستم افتاد و شکست.



غذا سوخت! حالا چه کار کنم؟

## یک روز پر ماجرا (۱)

سasan هیچ وقت آن روز عجیب را فراموش نمی‌کند. او ساعت را برای هفت صبح کوک کرده بود، اما با تری آن تمام شد و ساعت دقیقاً رأس شش و پنجاه و نه دقیقه خوابید و زنگ نزد. Sasan یک دفعه ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه از خواب پرید. به سرعت لباس‌هاش را پوشید، اما یکی از دکمه‌های پیراهنش افتاده بود. بنابراین مجبور شد دکمه‌اش را بدوزد. به هر ترتیب، Sasan از خانه بیرون آمد و سوار تاکسی شد، اما هنوز به اداره نرسیده بود که تاکسی با اتومبیل دیگری تصادف کرد. Sasan بقیه‌ی راه را پیاده رفت.



ماشین‌ها در راه بندان گیر کرده‌اند.



دو ماشین با هم تصادف کرده‌اند.



تاكسي در بين راه پنچر شد.



زمین لیز بود، سر خوردم.



ماشین خراب شده است. باید تعمیر کار بیايد.

## یک روز پر ماجرا (۲)

سasan ساعت ده و سی و پنج دقیقه به اداره رسید. خواست دکمه‌ی آسانسور را بزند که نگهبان اداره جلو آمد و گفت: «امروز باید تا طبقه‌ی هفتم پیاده بروید چون آسانسور خراب است.» سasan نفس زنان وارد اتاق شد. وقتی می‌خواست در را ببیند، انگشت‌ش لای در ماند. در حالی که انگشت‌اش درد می‌کرد، آمد و کامپیوتر را روشن کرد. اما کامپیوتر چند تا بوق زد و ناگهان خاموش شد. تلفن را برداشت تا از مهندس کامپیوتر کمک بخواهد. عجب! تلفن هم قطع بود. در این هنگام سasan لبخندی زد. در اتاق را قفل کرد، چند ورق روزنامه روی زمین پهن کرد، روی روزنامه‌ها دراز کشید و همانجا خوابید تا بیشتر از این گرفتار نشود.

## تمرین ۱

هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

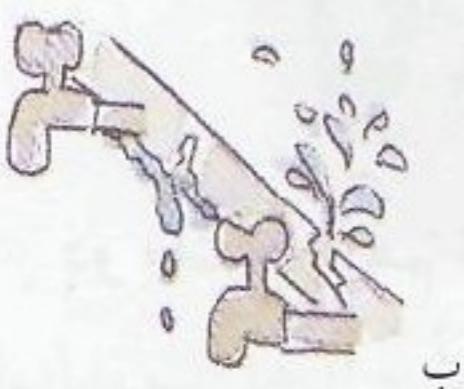
۱. کامپیوتر کار نمی‌کند. حتماً خاموش است.

۲. دو ماشین با هم تصادف کردند.

۳. اتوبوس خراب است.

۴. لوله‌ی آب ترکیده است.

۵. غذا سوخت!



ب



ث



ت



الف



ب

## تمرین ۲

در جاهای خالی به کمک تصویرها فعل مناسب را بنویسید.



الف



ب



پ

..... ۱. دکمه‌ی پیراهن سasan ...

..... ۲. ماشین وسط خیابان



ت

..... ۴. تاکسی وسط خیابان



ث

..... ۵. ماشین‌ها در راهبندان .....

## تمرین ۳

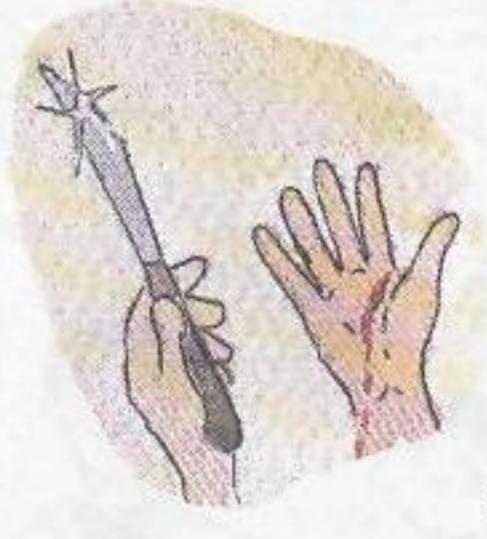
جمله‌های مربوط به یک دیگر را با یک خط به هم وصل کنید.

- الف. همه‌ی آن‌ها خشک شده‌اند
- ب. که دستم را بریدم
- پ. غذا سوخت
- ت. اما تلفن قطع بود
- ث. چون در راه‌بندان گیر کرده‌بودم
- ج. مثل این که در راه‌بندان گیر کرده‌است

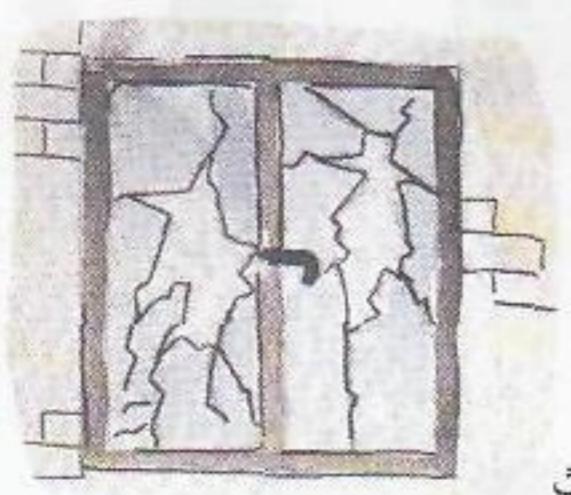
۱. پدرم هنوز به خانه نرسیده است
۲. شعله‌ی اجاق زیاد بود
۳. امروز صبح دیر به اداره رسیدم
۴. چاقو آن قدر تیز بود
۵. یادم رفته به گل‌ها آب بدھم
۶. خواستم به دوستم تلفن کنم

## تمرین ۴

برای هر یک از این تصویرها یک جمله بنویسید.



الف



الف.	.....
ب.	.....
پ.	.....
ت.	.....
ث.	.....
ج.	.....



# صفت‌های رایج

گویا  
گویا

## ورزش و سلامتی

آقای امیری هفتاد ساله است. او موهای خاکستری و چشم‌های قهوه‌ای دارد. آقای امیری قد بلند (#قدکوتاه) و لاغر (#چاق) است. او مردی سالم (#بیمار) و قوی (#ضعیف) است. آقای امیری هر روز صبح، لباس ورزشی آبی رنگش را می‌پوشد و به پارک نزدیک خانه می‌رود و در آن جا با دوستانش ورزش می‌کند. ورزش بهترین سرگرمی و تفریح برای آقای امیری است.

## صفت‌های متضاد مربوط به انسان



بیمار سالم



چاق لاغر



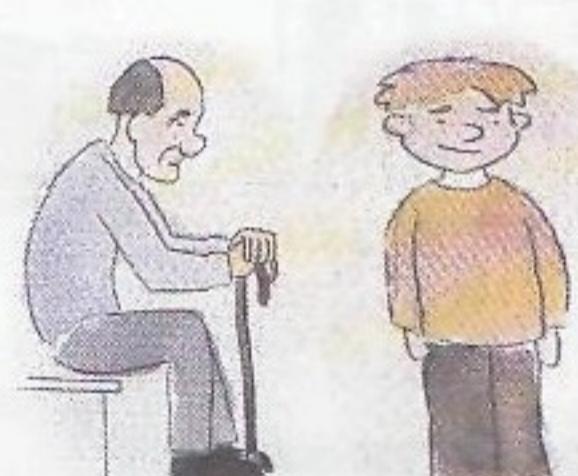
ناراحت خوشحال



قد بلند قد کوتاه



گران خندان



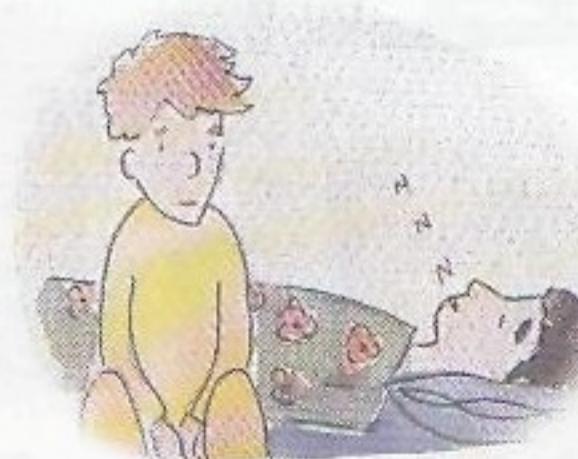
پیر جوان



سیر گرسنه



ضعیف قوی

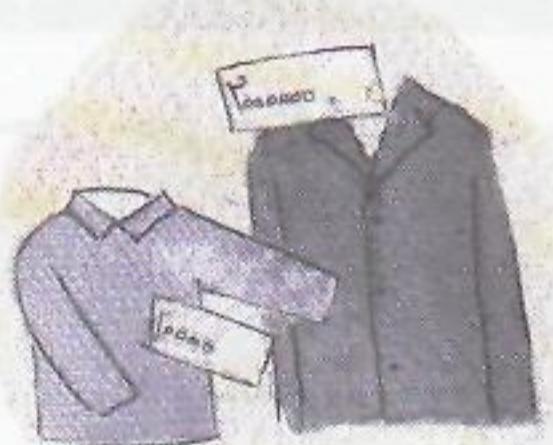


خواب بیدار

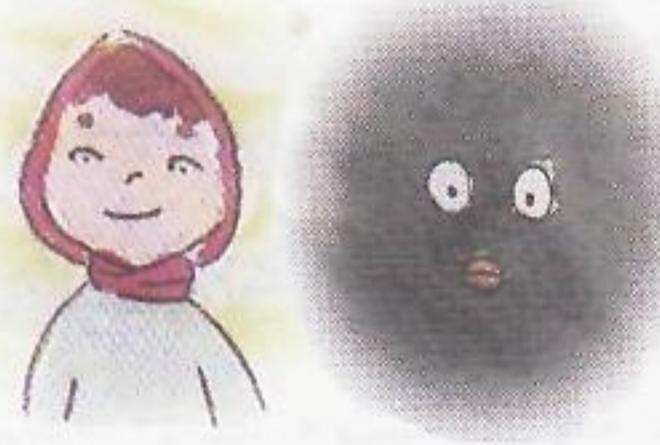
## خرید در بازار

دیروز آقای امیری و همسرش به بازار رفتند. بازار بسیار شلوغ (#خلوت) و پرس و صدا بود. آنها ابتدا به مغازه‌ی لباس فروشی رفتند. مغازه تابلوی قشنگ و رنگارنگی داشت. چراغ‌های سبز، زرد و قرمز تابلو خاموش و روشن می‌شد. آقای امیری یک بارانی سیاه و یک جفت جوراب سفید رنگ خرید. خانم امیری هم یک پالتوی کرم و روسری سرمه‌ای و پیراهن نارنجی و جوراب بنفسخ خرید.

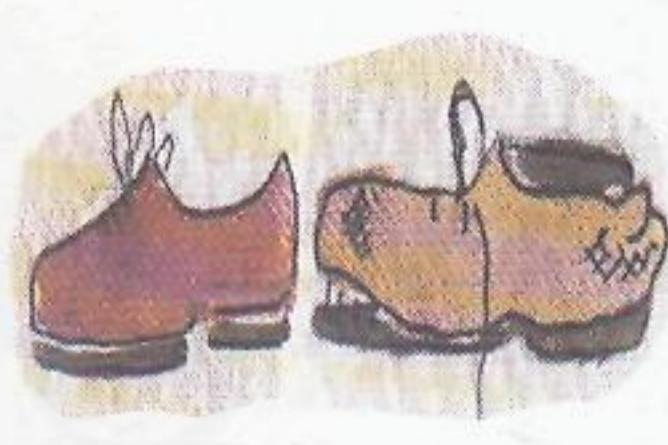
### صفت‌های متضاد



ارزان      گران



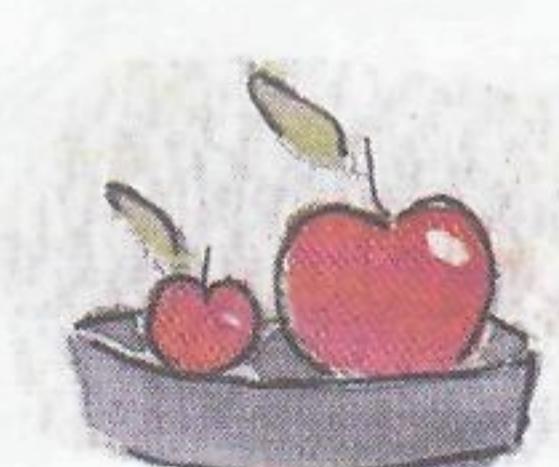
روشن      تاریک



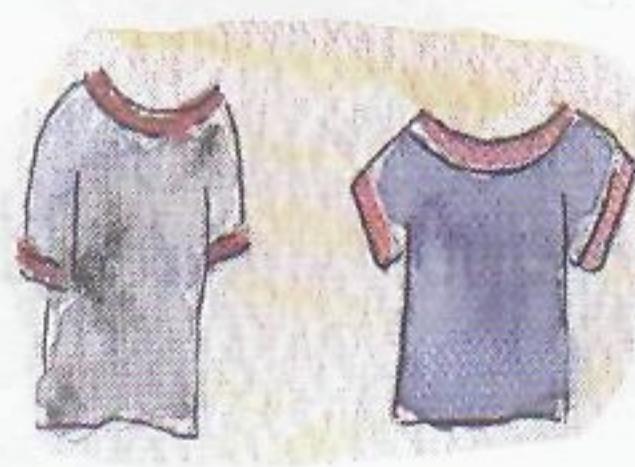
نو      کهن



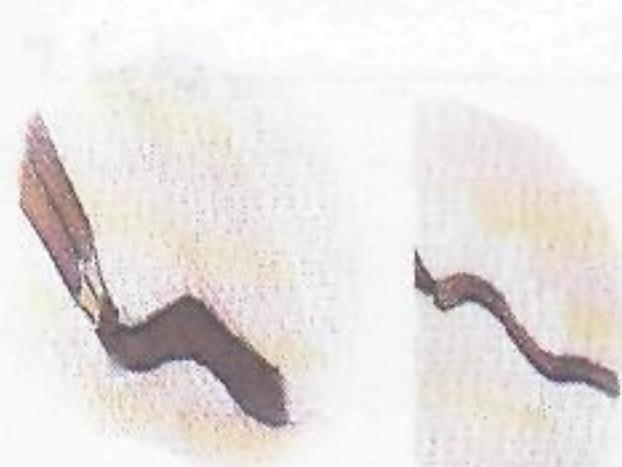
شیرین      تلخ



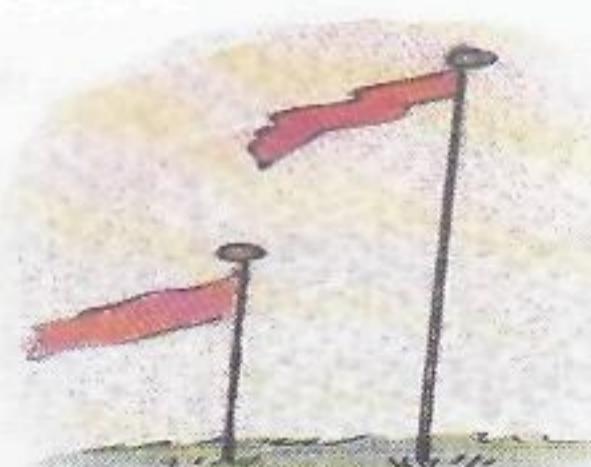
درشت      ریز



کثیف      تمیز



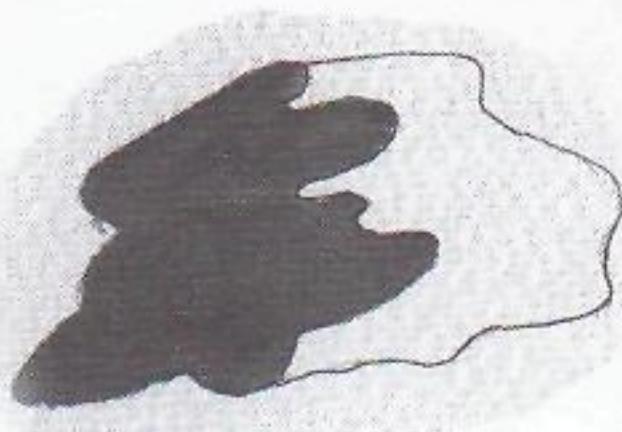
پهن      باریک



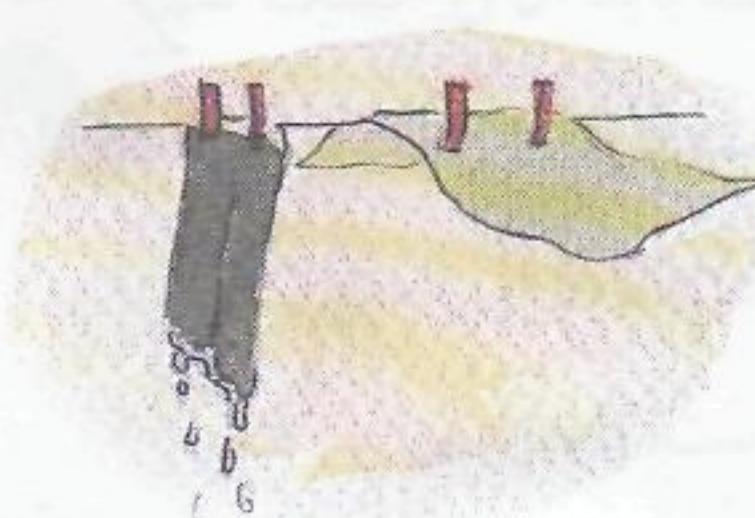
بلند      کوتاه



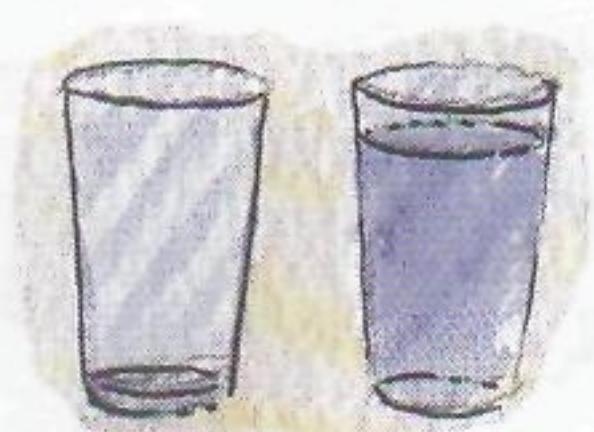
کوچک      بزرگ



سیاه      سفید



خشک



پر      خالی

## تمرین ۱

صفت‌های متضاد را با یک خط به هم وصل کنید.

الف. نو

ب. روشن

پ. قوی

ت. کوتاه

۱. خاموش

۲. ضعیف

۳. بلند

۴. کهنه

## تمرین ۲

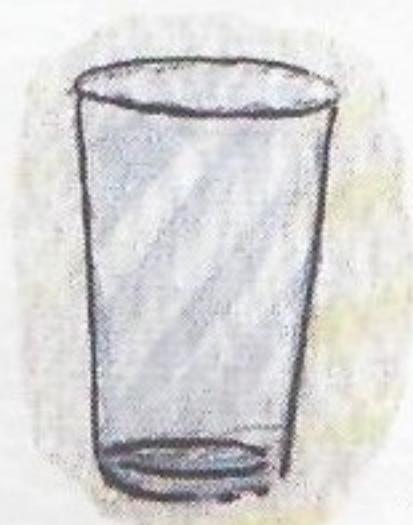
در جای خالی صفت مناسب با هر تصویر را بنویسید.



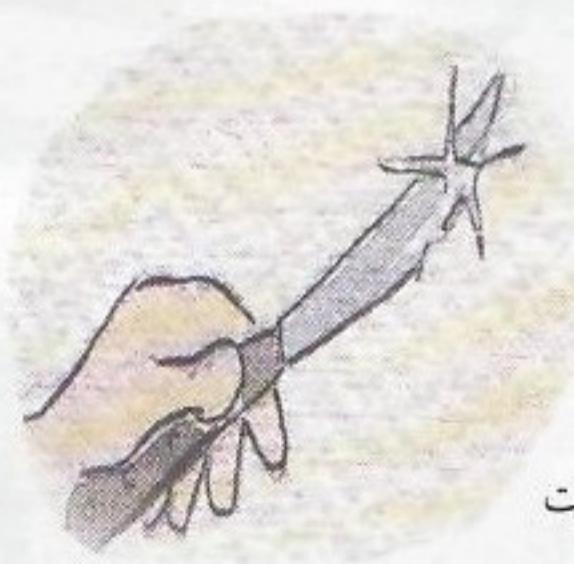
الف



ب



پ



ت

۱. این مرد ..... است.

۲. این زن ..... است.

۳. این لیوان ..... است.



ث

۴. این چاقو ..... است.

### تمرین ۳

هر یک از جمله های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



پ



ب



الف

۱. آقای امیری پیراهن سیاه می خرد.

۲. پروین پیراهن نارنجی پوشیده است.

۳. پرچم ایران سه رنگ است: سبز، سفید و قرمز.

۴. آسمان آبی و صاف است.

۵. خانم امیری پالتوی کرم پوشیده است.

۶. سیب علی درشت و سیب حسین ریز است.



ج



ث



ت

### تمرین ۴

صفت مناسب هر کلمه را بنویسید.

۱. کفشم ..... است. باید کفش نویی بخرم.

۲. شلوارم ..... است. باید آن را کوتاه کنم.

۳. برادرم ..... است. باید او را بیدار کنم.

۴. لباسم ..... است. باید آن را خشک کنم.

۵. پدرم ..... است. باید او را خوشحال کنم.

۶. بچه ..... است. باید او را سیر کنم.

۷. ظرف میوه ..... است. باید آن را پر کنم.

۸. پیراهنم ..... است. باید آن را تمیز کنم.

## در شهر



## پلیس محله

آقای عزیزی مردی با انصباط و مقرراتی است. معمولاً می‌توانید او را سر چهارراه محله ببینید. هنگامی که چراغ راهنمایی قرمز می‌شود، او سوت می‌زند و با یک دست جلوی ماشین‌ها را می‌گیرد و با دست دیگر ش به ماشین‌های طرف دیگر علامت می‌دهد تا حرکت کنند. هنگامی که او سر چهارراه ایستاده است، شما مطمئن هستید که ترافیک روان است و هیچ مشکلی پیش نمی‌آید؛ زیرا آقای عزیزی، این افسر با هوش و کاردان پلیس راهنمایی و رانندگی، رفت و آمد ماشین‌ها را به به خوبی اداره می‌کند.

## علامه راهنمایی و رانندگی



ایستگاه تاکسی



خیابان یک طرفه



سبقت گرفتن ممنوع



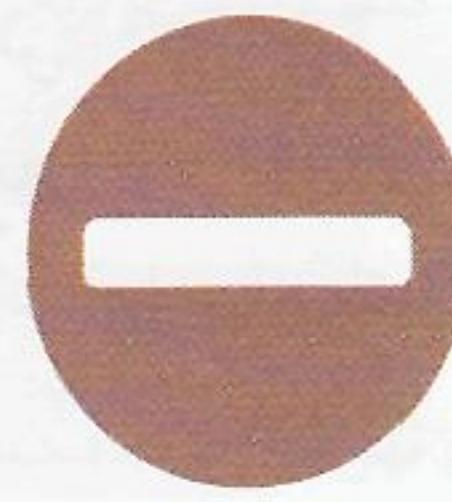
ایستگاه اتوبوس



ایستگاه مترو



پارک کردن ممنوع



عبور ممنوع



بوق زدن ممنوع



محل عبور دوچرخه سوار

## نشانی دادن (=آدرس)

خیابان مهر را تا انتها برو. بعد به سمت راست بپیچ، وقتی به سه راهی آبان رسیدی، به خیابان سمت چپ به نام آذر برو و میدان آذر را هم ردکن. اولین چهارراه سمت چپ، نبش خیابان، بانک سپه.

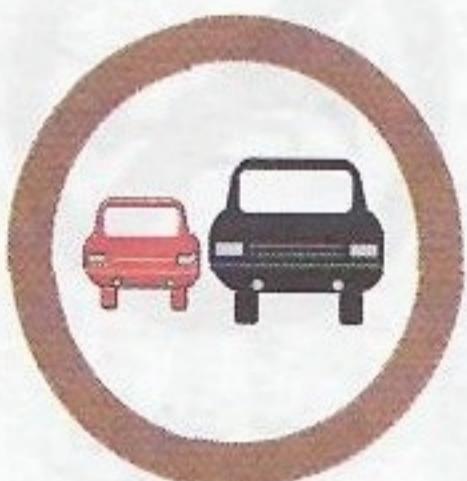


## تمرین ۱

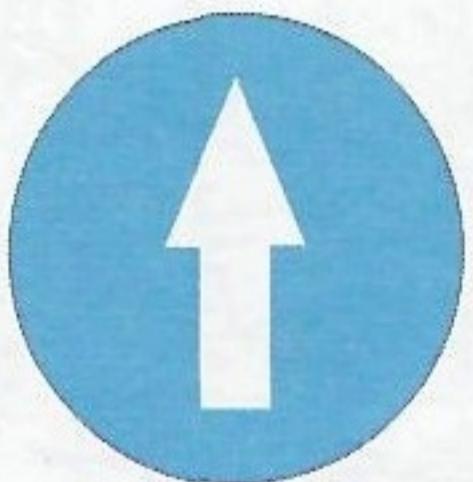
هر یک از عبارت‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت

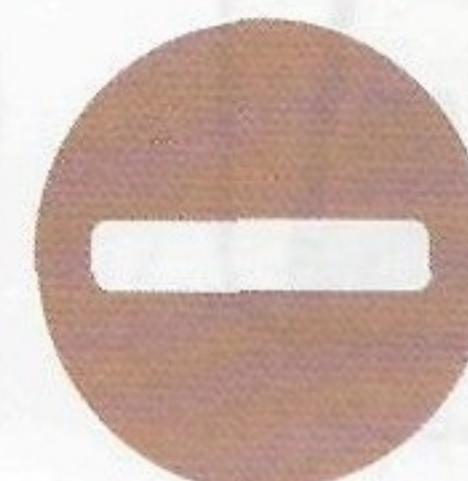


ج

۱. بوق زدن ممنوع
۲. سبقت گرفتن ممنوع
۳. پارک کردن ممنوع
۴. محل عبور دوچرخه‌سوار
۵. ایستگاه اتوبوس
۶. خیابان یک طرفه
۷. عبور ممنوع



الف



پ



ج



ث

## تمرین ۲

صداق کدام یک از کلمه‌های زیر را می‌توانید در شهر پیدا کنید؟

پیاده‌رو	<input type="checkbox"/>	صندوق پست
گندم‌زار	<input type="checkbox"/>	طويله
تلفن عمومی	<input type="checkbox"/>	مزروعه
تراکتور	<input type="checkbox"/>	خط عابر پیاده

### تمرین ۳

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

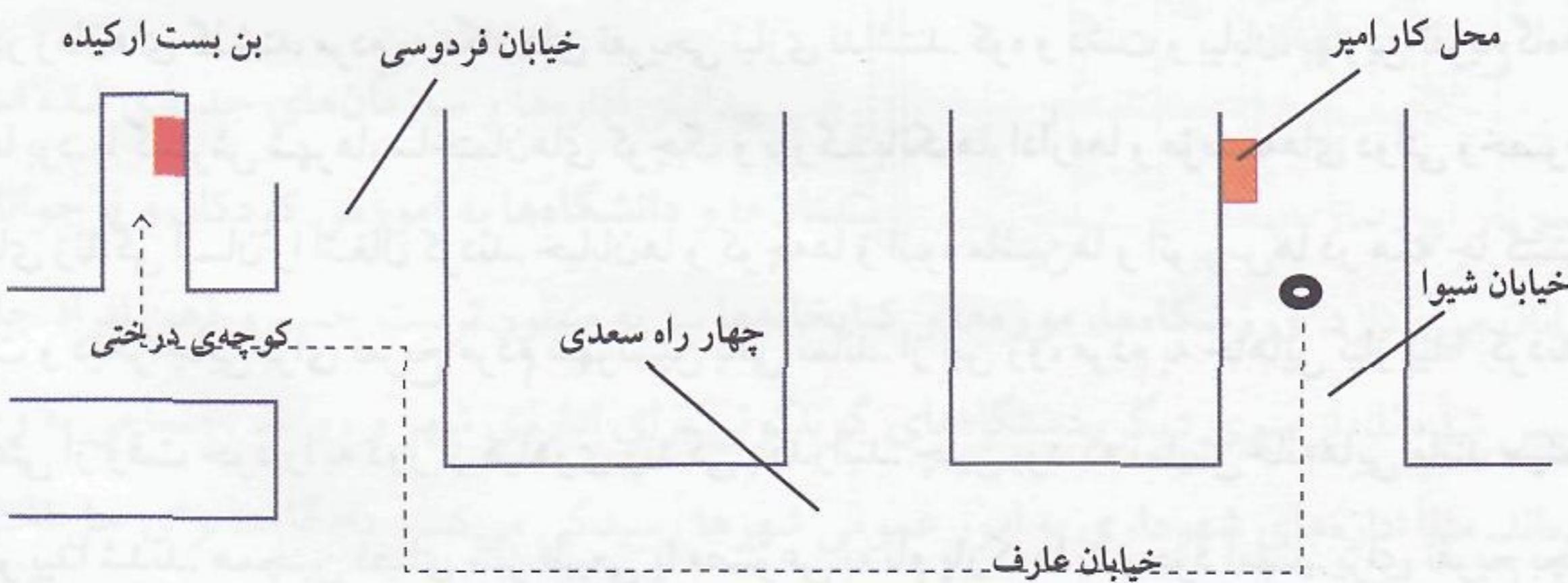
خیابان‌های، چهارراه، ترافیک، میدان، نشانی، کوچه‌ی، مقرراتی، صندوق‌پست

۱. مغازه و فروشگاه‌های گوناگونی در ..... شهر وجود دارد.
۲. کتاب فروشی نیلوفر نیش ..... شادمان است.
۳. نزدیک خانه‌ی ما ..... بزرگ و قشنگی وجود دارد.
۴. می خواهم نامه‌ام را پست کنم. در این نزدیکی‌ها ..... کجاست؟
۵. آیا شما این جوان ..... را می‌شناسید؟
۶. ..... خانه‌تان را پیدا نکردم، آن را دوباره بگو.
۷. شب‌ها، بیشتر خیابان‌های تهران ..... سنگین و خسته‌کننده‌ای دارند.

### تمرین ۴

امیر می‌خواهد از محل کار به پلاک ۸ در کوچه‌ی درختی برود. به کمک تصویر او را راهنمایی کنید.

خیابان شیوا را ..... برو. بعد به سمت ..... بیچ و دوباره مستقیم حرکت کن.  
 ..... سعدی را رد کن. خیابان را ..... برو. اولین خیابان سمت .....  
 را برو بالا. اولین کوچه‌ی ..... چپ، کوچه‌ی درختی، ..... ارکیده پلاک ۸.



# مکان‌های عمومی و تجاری

## مغازه‌ها



خرازی



شیشه‌بری



کتاب فروشی



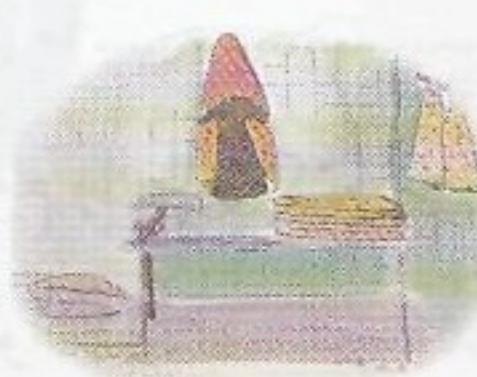
میوه فروشی



داروخانه



خشک‌شویی



نانوایی



آرایشگاه



گل فروشی



اسباب بازی فروشی



فروشگاه لوازم الکتریکی

برای خریدن دکمه، زیپ یا لوازم خیاطی به خرازی مراجعه می‌کنید.

اگر شیشه‌ی پنجره‌تان بشکند، به شیشه‌بری مراجعه می‌کنید تا شیشه‌ی تازه‌ای برایتان بیندازد.

اگر بخواهید لباس‌تان را بشویید و اتو کنید، آن را به خشک‌شویی می‌برید.

لامپ، سیم برق، پریز یا دو شاخه را از فروشگاه لوازم الکتریکی تهیه می‌کنید.

## نهادهای تفریحی

در زمان‌های گذشته، مردم به مکان‌های تفریحی نیازی نداشتند. کوه و دشت و بیابان، بهترین تفریح‌گاه‌های آن‌ها بود. با گسترش شهرها، ساختمان‌های کوچک و بزرگ، بانک‌ها، اداره‌ها و مؤسسه‌های دولتی و خصوصی فضای زندگی انسان را اشغال کردند. خیابان‌ها و کوچه‌ها و انبوه ماشین‌ها و اتوبوس‌ها در همه جا گسترش یافت و دیگر جایی برای تفریح مردم شهرنشین باقی نماند. از این‌رو، مردم به جاهایی نیاز پیدا کردند که ساعتی از وقت خود را به دور از هیاهوی زندگی بگذرانند. چنین بود که نمایش‌خانه‌هایی مانند سینما یا تئاتر پیدا شدند. همچنین فضای سبز طبیعی یا مصنوعی به نام پارک‌ها به وجود آمدند. برای تفریح بچه‌ها نیز شهر بازی با انواع و اقسام وسایل تفریحی مانند چرخ‌فلک، آبشار، قایق آبی، اتومبیل‌های الکتریکی، کشتی‌پرنده و ... ساخته شد.



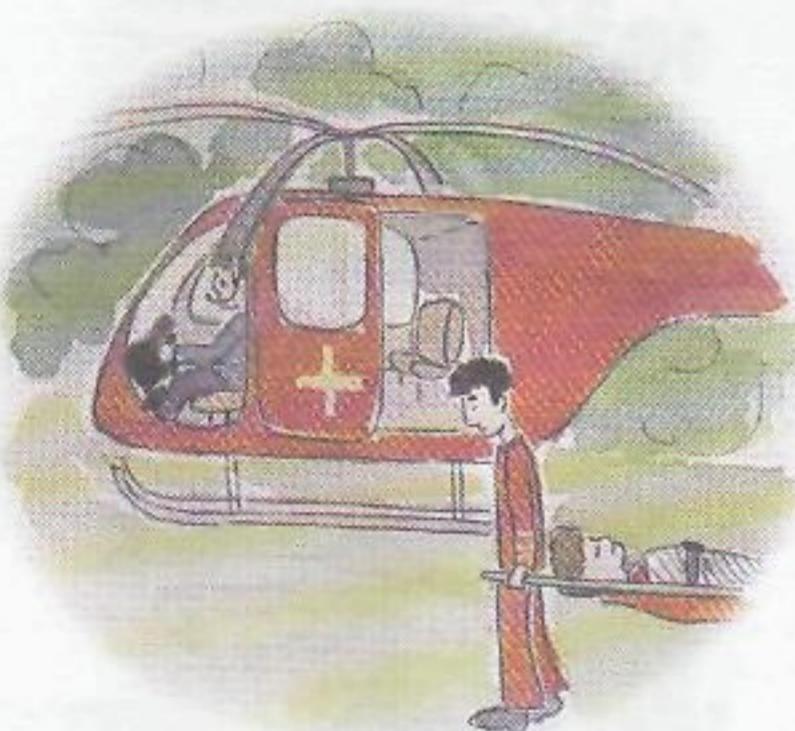
اورژانس پزشکی



آتش نشانی



پلیس راهنمایی و رانندگی



هلیکوپتر امداد



مأمور نیروی انتظامی

## نهادهای اداری - آموزشی

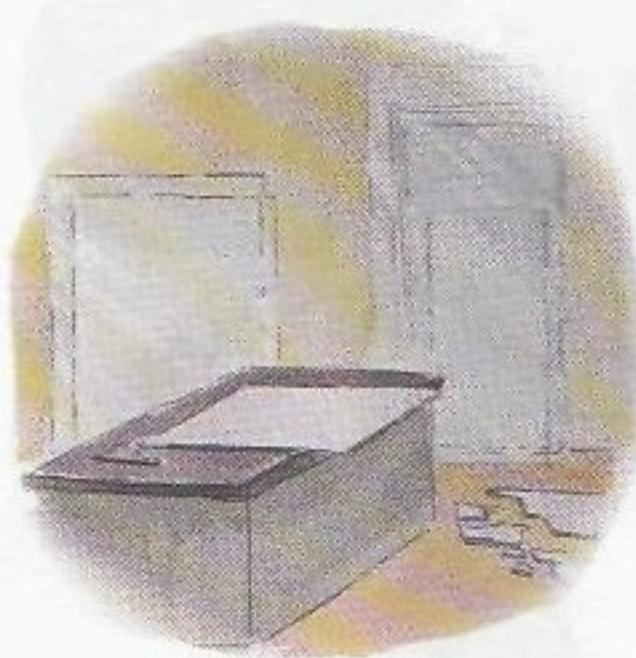
افزایش جمعیت و رشد اقتصادی جوامع موجب پیدایش اداره‌ها و سازمان‌های جدیدی شده است. بعضی از این سازمان‌ها مانند دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها به آموزش کودکان و نوجوانان و جوانان می‌پردازد. ورزشگاه‌ها، موزه‌ها و کتابخانه‌ها نیز به منظور تربیت جسم و ذهن افراد جامعه تأسیس شده‌اند. از سوی دیگر، دستگاه‌های گوناگونی برای اداره‌ی شهر و روابط اجتماعی به وجود آمده‌اند. مثلاً اداره‌های شهرداری به امور عمومی شهرها رسیدگی می‌کنند. دادگاه‌ها برای حل اختلاف مردم و کلانتری‌ها به منظور رسیدگی به جرائم تشکیل شده‌اند.

## تمرین ۱

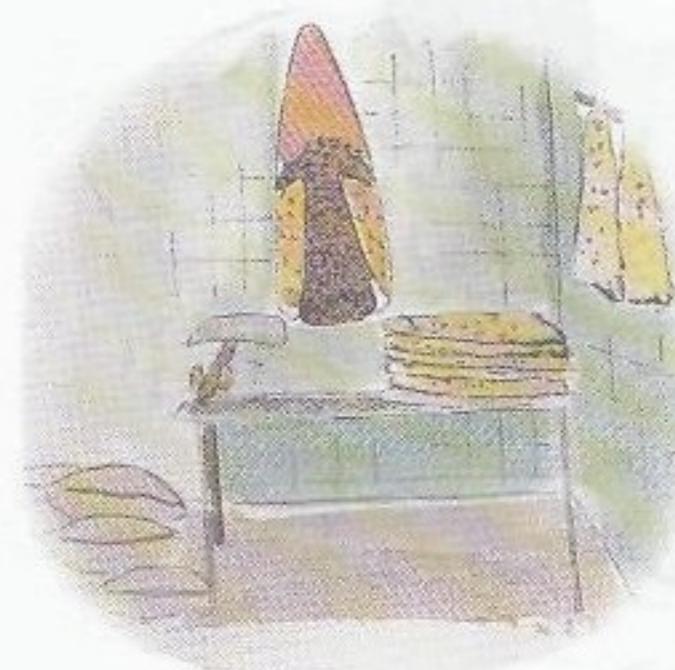
هر یک از کلمه‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب

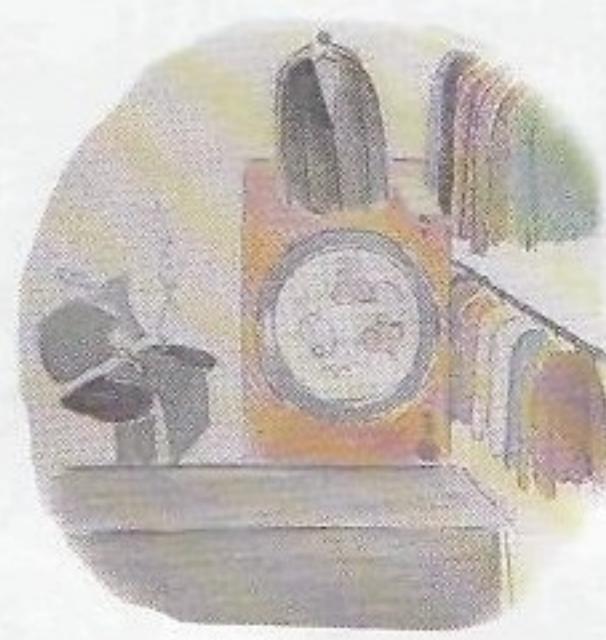


ت



ج

۱. اسباب بازی فروشی
۲. فروشگاه لوازم الکتریکی
۳. شیشه‌بری
۴. خشک‌شویی
۵. آرایشگاه
۶. خرازی
۷. نانوایی



الف



پ



ج



ث

## تمرین ۲

جمله‌های سمت راست را با یک خط به کلمه‌های مربوط به آنها در سمت چپ وصل کنید.

الف. دبستان

ب. شهرداری

پ. ورزشگاه

ت. کلانتری

ث. دادگاه

۱. به امور عمومی شهرها رسیدگی می‌کند

۲. به حل اختلاف مردم می‌پردازد

۳. به منظور رسیدگی به جرائم تشکیل شده است

۴. به آموزش کودکان می‌پردازد

۵. به منظور تربیت جسم و ذهن افراد تأسیس شده است

### تمرین ۳

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

دانشگاه، دبیرستان، شهربازی، سینما، بانک

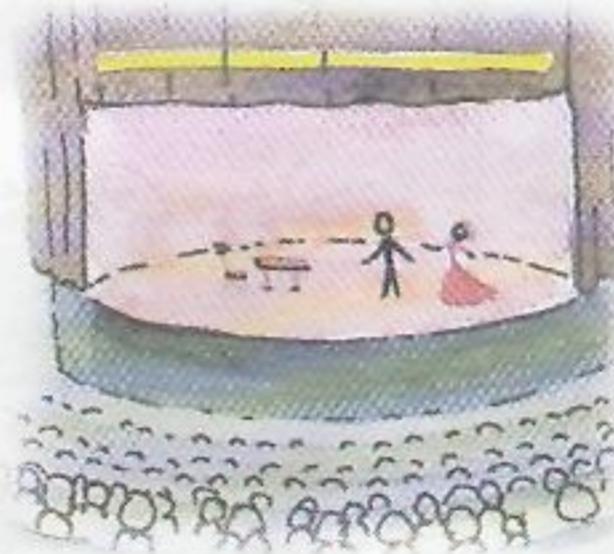
۱. با گسترش شهرها، برای تفریح بچه‌ها ..... ساخته شد.
۲. ..... و ..... به آموزش نوجوانان و جوانان می‌پردازد.
۳. مردم امور بانکی خود را در ..... انجام می‌دهند.
۴. مردم شهر ساعتی از وقت خود را در ..... یا تئاتر می‌گذرانند.

### تمرین ۴

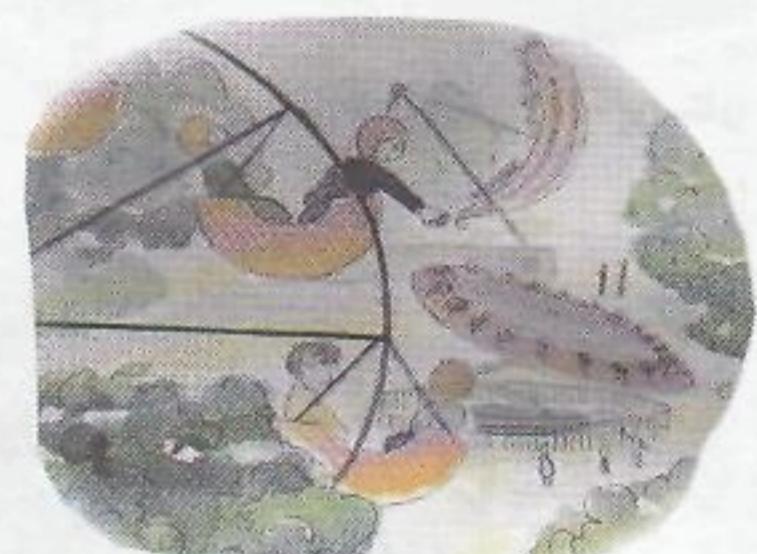
هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ب



الف

۱. علی همراه خانواده‌اش به موزه رفته است.
۲. مهران در فروشگاه لوازم الکتریکی کار می‌کند.
۳. مریم در شهربازی سوار چرخ فلک شده است.
۴. تماشچی‌ها مشغول دیدن تئاتر هستند.
۵. خانم اکبری در کتابخانه مشغول مطالعه است.



ث



ت

# شغل‌ها

این افراد را بشناسید.



وکیل



مهندس



خلبان



کارگر



کارمند



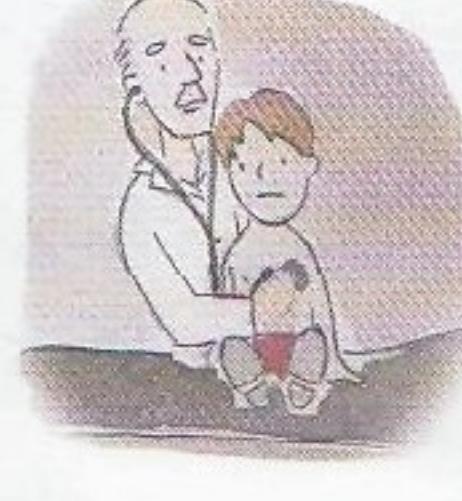
پرستار



منشی



کشاورز



پزشک



استاد



باغبان



آموزگار

## استخدام در شرکت

سپهر در یک مؤسسهٔ خصوصی (# دولتی) کار می‌کرد. او از شغلش ناراضی بود. به همین دلیل پارسال از آن مؤسسه استعفا کرد (# بیرون آمد) و به یک شرکت بزرگ و معتبر کامپیوترا مراجعه کرد. او به دلیل مهارت و تخصصی که در کارش داشت، خیلی زود در آن شرکت مشغول به کار شد. سپهر به طور تمام وقت (# پاره وقت) از ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر در شرکت کار می‌کند و حقوق (= دستمزد) ماهانه‌ی بسیار خوب و مناسبی دریافت می‌کند. کار او در این شرکت بسیار زیاد است و گاهی ناچار می‌شود چند ساعت اضافه کار داشته باشد. در پایان ماه گذشته، مدیر شرکت حقوق و مزایای او را افزایش داد و پاداش قابل توجهی برای او در نظر گرفت.

## محل کار افراد

به این افراد در محل کارشان توجه کنید:



بقال در بقالی قند و شکر و برنج و روغن می‌فروشد.

قصاب در قصابی گوشت می‌فروشد.



عطار در عطاری گیاهان دارویی می‌فروشد.

قناڈ در قناڈی شیرینی می‌فروشد.



کفاش در کفاشی کفش تعمیر می‌کند (یا می‌فروشد).

نانوا در نانوایی نان می‌فروشد.

آقای نواب کتاب می‌فروشد.



آقای ابراهیمی فروشنده است.

او کتاب‌فروش است.

او طلا و جواهر می‌فروشد.



آقای ابراهیمی زرگر (= طلا فروش) است.



آقای شایان میوه می‌فروشد.

او میوه‌فروش است.

آقای یوسفی گل می‌فروشد.



آقای شادمان سبزی می‌فروشد.

او سبزی‌فروش است.

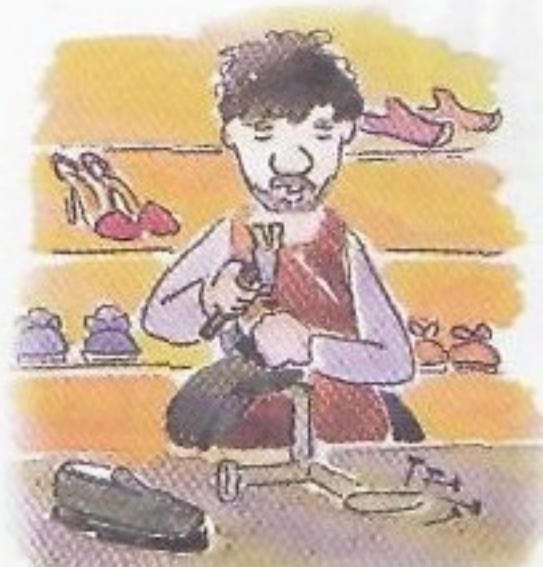
او گل‌فروش است.

آقای تیموری روزنامه و مجله می‌فروشد.

او روزنامه‌فروش است.

## تمرین ۱

هر یک از افراد زیر را با یک خط به محل کار مربوط به آنها وصل کنید.



ب

۱. بقال



ت

۲. نانوا



الف

۳. کفاش



پ

۴. قصّاب



ج

۵. عطار



ث

۶. قناد

## تمرین ۲

در جاهای خالی شغل مناسب را بنویسید.

۱. کار ..... یک نواخت و خسته‌کننده است. او دائم باید باشد و بالبخند جواب مشتری‌ها را بدهد.
۲. اگر من ..... بشوم. در معازه‌ام شیرینی و شکلات‌های مناسبی می‌فروشم.
۳. عمومیم ..... خوب و با تجربه‌ای است. او از گل‌ها و درختان به خوبی مراقبت می‌کند.
۴. خوش به حال ..... ! هر وقت اراده کند، کتاب تازه‌ای برای خواندن دارد.
۵. برادرم می‌خواهد ..... هوایپما شود.
۶. چون پدرم ..... خوبی است، بیماران زیادی به او مراجعه می‌کنند.
۷. کار ..... زیاد و خسته‌کننده است. او هر روز باید نامه‌های زیادی تایپ کند و به تلفن‌ها جواب دهد.

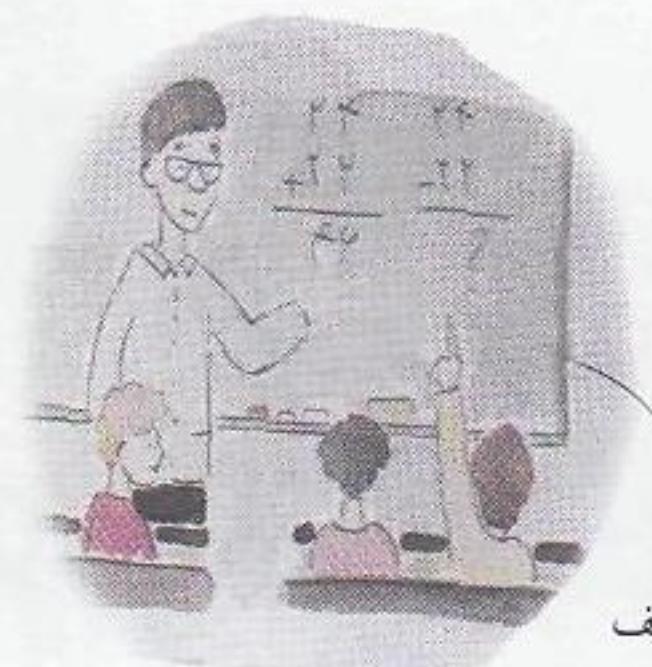
## تمرین ۳

هر یک از کلمه‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آنها وصل کنید.

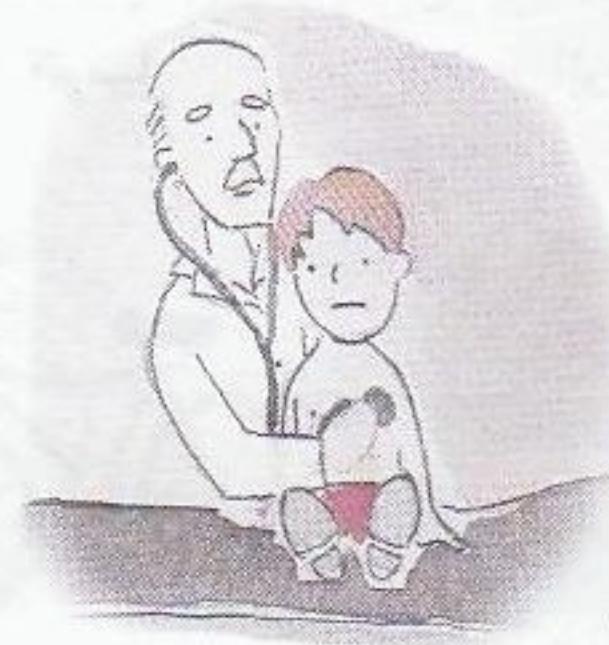


ب

۱. کارمند



الف



ت

۲. پزشک



پ

۳. آموزگار

۴. استاد

## تمرین ۴

با توجه به کلمه‌های زیر هر یک از جمله‌های زیر را چه کسی می‌گوید؟

میوه‌فروش، عطار، آموزگار، پزشک، خلبان، روزنامه‌فروش، قناد

۱. گلویتان درد می‌کند؟ حالت تهوع دارد؟

.....

۲. بچه‌ها درس را خوب فهمیدند؟

.....

۳. پرتقال‌های ما حسابی رسیده‌اند.

.....

۴. خاک‌شیر برای ناراحتی شما خوب است. بیشتر مصرف کنید.

.....

۵. آخرین خبر روزنامه‌ی عصر!

.....

۶. شیرینی‌های ما تازه و خوشمزه‌اند.

.....

۷. مسافران محترم، لطفاً کمربندتان را بیندید.

## وسایل نقلیه



want



taksi



mīni-bus



atobūs



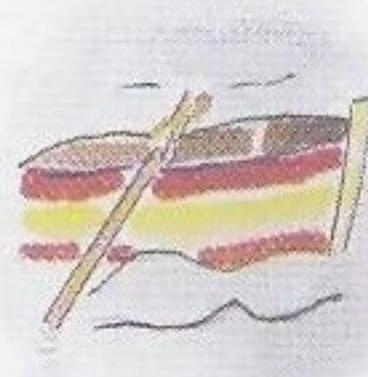
aṭomobil



mōtor-siklēt



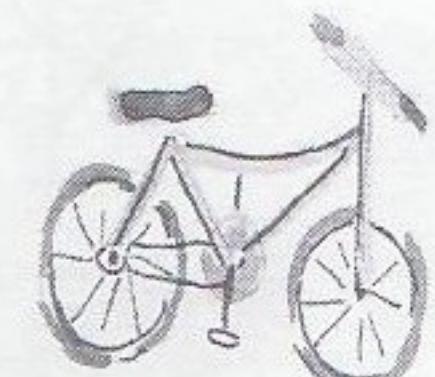
kāmīyon



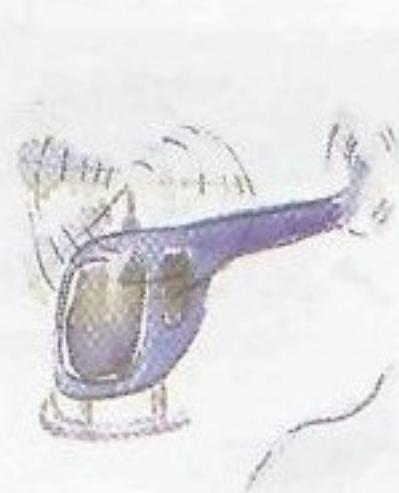
qāyiq



k̄sh̄ti



dōčr̄x̄



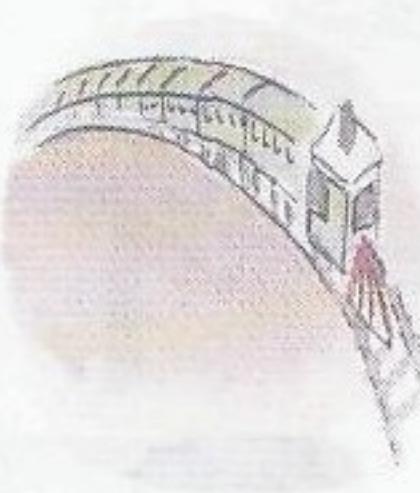
heli-kōpter



hawā-pīma



mētro



qatār

## امروز، فردا، دیروز

امروزه سرعت حرکت وسایل نقلیه مسئله‌ی مهمی شده است. سرعت اتومبیل‌ها، قطارها و متروها به چند ۱۰۰ کیلومتر در ساعت رسیده است. هواپیماهای جت با سرعت بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر در ساعت در آسمان پرواز می‌کنند. شاید روزی برسد که وسایل نقلیه‌ای مانند اتوبوس پرنده مردم را در شهرها جا به جا کنند. فراموش نکنیم که حدود ۱۲۰ سال پیش وقتی عابران در خیابان‌ها اتومبیلی را می‌دیدند که با سرعت ۱۵ کیلومتر در ساعت حرکت می‌کند با تعجب آن را نگاه می‌کردند. حالا هم وقتی اتومبیلی با سرعت ۱۵ کیلومتر در ساعت در خیابان‌ها حرکت کند، باز هم عابران همان کار را می‌کنند.

## در یک آزادس مسافرتی



آقا: سلام خانم، چهار تا بلیت رفت و برگشت برای قطار تهران - بندرعباس می‌خواهم. درجه یک لطفاً.

خانم: ببخشید. فقط درجه دو داریم.

آقا: چه بد! خیلی خوب. پس همان درجه دو را بدهید.

خانم: برای چه روزی؟

آقا: بیست و سوم اسفند ماه.

خانم: بیست و سوم، ساعت شش و نیم بعد از ظهر.

آقا: خیلی خوب است.

خانم: بفرمایید، شماره‌ی واگن و کوپه (= هریک از اتاق‌های مخصوص مسافرها) روی بلیت نوشته شده است. نیم ساعت قبل از حرکت قطار در ایستگاه راه آهن باشد.

آقا: بله، حتماً خیلی ممنون.

## اولین و آخرین جریمه

وقتی جوان بودم با سرعت زیادی رانندگی می‌کردم. روزی تصمیم گرفتم با اتومبیل شخصی به باغ یکی از دوستان در خارج از شهر بروم، اتومبیل بنزین نداشت، بنابراین در اولین پمپ بنزین بنزین زدم. بعد پاییم را روی گاز گذاشتم و شروع کردم به سبقت گرفتن و ویراث دادن (= جلو زدن). هنوز چند کیلومتر از شهر دور نشده بودم که پلیس راه خواست ماشین را کنار جاده پارک کنم. آن وقت به خاطر سرعت غیرمجاز (= برخلاف قانون) جریمه‌ام کرد. آن روز از ترس پلیس راه سرعتم بیشتر از شصت کیلومتر نشد. از آن موقع تا حالا دیگر با سرعت بالای شصت کیلومتر رانندگی نکرده‌ام و خوشبختانه دیگر جریمه هم نشده‌ام.

## تمرین ۱

نام هر یک از وسایل نقلیه را زیر تصویر مربوط به آن بنویسید.



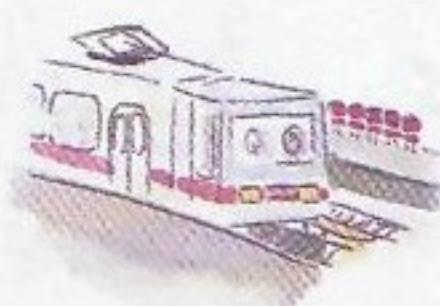
۳



۲



۱



۵



۴



ب

۱. موتورسیکلت



ت

۲. هلیکوپتر



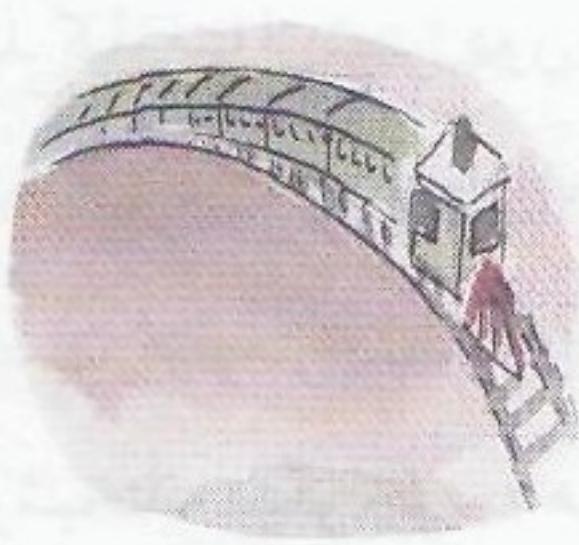
الف

۳. تاکسی



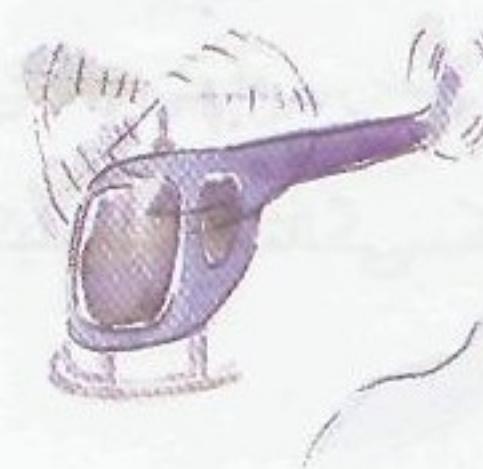
ب

۴. قطار



ج

۵. مینیبوس



ث

۶. هواپیما

### تمرین ۳

دور کلمه یا عبارت درست خط بسته بکشید.

۱. فقط چند ثانیه دیر به ایستگاه مترو رسیدم، بنابراین از قطار جا ماندم / سوار شدم.
۲. وقتی از تاکسی پیاده شدم / سوار شدم، کرایه‌ی راننده را دادم.
۳. راننده / راندن دوچرخه آسان‌تر از رانندگی اتومبیل است.
۴. وقتی سوار ماشین می‌شوید / از ماشین پیاده می‌شوید، باید کمربند ایمنی ببندید.
۵. خلبان نمی‌تواند بدون کمک اطلاعات برج مراقبت پرواز کند / رانندگی کند.
۶. هواپیما تا بیست دقیقه‌ی دیگر در باند فرودگاه فرود می‌آید / پیاده می‌شود.
۷. اتومبیل با سرعت زیاد از کامیون سبقت گرفت / پارک کرد.
۸. یخچال و تلویزیون را با وانت / دوچرخه به خانه آوردیم.

### تمرین ۴

هر یک از کلمه‌های زیر را با یک خط به تعریف آن وصل کنید.

- |             |   |
|-------------|---|
| الف. قطار   | ۱. پولی که شخص به خاطر خلافی که انجام داده است، می‌پردازد.    |
| ب. کرایه    | ۲. کاری که برخلاف قانون و مقررات باشد.                        |
| پ. جریمه    | ۳. دفترچه‌ای که مشخصات فرد در آن نوشته شده است.               |
| ت. غیرمجاز  | ۴. وسیله‌ی نقلیه‌ی بزرگی که شامل یک لوکوموتیو و چند واگن است. |
| ث. شناسنامه | ۵. پولی که شخص برای استفاده از چیزی یا وسیله‌ای می‌پردازد.    |

## سکه و اسکناس

در تصاویر زیر، برخی از پول‌های رایج در ایران نشان داده شده است. واحد پول ایران ریال است، اما به طور سنتی واحد تومنان هم به کار می‌رود. در ایران به پول فلزی سکه و به پول کاغذی اسکناس می‌گوییم.



سکه‌ی ۵۰۰ ریالی  
(۵۰ تومنانی)



سکه‌ی ۲۵۰ ریالی  
(۲۵ تومنانی)



سکه‌ی ۱۰۰ ریالی  
(۱۰ تومنانی)



سکه‌ی ۵۰ ریالی  
(۵ تومنانی)



اسکناس ۲۰۰۰ ریالی = (۲۰۰ تومنانی)



اسکناس ۱۰۰۰ ریالی = (۱۰۰ تومنانی)



اسکناس ۱۰۰۰ ریالی = (۱۰۰ تومنانی)



اسکناس ۵۰۰ ریالی = (۵۰ تومنانی)



اسکناس ۲۰۰۰ ریالی = (۲۰۰ تومنانی)

شماره‌ی حساب	حساب پس انداز قرض الحسنہ
۸۵۲۳۴۵۷	بانک تجارت . شعبه ... تهران ...
	نام و نام خانوادگی ..... مریم سعادتی
	شماره‌ی شناسنامه ..... ۹۸۰ ..... محل صدور ..... تهران ..... تاریخ / تولد / روز ..... ۳۰.۸. سال ..... ۱۳۴۹.
	نام صاحب حساب ..... مریم سعادتی
	شماره‌ی شناسنامه ..... ۹۸۰ ..... محل صدور ..... تهران ..... نشانی ..... تهران، خیابان گلستان، کوچه‌ی دوم، پلاک ۴۷، طبقه‌ی ۲.
	تلفن ..... ۴۴۵۹.۸۸۸
	موجودی حساب ..... ۹۰۰.۰۰۰ ریال
	محل امضا 

## حساب پس انداز

آقای زرگری در بانک سپه حساب پس انداز باز کرده است. او ماهی یک بار مبلغ دویست هزار ریال به حساب خود می‌ریزد. ده روز پیش او پانصد هزار ریال از حسابش برداشت کرد. در حال حاضر موجودی حساب او پنج میلیون ریال است. آقای زرگری پیرمرد هشتاد ساله‌ای است که دوست ندارد از حساب‌های کامپیوتري مثل عابرbanک استفاده کند. او ترجیح می‌دهد همچنان از روش‌های سنتی در بانک استفاده کند.

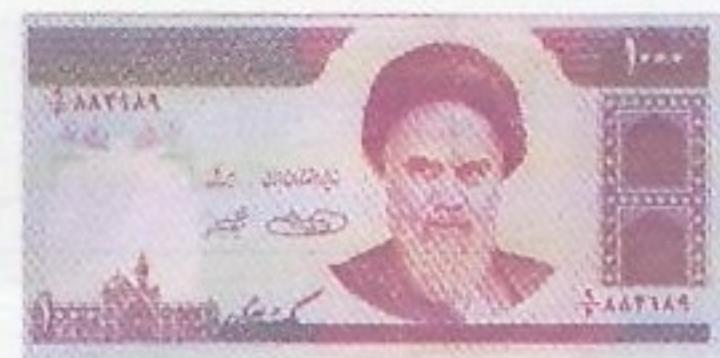
## خرید با تخفیف

- در این فروشگاه کلیه‌ی اجنبی را با ۱۰٪ تخفیف می‌فروشنند.
- صاحب فروشگاه با این تخفیف خیلی ضرر نمی‌کند. زیرا مشتری‌های او بیشتر شده‌اند و سود قابل توجّهی می‌کند.
- صندوق‌دار قیمت کالاهای مشتری‌ها را حساب می‌کند.
- مشتری‌ها مبلغ کالاهای را به صندوق‌دار می‌پردازند.
- مردم دوست دارند از فروشگاه‌های بزرگ خرید کنند.
- مشتری‌ها هنگام خارج شدن از فروشگاه صورت حساب را به نگهبان نشان می‌دهند.



## تمرین ۱

پول‌های زیر را در دو ستون زیر دسته‌بندی کنید.



اسکناس

سکه

.....  
.....  
.....  
.....

.....  
.....  
.....  
.....

## تمرین ۲

عبارت‌های سمت راست را با یک خط به عبارت‌های سمت چپ وصل کنید.

الف. ۵ تومان

۱. ۱۰۰۰ ریال

ب. ۵۰ تومان

۲. ۲۰۰ ریال

پ. ۱۲۷ تومان

۳. ۲۵۰۰ ریال

ت. ۱۰۰۰ تومان

۴. ۵۰ ریال

ث. ۴۵۰۰ تومان

۵. ۵۰۰ ریال

ج. ۲۰ تومان

۶. ۱۲۷۰ ریال

چ. ۲۵۰ تومان

۷. ۴۵۰۰۰ ریال

## تمرین ۳

اطلاعات مربوط به خودتان را در این دفترچه‌ی بانکی بنویسید.

### حساب پس انداز قرض الحسن

شماره‌ی حساب

..... بانک تجارت . شعبه .....

نام و نام خانوادگی صاحب حساب .....

شماره‌ی شناسنامه ..... محل صدور ..... تاریخ / تولد / روز ..... ماه ..... سال ..... ۱۳ .....

نام صاحب حساب .....

شماره‌ی شناسنامه ..... محل صدور .....

..... نشانی .....

..... تلفن .....

..... موجودی حساب .....

محل امضا

## تمرین ۴

در جای خالی فعل مناسب بگذارید.

باز می‌کنم، می‌پردازد، خرید کنم، ریختم، حساب می‌کند، ضرر نمی‌کند، برنمی‌دارم

۱. مشتری مبلغ اجناس را به صندوق‌دار .....

۲. هفته‌ی گذشته، اجاره‌خانه را به حساب صاحب‌خانه .....

۳. این ماه پولی از حسابم .....

۴. ماه آینده برای پسرم حساب پس‌انداز .....

۵. صندوق‌دار قیمت کالاهای مشتری‌ها را .....

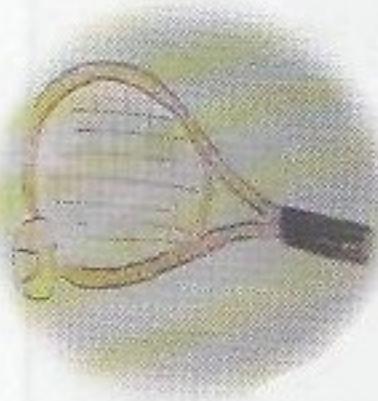
۶. من دوست دارم از فروشگاه‌های بزرگ .....

۷. صاحب فروشگاه با این تخفیف خیلی .....

# ورزشکاران و ورزش‌ها

گلچینی

## نام چند ورزش با استفاده از توپ



تنیس



بدمیتون



بسکتبال



والیبال



فوتبال



واترپلو



گلف



چوگان



هندبال



تنیس روی میز  
(= پینگ پونگ)

## سایر ورزش‌ها



کشتی



تیراندازی



دوچرخه‌سواری



دو



پرش



اسکی



وزنه برداری



شنا



کوهنوردی



کاراته



مشت زنی  
(= بوکس)



بدن سازی



شمشیر بازی



قایقرانی



اسب سواری

## باز هم دربارهی ورزش

ورزشکار کسی است که معمولاً به طور مرتب ورزش می‌کند. ورزشکارانی که شغل و حرفه‌شان ورزش است، به ورزشکاران حرفه‌ای (#آماتور) معروفند.

در مسابقه‌های ورزشی چند داور حضور دارند و دربارهی بازی قضاوت می‌کنند.

ورزشگاه ساختمانی است که برای فعالیت‌های ورزشی ساخته شده است. معمولاً در دور تا دور ورزشگاه‌ها جاهایی برای نشستن تماشچی‌ها وجود دارد.

در ورزش‌های فردی هر بازیکن فقط یک حریف دارد، ولی در ورزش‌های گروهی در هر تیم چند بازیکن بازی می‌کنند.

در هر مسابقه، بازیکنان یک تیم می‌کوشند بازیکنان تیم حریف را شکست دهند.

در پایان مسابقه بازیکنان تیم برنده با بازیکنان تیم بازنده دست می‌دهند.

در بازی فوتبال، دروازه‌بان نقش مهمی دارد. او مراقب دروازه است.

## ورزشکاران



وزنه‌بردار



تیرانداز



شناگر



فوتبالیست



دونده



تنیس‌باز



دوچرخه‌سوار



اسکی‌باز



اسب‌سوار



کوهنورد



شمშیر‌باز



کشتی‌گیر

## تمرین ۱

افراد زیر را با یک خط به ورزش مربوط به آنها وصل کنید.



ب



ت



ج



خ

۱. دوچرخه‌سوار

۲. قایقران

۳. فوتبالیست

۴. اسکی‌باز

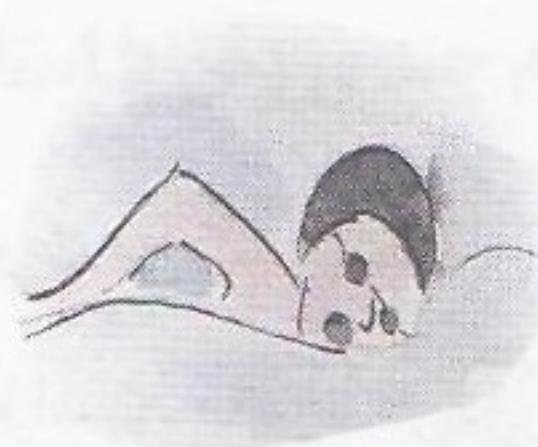
۵. اسب‌سوار

۶. شناگر

۷. شمشیرباز

۸. تیرانداز

۹. دونده



الف



پ



ث



ح



ج

## تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

حریف، دونده‌ها، بدنسازی، ورزشکار، دروازه، برنده، بازندۀ

۱. نادر ..... است. او از دوران نوجوانی تاکنون مرتب ورزش می‌کند.
۲. ..... همگی در مقابل خط شروع حرکت ایستاده بودند.
۳. دروازه‌بان مراقب ..... است.
۴. در ورزش‌های فردی هر بازیکن فقط یک ..... دارد.
۵. تیم ..... در حالی که پرچم کشورشان را در دست داشتند، دور میدان ورزشگاه چرخیدند.
۶. یکی از ورزش‌های مفید برای انسان است.
۷. تیم ..... با ناراحتی از زمین بیرون رفتند.

### تمرین ۳

هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



الف

۱. دروازه‌بان توپ را درون دروازه گرفت.
۲. جوان دونده با سرعت به خط پایان مسابقه نزدیک می‌شود.
۳. تماشچی‌ها برای تیم مورد علاقه‌شان دست می‌زنند.
۴. کوهنوردی یکی از ورزش‌های مفید و تفریحی است.



ت



پ

### تمرین ۴

در متن زیر، جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب پر کنید.

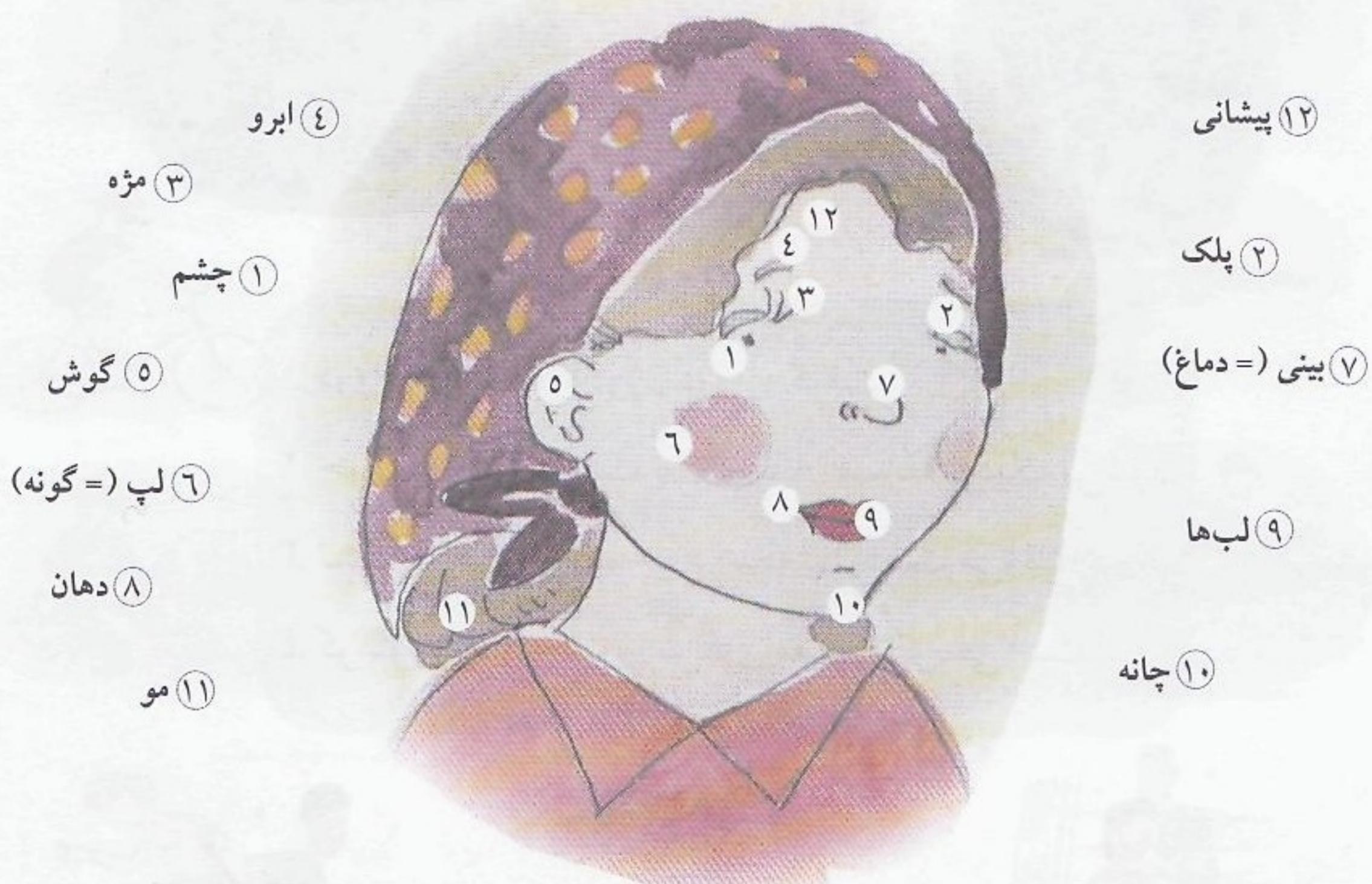
دروازه‌بان‌ها، ورزشگاه، مسابقه، بازیکن‌ها، تیم، داور، فوتبال، تماشچی‌ها

..... شروع نشده بود. سروصدا و همه‌می ..... فضای ..... هنوز .....  
را پر کرده بود. کم کم ..... وارد زمین مسابقه شدند. سه ..... مسابقه هم به  
زمین آمدند. تماشچی‌ها برای بازیکن‌ها ..... مورد علاقه‌ی خود دست می‌زدند. چند  
لحظه بعد ..... به طرف دروازه‌ی خود رفتند. داور وسط سوت شروع بازی را زد. به این ترتیب  
..... شروع شد.

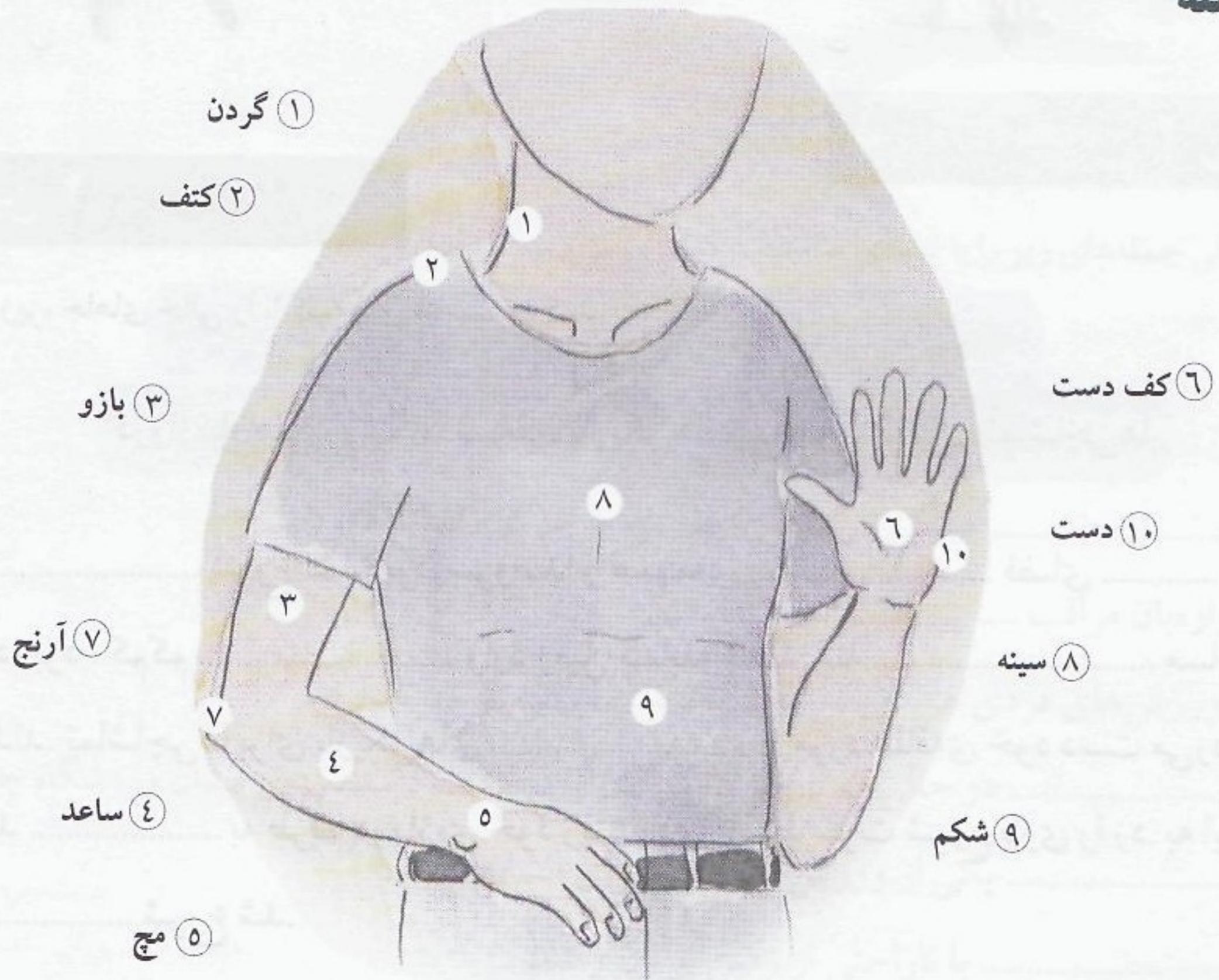
# بدن انسان

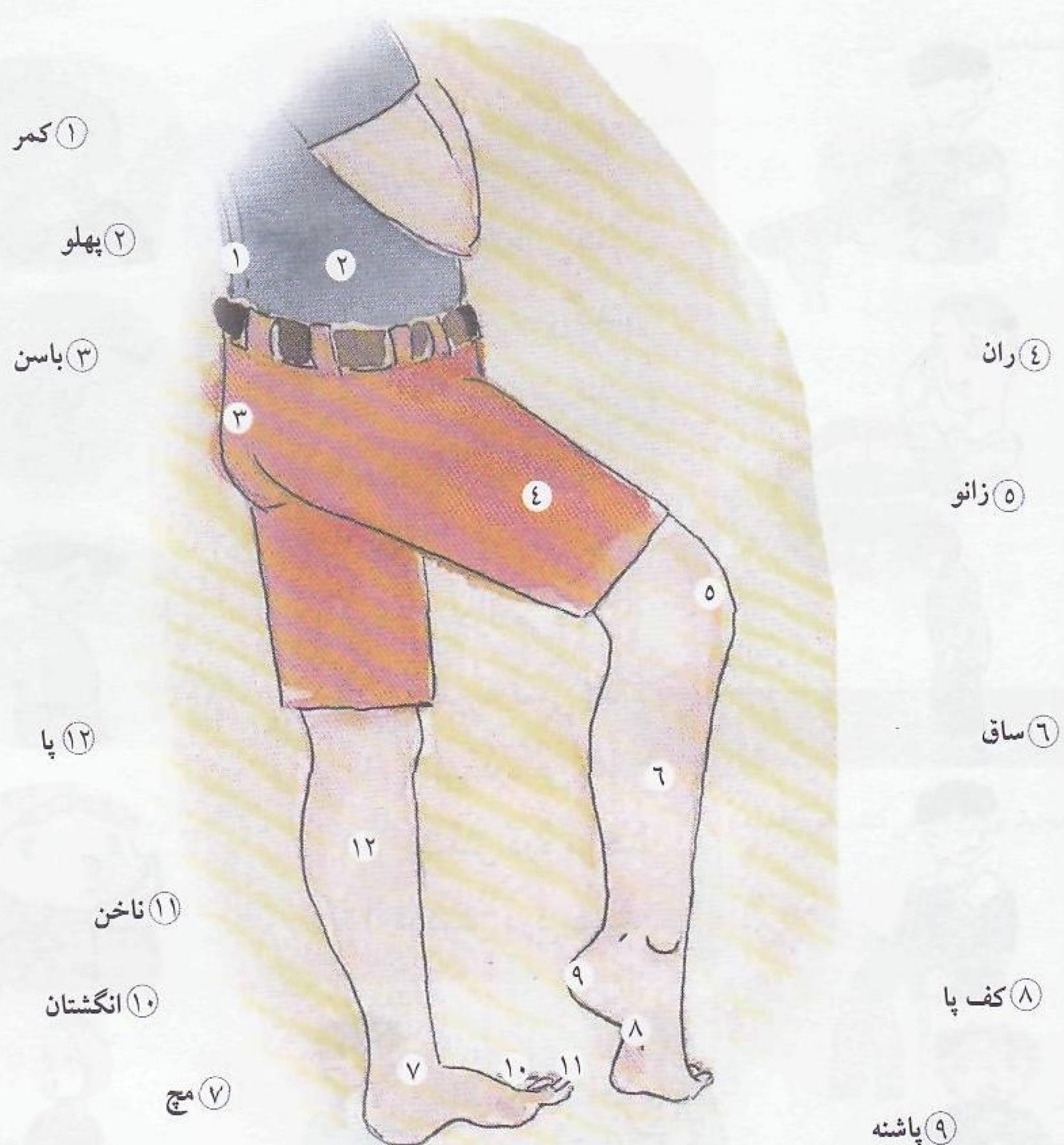
Human Body

## سر و صورت



## بالاتنه





## دو دوست

امیر و محسن با هم دوست هستند. امیر جوانی خوش‌هیکل و خوش‌اندام است ولی محسن چاق و بی‌قواره است. امیر قد بلند، باریک و لاغر است و اندامی استخوانی و چهارشانه دارد. برعکس، محسن قد کوتاه، تپل و شکم‌گنده است و اندامی گوشتالو و تنومند دارد. آن‌ها یک روز با هم به کوه رفتند. امیر راحت از کوه بالا می‌رفت و خوش و سرحال بود، ولی محسن به سختی از کوه بالا می‌رفت و خسته و بی‌حال شده بود. امیر گاهی مجبور می‌شد دست محسن را بگیرد و به او کمک کند.

## تمرین ۱

هر جمله را به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج



ح



ر

۱. کمرش درد می‌کند.
۲. سرش درد می‌کند.
۳. انگشتش درد می‌کند.
۴. آرنجش درد می‌کند.
۵. دندانش درد می‌کند.
۶. زانویش درد می‌کند.
۷. گردنش درد می‌کند.
۸. کتفش درد می‌کند.
۹. بازویش درد می‌کند.
۱۰. پایش درد می‌کند.
۱۱. چشمش درد می‌کند.
۱۲. شکمش درد می‌کند.



الف



ب



ث



ج



د



خ

## تمرین ۲

علی و احمد با هم دوست هستند. آن‌ها چه فرق‌هایی با هم دارند؟

احمد

علی



.....

.....

.....

.....

## تمرین ۳

به تصویر اعضای زیر نگاه کنید. نام هر عضو را زیر تصویر بنویسید. سپس به کمک تصاویر و کلمه‌های مربوط به آن جمله‌ها را کامل کنید.

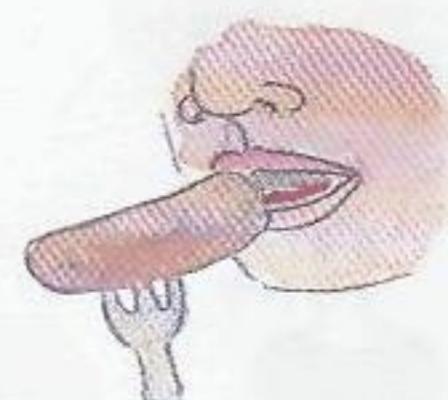


ب



ت

۱. با ..... می دویم.
۲. با ..... می نویسیم.
۳. با ..... می خوریم.
۴. با ..... می جوییم.



الف



پ

## تمرین ۴

مجید ورزش می کند. هر جمله را به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج



ح

۱. دست‌هایش را بالا می‌برد.



الف

۲. پاهایش را خم می‌کند.



پ

۳. سرشن را به چپ و راست برمی‌گرداند.



ث

۴. روی پنجه‌های پاهایش می‌ایستد.



ث

۵. به عقب خم می‌شود.



ج

۶. زانوهایش را تا سینه بالا می‌آورد.



ث

۷. از پهلو به چپ و راست خم می‌شود.



ث

۸. پاهارا از هم باز می‌کند.



ج

## حالات صورت و بینی



صورت کشیده



صورت گرد



صورت پهن



بینی پهن



بینی قلمی



بینی کوفته‌ای

## حالات چشم و ابرو

فرزانه چشم‌های درشت و مژه‌های بلند دارد.



مهران چشم‌های گود و ابروهای پیوسته دارد.



افسانه چشم‌های ریز و مژه‌های کوتاه دارد.



زهرا ابروهای قیطانی دارد.



مهری چشم‌های بادامی و ابروهای کمانی دارد.



موی مجعد



موی کوتاه



موی بلند



موی صاف



موی فر



رنگ پوست اتسوما و اشین زرد است. آنها زردپوست هستند.  
اتسوما در چین و اشین در ژاپن زندگی می‌کند.



رنگ پوست دیوید و ایرج سفید است. آنها سفیدپوست هستند.  
دیوید در انگلستان و ایرج در ایران زندگی می‌کند.



رنگ پوست مایکل و مجید سیاه است. آنها سیاهپوست هستند.  
مایکل در آمریکا و مجید در عربستان زندگی می‌کند.



رنگ پوست میونا و اوتانگو سرخ است. آنها سرخپوست هستند.  
میونا در کانادا و اوتانگو در آلاسکا زندگی می‌کند.

## تمرین ۱

به چهره‌های زیر با دقت نگاه کنید و ویژگی‌های مربوط به صورت و مو را به چهره‌های مربوط به آنها وصل کنید.



ب



الف

۱. پوست سفید، موهای کوتاه و مجعد

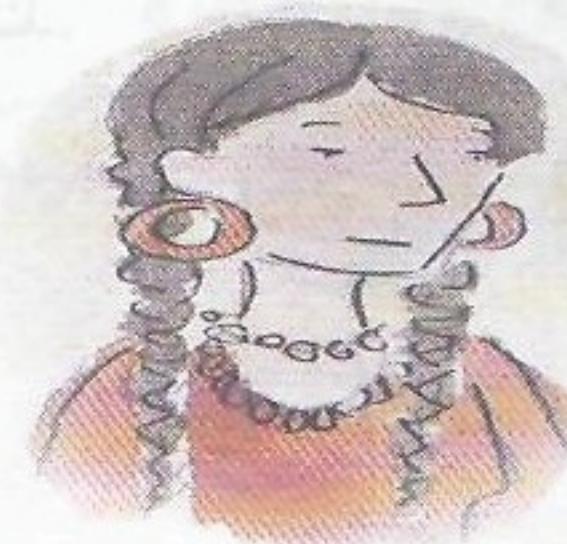
۲. پوست سرخ، موهای فر و بلند

۳. پوست زرد، موهای کوتاه و صاف

۴. پوست سیاه، موهای کوتاه و فر



ت



پ

## تمرین ۲

جاهای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب پر کنید.

مجعد، صاف، پخ، بادامی

۱. خواهرم موهای ..... و بلند دارد.

۲. بینی پدرم ..... است.

۳. موهای مادرم کوتاه و ..... است.

۴. چشم‌های برادرم درشت و ..... است.

### تمرین ۳

صفت‌های مناسب را به شکل مربوط به آن وصل کنید.



الف



ب



پ

۱. صورت کشیده و بینی پهن

۲. صورت پهن و بینی کوفته‌ای

۳. صورت گرد و بینی کشیده

### تمرین ۴

صفت‌های مناسب را به شکل مربوط به آن وصل کنید.

۱. چشم ریز و ابروی پیوسته



ب



الف

۲. چشم درشت و ابروی قیطانی



ت

۳. چشم گود و ابروی قیطانی



پ

۴. چشم بادامی و ابروی کمانی

## لباس‌های زنانه



۴ روسی

۵ پیراهن زنانه

۶ جوراب ساق بلند

۷ کفش پاشنه بلند

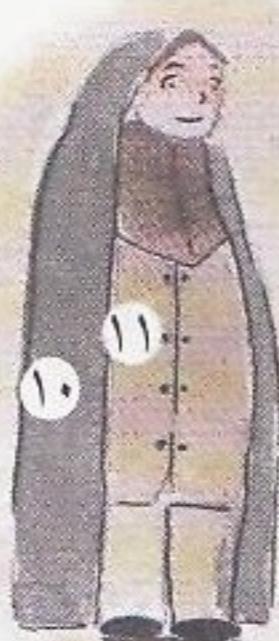
۱ مقتنه

۲ مانتو

۳ کفش پاشنه کوتاه

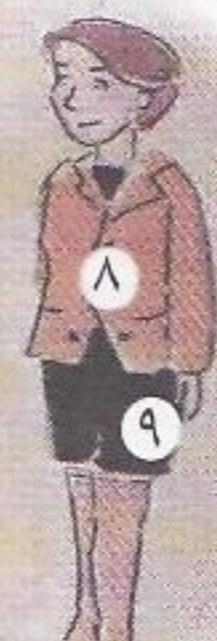
۸ کت

۹ دامن

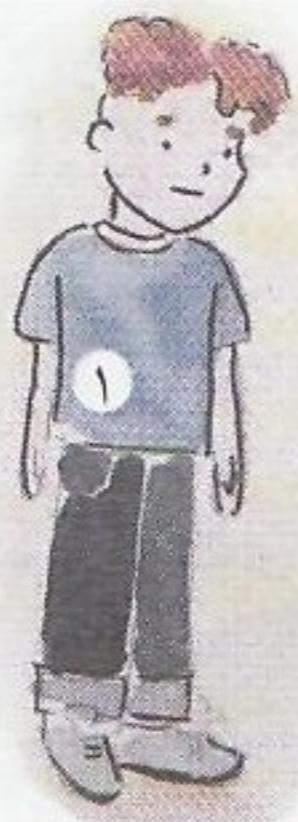


۱۰ چادر

۱۱ دکمه



۱ تی شرت

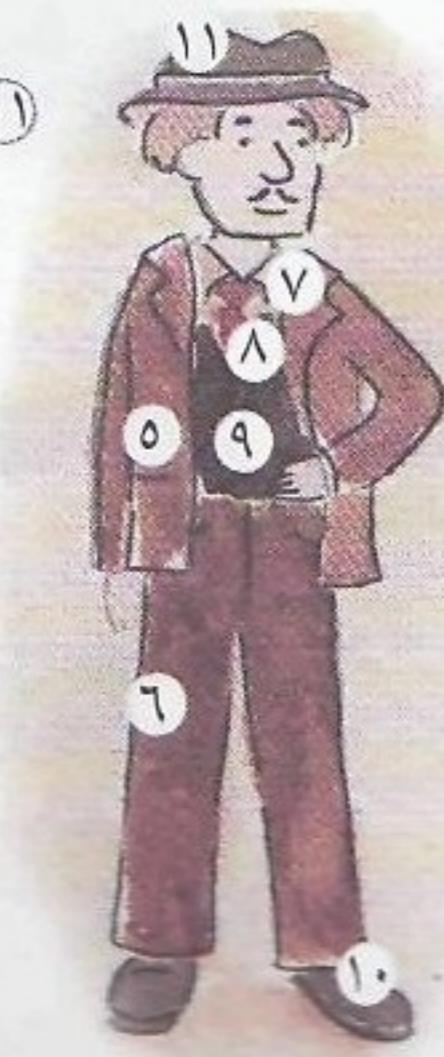


## لباس‌های مردانه

۱۱ کلاه

۵ کت

۶ شلوار



۷ پیراهن مردانه

۸ کراوات

۹ جلیقه

۱۰ کفش

۲ جیب

۳ شلوار جین

۴ کتانی



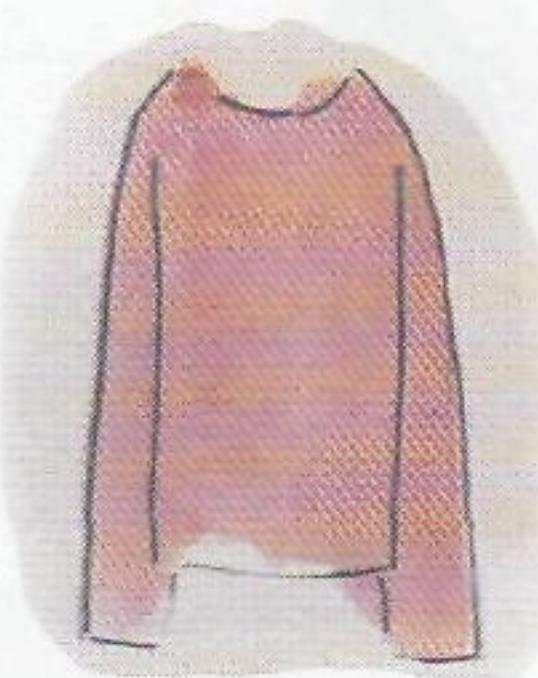
## لباس‌های زمستانی



بارانی



پالتو



بلوز



پوتین



اورکت



کاپشن



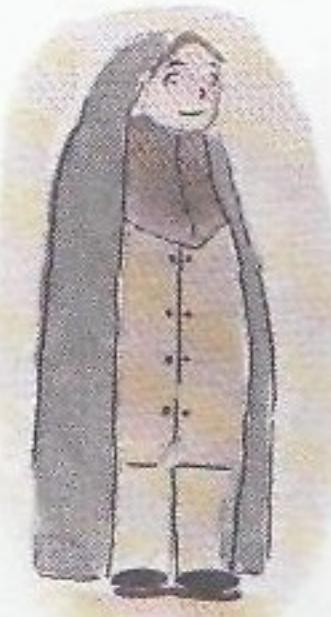
چکمه

## یک روز سرد

هوا سرد بود. پرویز می‌خواست از خانه بیرون برود. او جوراب پشمی کلفتی پایش کرد. روی پیراهنش ژاکت گرمی پوشید و روی آن هم اورکت پوشید. شال گردن گرمی هم به دور گردنش بست و دستکش پشمی سیاه رنگی دستش کرد. حالا با لباس‌های گرمی که پوشیده بود، خیالش راحت بود که سرما اذیتش نمی‌کند.

## تمرین ۱

با یک خط معلوم کنید هر کس چه لباسی می‌پوشد.



ب



الف

۱. علی می‌خواهد در سرمهای زمستان از خانه خارج شود.
۲. بهرام ۱۸ ساله در عصر تابستان از خانه بیرون می‌آید.
۳. مریم می‌خواهد به سر کارش برود.
۴. پدربزرگ می‌خواهد به یک مهمانی برود.



ت



پ

## تمرین ۲

هر کدام از پوشاک‌ها را به تصویر مربوط به آنها وصل کنید.

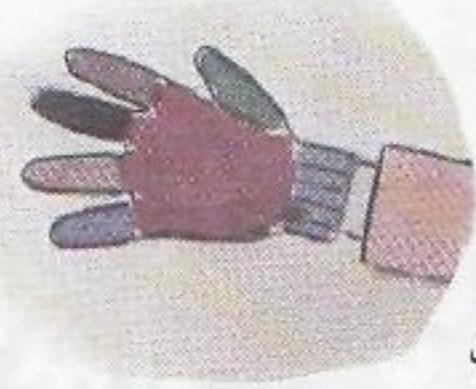
۱. کمربند

۲. کفش

۳. دستکش

۴. کلاه

۵. شال‌گرد



ب



الف



ت



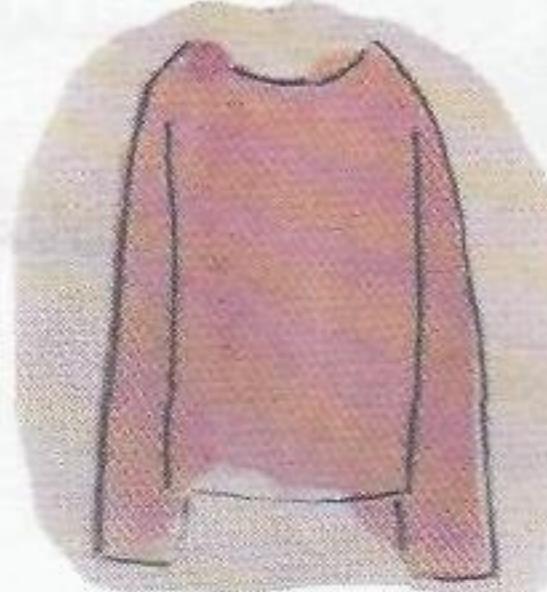
ث



پ

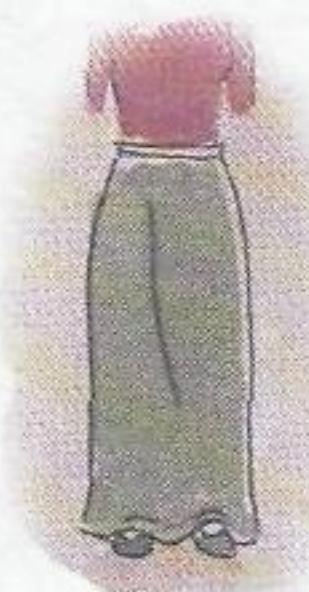
## تمرین ۳

به کمک تصویر صفت هر یک از لباس‌های زیر را تعیین کنید.



- الف. نارنجی
- ب. بلند
- پ. راهراه
- ت. جین
- ث. کلاهدار
- ج. ساق بلند
- چ. سبز
- ح. سفید

- ۱. کاپشن
- ۲. دامن
- ۳. شلوار
- ۴. تی شرت
- ۵. بارانی
- ۶. پیراهن
- ۷. بلوز
- ۸. جوراب



## تمرین ۴

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱. کدام یک از پوشак را بر سرتان می‌گذارد؟.....
۲. کدام یک از پوشاك را دور گردنتان می‌بندید؟.....
۳. کدام یک از پوشاك را پايتان می‌کنید؟.....
۴. کدام یک از پوشاك را به کمرتان می‌بندید؟.....

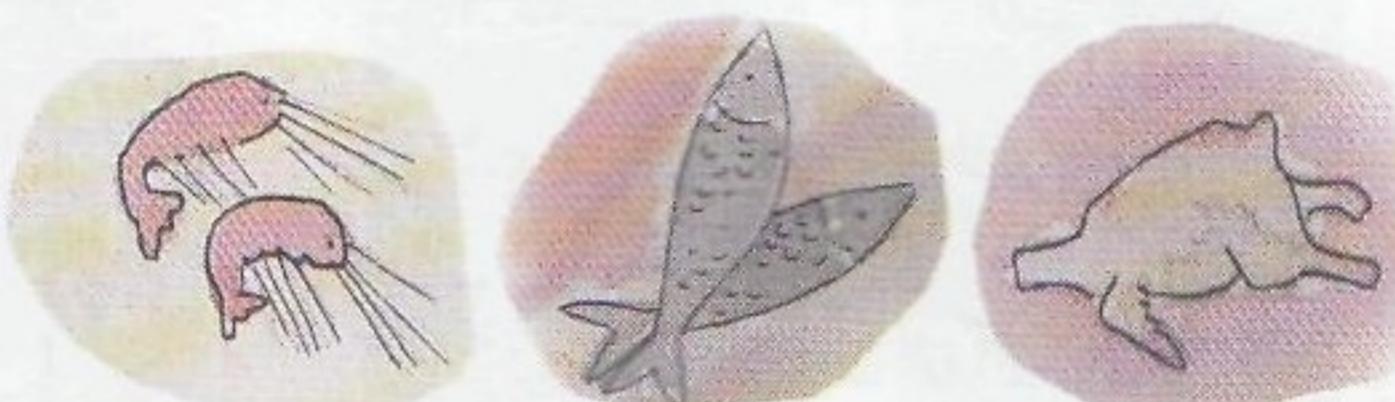
# غذا

## مواد غذایی اصلی

گوشت‌های قرمز:



گوساله یا گاو  
گوسفند



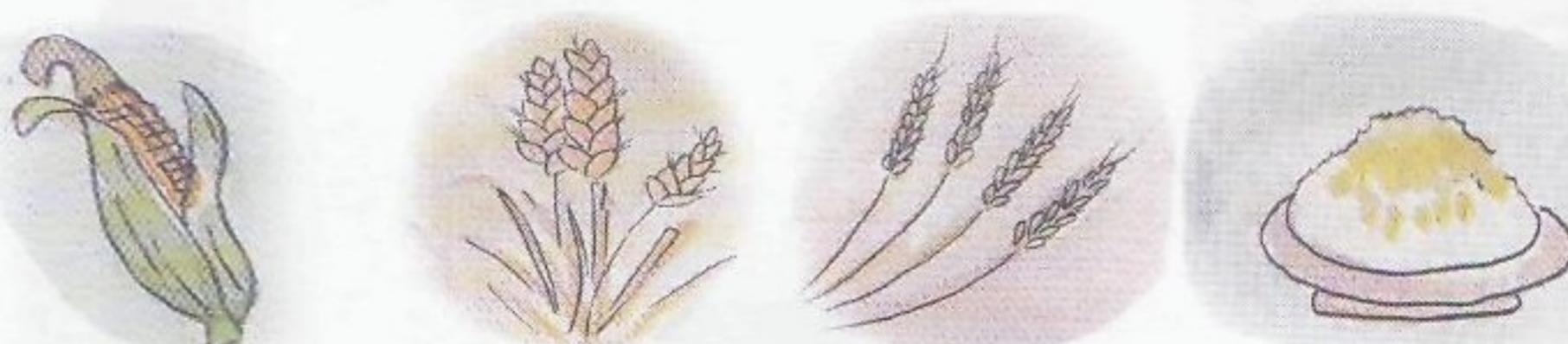
میگو  
ماهی  
مرغ

گوشت‌های سفید:



خامه  
پنیر  
کره

لبنیات:



ذرت  
جو  
گندم  
برنج

غلات:



لپه  
نخود  
عدس  
لوبیا

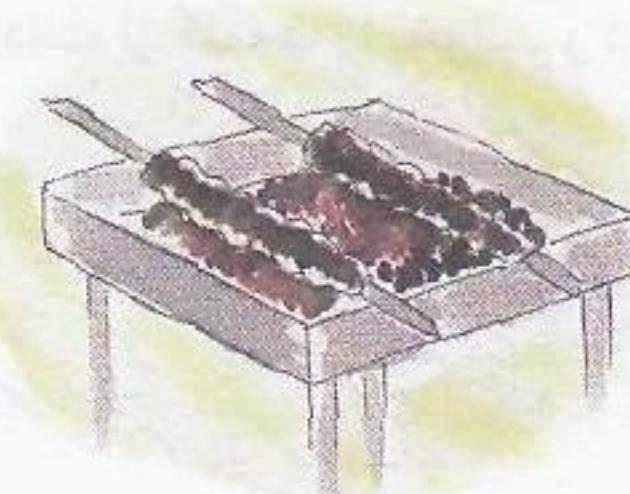
حبوبات:



باگت  
لواش  
تافتون  
بربری  
سنگی

نان:

## راههای طبخ



کباب کردن  
(= بریان کردن)



بخارپزکردن



سرخ کردن  
(= تفت دادن)



آب پزکردن

## ذائقه‌ی آدمها

آدمها ذائقه‌های مختلفی دارند. بعضی‌ها غذاهای چرب و پراز روغن را دوست دارند. این نوع غذاها دیر هضم می‌شوند؛ در ضمن موجب چاقی و افزایش وزن می‌شوند. بعضی‌ها هم غذاهای پخته، آب پز و بخارپز را می‌پسندند. این غذاها ساده‌اند و زود هضم می‌شوند. اما بعضی از مردم طرفدار غذاهای شیرین‌اند. از نظر آن‌ها این غذاها خوشمزه و لذیذند. ذائقه‌ی بعضی‌ها هم با غذاهای ترش و سور سازگار است.

## آشپزی من و برادرم

جمعه‌ی گذشته من و برادرم تصمیم گرفتیم مسئول آماده کردن صبحانه، ناهار، عصرانه و شام باشیم. برای صبحانه، شیر، تخم مرغ آب پز، نان، پنیر، کره، مربا و عسل آماده کردیم. برای ناهار تصمیم گرفتیم پلو و خورش بادمجان درست کنیم. ابتدا چند بادمجان پوست کنیدم و آن‌ها را سرخ کردیم، بعد مقداری گوشت خرد کردیم (= ریز کردیم) و پختیم. نزدیک ظهر بود که برنج پختیم. ساعتی بعد، به آشپزخانه رفتیم تا غذا را بکشیم، اما دود همه جا را پر کرده بود. غذاها سوخته بودند، چون فراموش کرده بودیم شعله‌ی زیرقابل‌مehا را کم کنیم. آن روز ناهار نیمرو خوردیم. خوشبختانه عصر مادر بزرگم تلفن کرد و ما را به خانه‌اش دعوت کرد.

## تمرین ۱

هر دسته از کلمه‌ها را بخوانید و دور کلمه‌ی متفاوت با بقیه خط بکشید.

۱. گوشت / لپه / نخود / لوبیا
۲. گندم / جو / نخود / برنج
۳. مرغ / گاو / میگو / ماهی
۴. جوجه / گوسفند / گاو / گوساله
۵. میگو / عدس / لپه / لوبیا

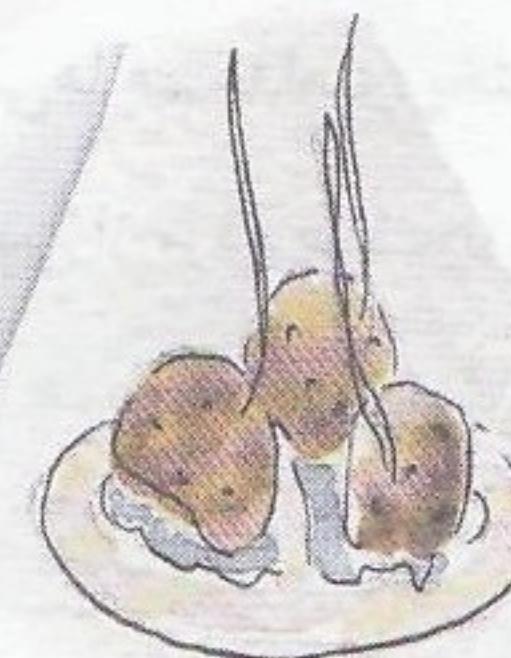
## تمرین ۲

هر عبارت را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. مرغ سرخ شده



۲. گوشت کباب شده



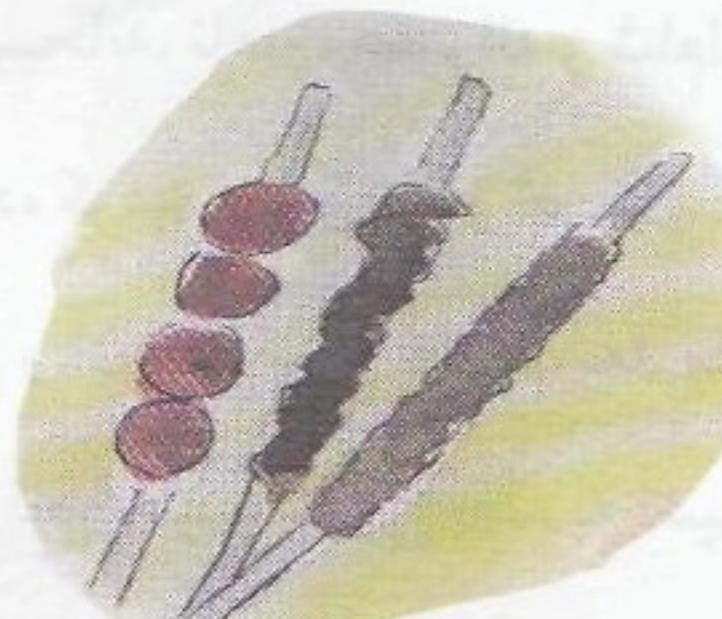
الف

۳. سیبزمینی آب پز



ب

۴. سیبزمینی سرخ شده



ب

### تمرین ۳

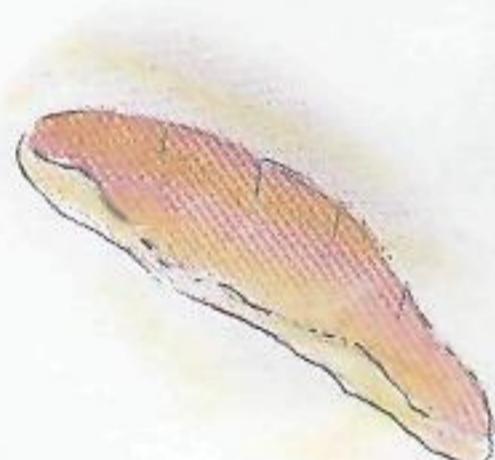
جاهای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

چاقی، چرب، پخته، روغن، نمک

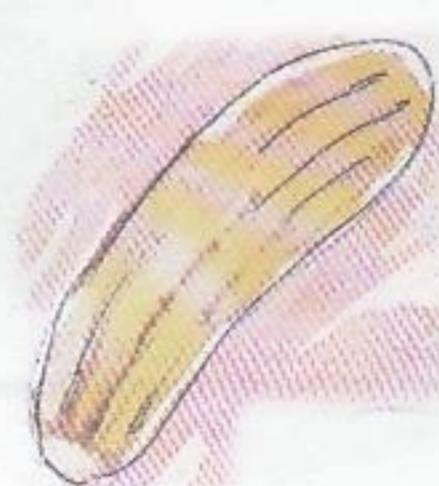
۱. غذای شور پر از ..... است.
۲. غذای چرب پر از ..... است.
۳. غذاهای ..... و آب پز زود هضم می‌شوند.
۴. غذاهای سرخ شده موجب ..... و افزایش وزن می‌شوند.
۵. غذاهای ..... دیر هضم می‌شوند.

### تمرین ۴

جدول: با توجه به شکل نان‌ها و حرف اول آن‌ها در جدول، اسم مربوط به آن‌ها را در جدول بنویسید.



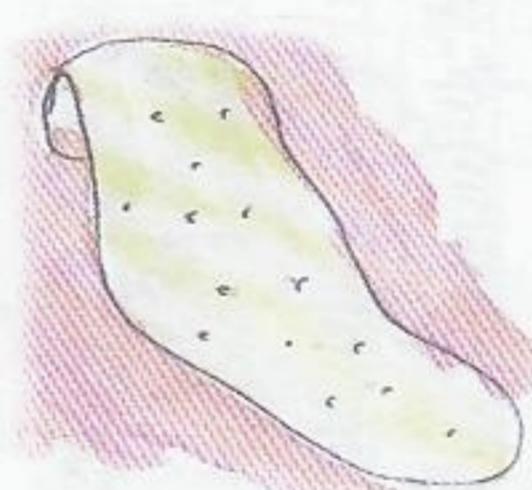
ت



پ



ب



الف

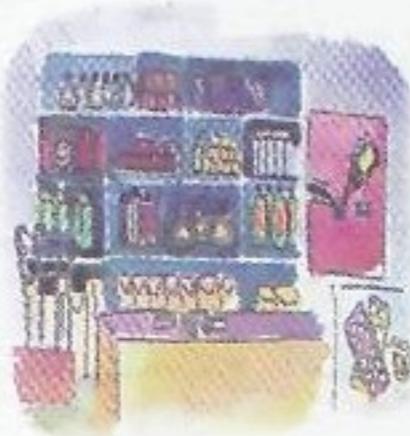
ت			ل

# بیماری‌ها

## بیمار، پزشک، دارو



دارو



داروخانه



چشم‌پزشک



دندان‌پزشک



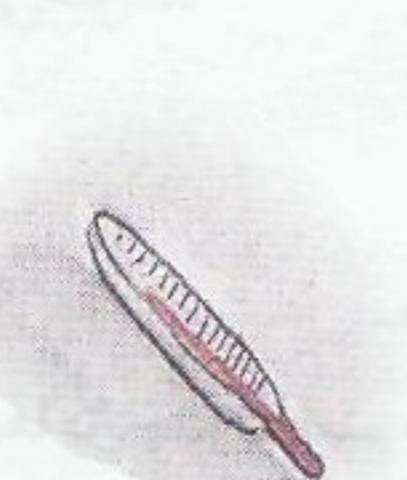
درمانگاه



بیمارستان



بیمار



درجه



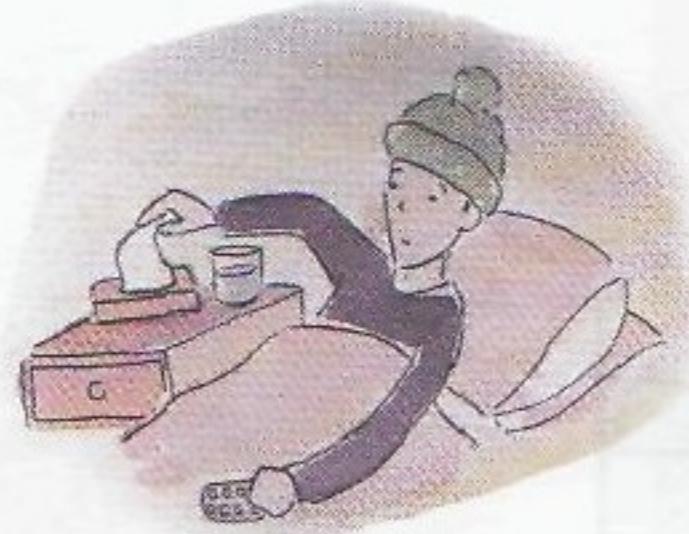
پرستار



پزشک



آمبولانس



## بیماری‌های متداول

سیامک سرماخورده است.

او عطسه و سرفه می‌کند.

گلویش هم درد می‌کند.

از چشم‌ها و بینی او آب می‌آید.

او آبریزش دارد.

پویان غذای مانده (= فاسد) خورده است.

او حالت تهوع (= استفراغ) و اسهال دارد. دلش هم درد می‌کند.

پویان مسموم شده است.



مهرانه آنفلوآنزا گرفته است.

او عطسه و سرفه می کند.

او تب دارد و گلویش هم درد می کند.

مهرانه بدن درد هم دارد.

پرستو در خیابان است.

خیابان شلوغ و پرسرو صداست.

پرستو سر درد دارد.

او باید زودتر به خانه برود و استراحت کند.

سیمین حساسیت (=آلرژی) دارد.

او به گرد و خاک و گردهی گلها حساسیت دارد.

امیر در مطب دندانپزشکی است.

او منتظر نشسته است.

هفته‌ی گذشته، دندانپزشک یکی از دندانهایش را پر کرده است.

این هفته دندانپزشک باید دندان دیگرش را بکشد.

## تصادف در خیابان

هفته‌ی گذشته، فرشید سر چهارراه با یک اتومبیل تصادف کرد. سر و صورت او به شدت زخمی شد. از زخم‌های او خون می آمد. چند نفر او را با سرعت به بیمارستان برداشتند. پزشک او را معاینه کرد و زخم‌های او را باندپیچی (=پانسمان) کرد. پزشک از فرشید خواست که چند روز در خانه بماند و استراحت کند.

## نسخه‌ی پزشک

وقتی شما بیمار می شوید، نزد پزشک می روید. پزشک شما را معاینه می کند و نسخه‌ای برایتان تجویز می کند. ممکن است او به شما چند آمپول بدهد تا تزریق کنید، چند قرص یا کپسول بدهد تا میل کنید. یک پماد بدهد که روی پوستتان بمالید. یک قطره بدهد که در چشم یا بینی تان بچکانید. یک شربت بدهد که روزی چند قاشق بخوردید.

## تمرین ۱

هر تصویر را با یک خط به جمله‌ی مربوط به آن وصل کنید.



ب

۱. فرزانه آبریزش بینی دارد.
۲. دل مریم درد می‌کند.
۳. کمر فرزاد درد می‌کند.
۴. دندان سارا درد می‌کند.
۵. احمد عطسه می‌کند.
۶. سر مجید درد می‌کند.
۷. زانوی امین درد می‌کند.
۸. فرزاد سرفه می‌کند.
۹. گلوی نرگس درد می‌کند.
۱۰. چشم مجید درد می‌کند.



ت



ج



ح



د



خ



الف



پ



ث



ج

## تمرین ۲

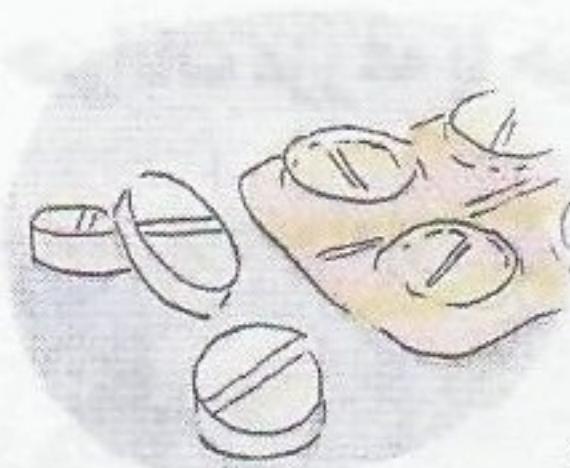
فعل مناسب هر جمله را در جای خالی بنویسید.

معاینه کرد، تزریق می‌کند، باندپیچی می‌کند، خون آمد، تجویز کند، می‌مالد

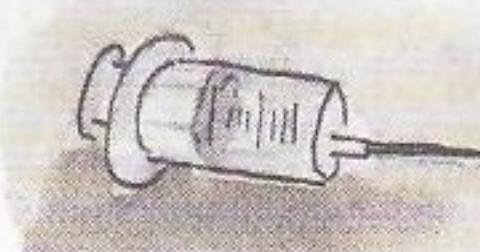
۱. پرستار دست و پای مرد زخمی را .....
۲. پس از آن که پزشک بیمار را ..... برای او دارو نوشت.
۳. فقط پزشک می‌تواند برای بیمار دارو .....
۴. سه راب یک روز در میان یک آمپول .....
۵. اسفندیار به کمرش پماد ..... تا دردش آرام شود.
۶. پسر بچه زمین خورد و از بینی اش .....

## تمرین ۳

هر تصویر را با یک خط به کلمه مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت

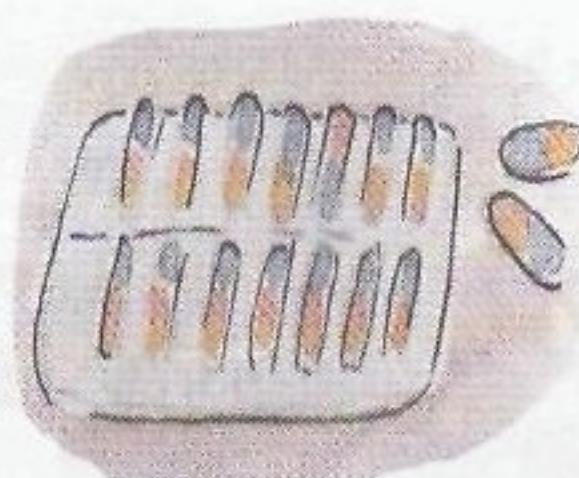


ج



ح

۱. شربت
۲. آمبولانس
۳. دارو
۴. قرص
۵. کپسول
۶. آمپول
۷. زخمی
۸. داروخانه



الف



پ



ث



ج

## تمرین ۴

نرگس، سیما، سیاوش و پدرام بیمارند. علائم و نشانه‌های بیماری هر کدام از آن‌ها در زیر آمده است. نام بیماری آن‌ها را در جای خالی بنویسید.

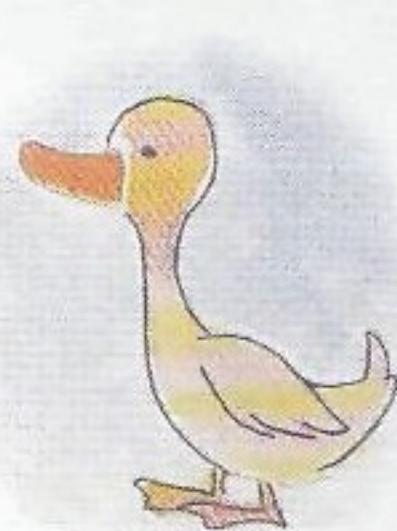
**مسوم شده است، سرماخوره است، آنفلوآنزا گرفته است، حساسیت دارد**

۱. سیما مرتب عطسه می‌کند. چشم‌های او سرخ شده است و آبریزش دارد. سیما.....
۲. پدرام عطسه و سرفه می‌کند. او تب دارد و بدنش درد می‌کند. پدرام.....
۳. نرگس حالت تهوع و استفراغ دارد. دلش درد می‌کند. نرگس.....
۴. سیاوش عطسه و سرفه می‌کند. کمی گلویش درد می‌کند و آبریزش دارد. سیاوش.....

# جانوران

## حیوانات مزرعه یا حیوانات اهلی

حیوانات مزرعه اهلی، بی آزار و مفید هستند.



اردک



خرس



مرغ



الاغ



اسب



خوک



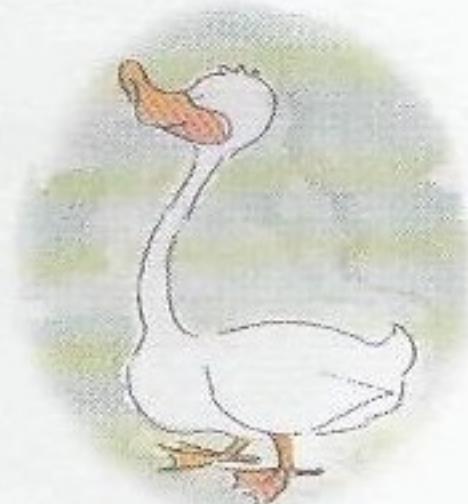
بز



خرگوش



بوقلمون



غاز



گاو



گوسفند

## فایده‌ی بعضی از حیوانات اهلی

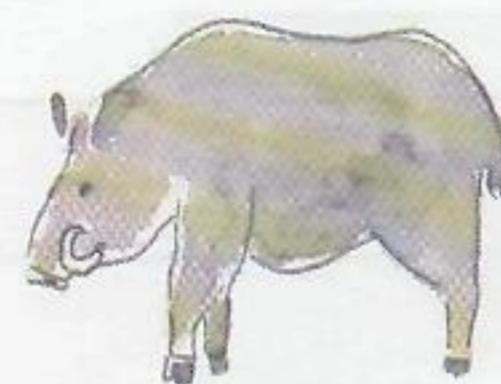
بچه	محصول	حیوان
کرّه	_____	اسب
کرّه	_____	الاغ
گوساله	شیر، چرم، گوشت	گاو
برّه	شیر، پشم، گوشت	گوسفند
جوچه	پر، گوشت	مرغ
بزغاله	شیر، پوست، گوشت	بز

## حیوانات وحشی

حیوانات وحشی در دشت، جنگل و کویر زندگی می‌کنند. البته، این حیوانات را می‌توان در باغ وحش هم نگهداری کرد.



گورخر



گراز



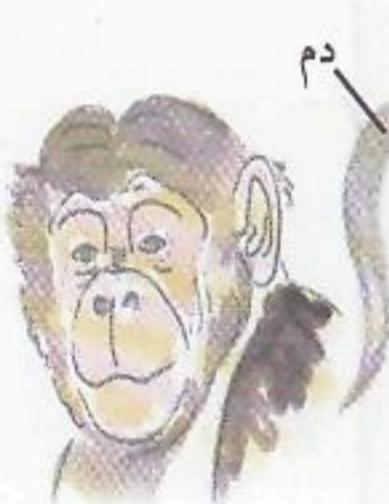
کفتار



روباه



گرگ



میمون



خرس



پلنگ



شیر



بیر



زرافه

## حیوانات دیگر در اطراف ما



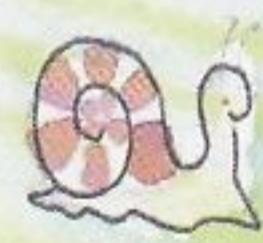
موس



عنکبوت



کرم خاکی



حلزون



گربه



کبوتر



گنجشک



کلاغ

## تمرین ۱

حیوانات زیر را در سه دسته‌ی حیوانات مزرعه، حیوانات وحشی و پرندگان دسته‌بندی کنید.

زرافه، مرغ، کلاح، گراز، پلنگ، گاو، گنجشک، اسب، کفتار، کبوتر، بز، ببر، الاغ

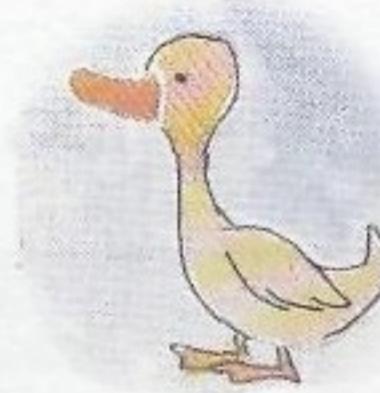
پرندگان	حیوانات وحشی	حیوانات مزرعه
.....	.....	.....
.....	.....	.....
.....	.....	.....
.....	.....	.....
.....	.....	.....
.....	.....	.....

## تمرین ۲

جمله‌های زیر را به کمک تصویر مقابلشان کامل کنید.



۱. .... در آسمان پرواز می‌کند.



۲. .... خیلی سریع می‌دود.



۳. .... در آب شنا می‌کند.



۴. .... به سرعت می‌تازد.



۵. .... روی زمین می‌خزد.

### تمرین ۳

کدام یک از حیوانات زیر گوشت خوار و کدام یک گیاه خوارند.

گورخر، بز، خرگوش، کفتار، شیر، سگ، گاو، روباء

گیاه خوار	گوشت خوار
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....

### تمرین ۴

کدام یک از حیوانات زیر برای انسان مفیدند و چه محصولاتی دارند؟

مرغ، زرافه، گوسفند، خرگوش، کفتار، روباء، گوساله، بو قلمون، گاو، شیر، پلنگ، غاز، ببر

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

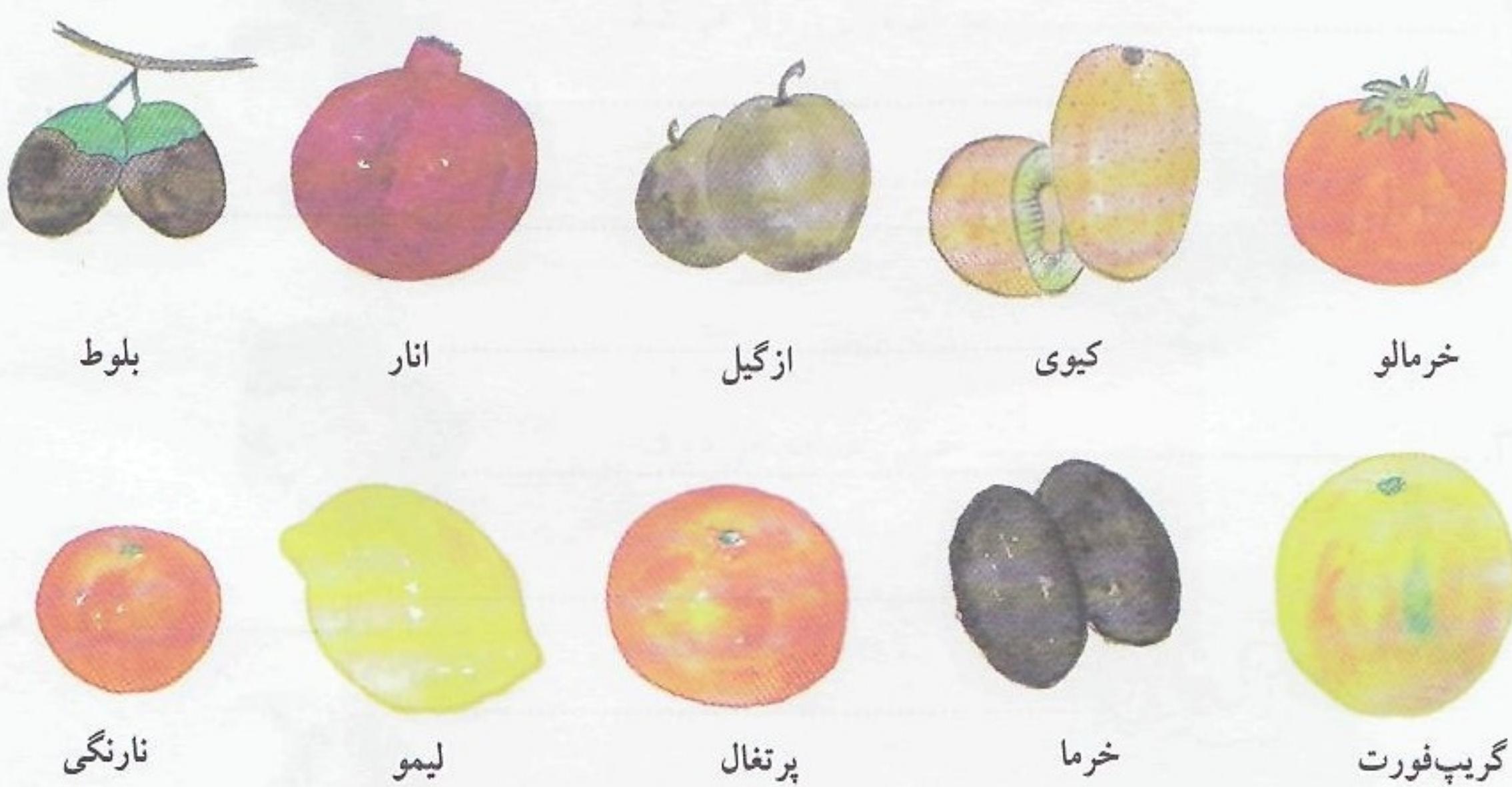
.....

# میوه‌ها و سبزیجات

## میوه‌های بهار و تابستان



## میوه‌های پاییز و زمستان



● موز و سیب و خیار میوه‌های چهار فصل هستند. در ایران، این میوه‌ها در هر فصل از سال وجود دارند.



خیار



سیب



موز

## سبزیجات



قارچ



فلفل سبز



فلفل دلمه‌ای



گل کلم



کلم پیچ



ریواس



کنگر



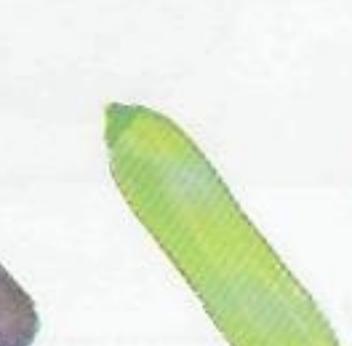
لوبیا سبز



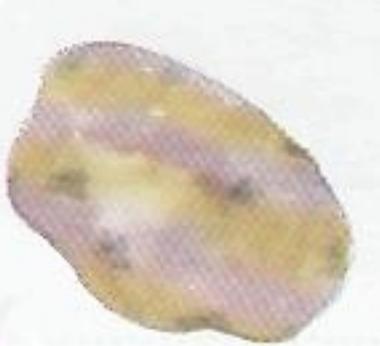
کدو حلوایی



بادمجان



کدو



سیب زمینی



پیاز



هویج



بامیه



گوجه فرنگی



تره فرنگی



سیر



شلغم



چغندر



نخود فرنگی

## سبزیجات در غذاهای ایرانی

ایرانی‌ها برای درست کردن انواع خورش، کوکو و پلو از سبزی‌های مختلفی استفاده می‌کنند. اغلب این سبزی‌ها معطر و خوشبو هستند و طعم خوبی به غذاها اضافه می‌کنند. جعفری، تره، شنبیله، گشنیز و شوید سبزی‌های اصلی برای درست کردن غذاهای ایرانی است. ایرانی‌ها برخی از انواع سبزی را همراه و غذا به صورت خام (= نپخته) مصرف می‌کنند. به این نوع سبزی، سبزی خوردن می‌گوییم. سفره‌ی ایرانی با سبزی خوردن زیباتر می‌شود. سبزی خوردن شامل تره، ریحان، شاهی، تربچه، پیازچه، ترخون، مرزه و نعناع است.

## تمرین ۱

نام میوه‌های زیر را بنویسید.

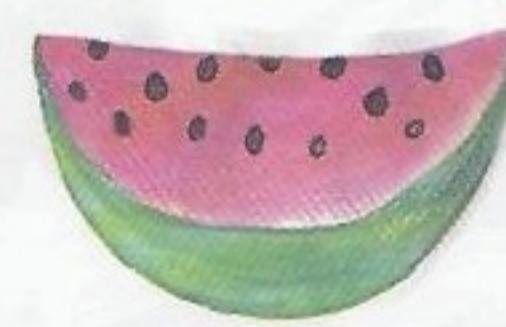
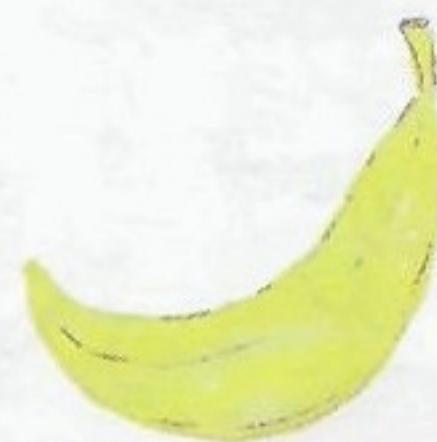


۴

۳

۲

۱



۸

۷

۶

۵

## تمرین ۲

میوه‌های زیر را بر اساس فصل مربوط به آنها مرتب کنید.

طالبی، پرتقال، توت، ازگیل، بلوط، گوجه‌سبز، گریپ‌فروت، کیوی، خرمالو، انگور، انار  
لیمو، گیلاس، هندوانه، توت‌فرنگی، خرما، نارنگی، خربزه

زمستان	پاییز	تابستان	بهار
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....

### تمرین ۳

محصولات زیر را در دو ستون میوه‌ها و سبزیجات مرتب کنید.

پیاز، طالبی، چغندر، سیب‌زمینی، توت، لوبیا سبز، لیمو، گوجه‌سبز، نخود فرنگی، هلو، گلابی

سبزیجات	میوه
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....

### تمرین ۴

در هر دسته کلمه‌ای وجود دارد که با بقیه‌ی کلمه‌ها متفاوت است. دور آن خط بکشید.

۱. انگور / هلو / نارنگی / کلم پیچ

۲. تره‌فرنگی / گلابی / چغندر / قارچ

۳. فلفل دلمه‌ای / پرتقال / توت / انجیر

۴. گوجه‌فرنگی / کدو حلوا ای / از گیل / نخود فرنگی

۵. سیب / موز / خرمalo / لوبیا سبز

# گل‌ها و درختان

گل‌ها و درختان  
گل‌ها و درختان

## أنواع گل



میخک



زنبق



سنبل



لاله



رزا



مروارید



داوودی



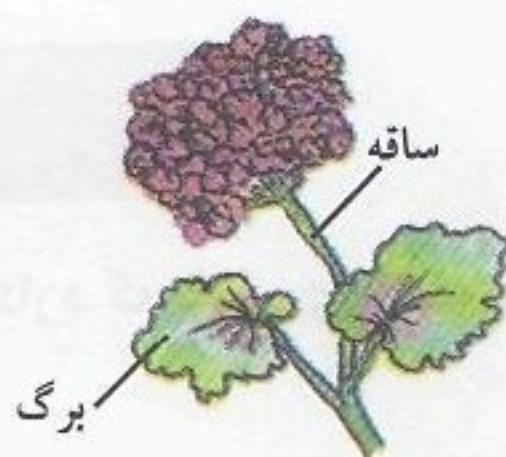
نرگس



مینا



بنفسه



شمعدانی



نسرين

## باغ گل پدربزرگ

پدربزرگ من باغبان است. او باغ گل زیبا و بزرگی در خارج از شهر دارد. پدربزرگ در باغش گل‌های گوناگون و رنگارنگی پرورش می‌دهد (= می‌کارد و بزرگ می‌کند). اغلب اوقات، گل‌فروش‌ها برای خرید گل به باغ او می‌آیند. دیوارهای باغ از یاس سفید و بنفش پوشیده شده است. من هر وقت به این باغ می‌آیم، در میان گل‌ها گردش می‌کنم و از دیدن آن‌ها لذت می‌برم. همیشه موقع خداحافظی، پدربزرگ چند نوع گل و غنچه می‌چیند و دسته‌گل قشنگی درست می‌کند و به من می‌دهد. من تا چند روز گل‌ها را در آب می‌گذارم تا تازه باقی بماند. همین که گل‌ها می‌خواهند پژمرده شوند، آن‌ها را خشک می‌کنم و در ظرف شیشه‌ای از آن‌ها نگهداری می‌کنم.

## انواع درخت و بخش‌های مختلف آن



naroun



نخل



سرو



کاج



شاخه



تنه



زنار



بید



ریشه



شکوفه

## درخت‌کاری

ایرانیان دوره‌ی باستان به درخت و درخت‌کاری (= کاشتن درخت) اهمیت فراوانی می‌دادند. آن‌ها معتقد بودند که درخت مثل انسان موجودی زنده است و حق زندگی دارد. زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد: ای آفریننده‌ی جهان، چه کسی زمین را بیشتر از همه خوشحال می‌کند؟ و اهورامزدا پاسخ می‌دهد: کسی که بیشترین مقدار علوفه سبز نماید و بیشترین مقدار درخت بکارد و زمین را سیراب کند. هنوز ایرانی‌ها سخن گذشتگان خود را فراموش نکرده‌اند. آن‌ها روز پانزده اسفند هر سال جشن می‌گیرند و نهال درختی در زمین می‌کارند و به آن آب می‌دهند.

## تمرین ۱

نام هر گل را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج

۱. شمعدانی

۲. مروارید

۳. مینا

۴. رز

۵. سنبل

۶. نرگس



الف



پ



ث

## تمرین ۲

در هر دسته دور کلمه‌ی متفاوت با بقیه‌ی کلمه‌ها خط بسته بکشید.

۱. سنبل / چنار / شمعدانی / یاس

۲. کاج / میخک / بنفسه / داوودی

۳. نارون / میخک / سرو / نخل

۴. لاله / زنبق / مینا / نارون

۵. سرو / شمعدانی / نارون / چنار

۶. ریشه / تنه / شاخه / بید

۷. ساقه / مروارید / غنچه / شکوفه

### تمرین ۳

نام هر درخت را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت

- ۱. چنار
- ۲. نارون
- ۳. بید
- ۴. نخل
- ۵. سرو



الف



ب



ث

### تمرین ۴

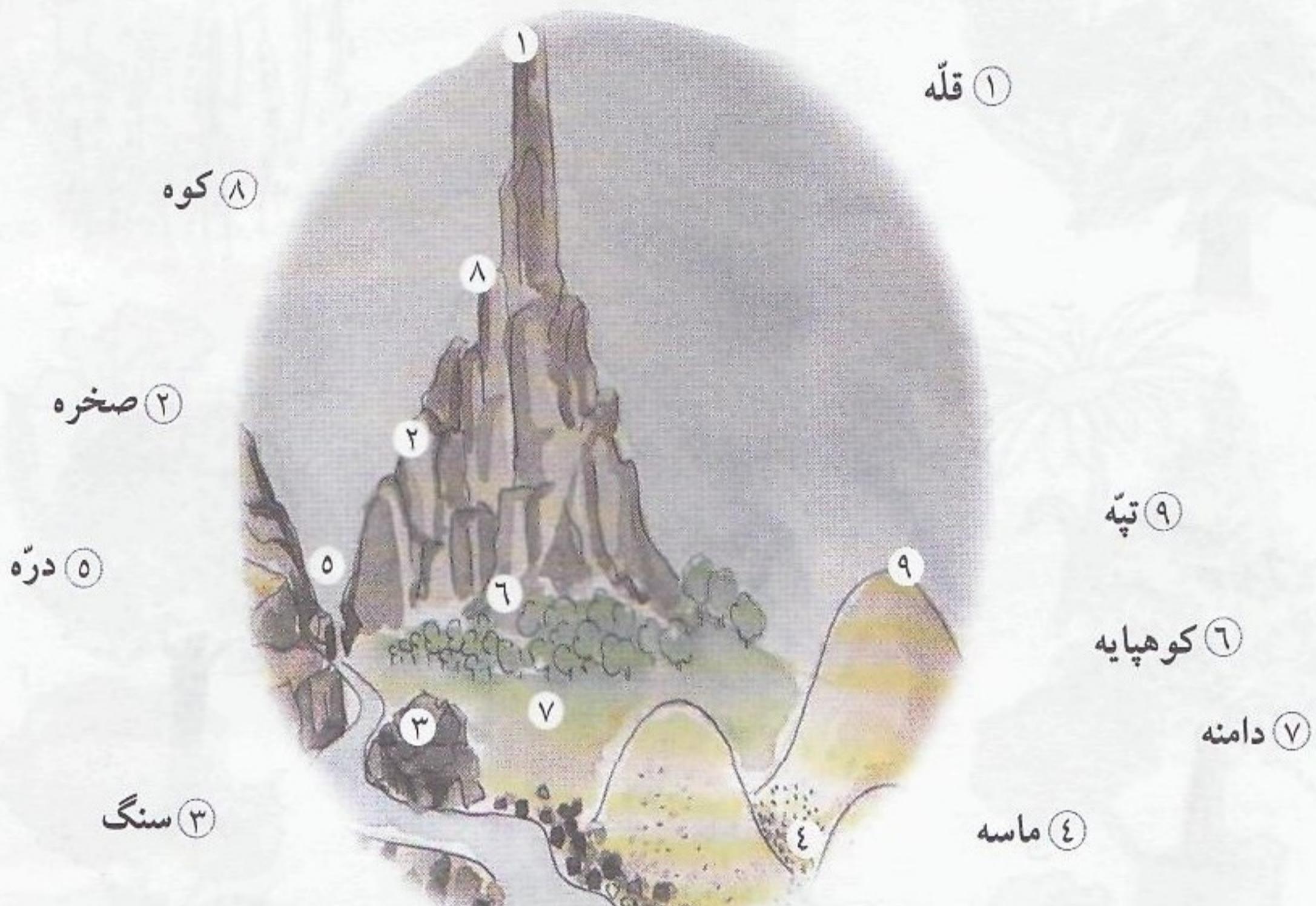
برای هر یک از جمله‌های زیر فعل مناسب انتخاب کنید و بنویسید.

پرورش می‌دهد، می‌کارند، درست می‌کند، پژمرده شوند، سبز می‌شود

۱. باغبان در باغ گل و گیاه.....
۲. پدر بزرگ دسته گل قشنگ و زیبایی .....
۳. ایرانی‌ها در روز پانزده اسفند هر سال نهال درخت .....
۴. پیش از این که گل‌ها ..... آنها را خشک می‌کنم.
۵. در فصل بهار، دوباره برگ درختان .....

# پدیدهای طبیعی (۱)

## بلندی‌های روی زمین



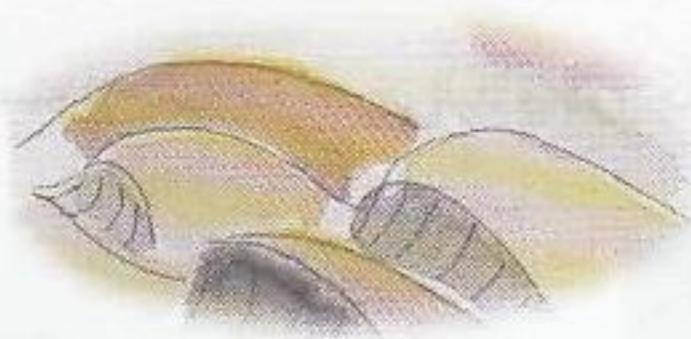
## کوه‌های بلند ایران

کوهستان‌های مهم ایران در شمال، غرب و جنوب غربی این کشور واقع‌اند. رنگ قهوه‌ای روی نقشه جاهای کوهستانی (= دارای کوهستان) را نشان می‌دهد. کوه‌های شمال و غرب ایران مانند زنجیر به هم متصلند. به این کوه‌ها رشته کوه می‌گوییم. رشته کوه شمال ایران البرز نام دارد. البرز قله‌های مختلفی دارد که بلندترین آن دماوند است. در مغرب و جنوب غربی ایران چند رشته کوه وجود دارد. این رشته کوه‌ها از هم فاصله دارند و به آن‌ها زاگرس می‌گوییم. زردکوه و دنا از بلندترین رشته کوه‌های زاگرس هستند.

## خشکی‌های روی زمین

۲۹٪ سطح زمین از خشکی‌ها پوشیده شده و بقیه‌ی آن را آب فرا گرفته است. خشکی‌ها از نظر ویژگی جغرافیایی با هم متفاوتند.

بیابان (=کویر) زمین خشک و بی‌آبی است که از شن (=سنگریزه) و ماسه پوشیده شده و غیر قابل زندگی برای انسان و اغلب حیوانات است.



دشت (=صحراء) زمین صاف و همواری است که درختان بسیار پراکنده و کمی دارد. دشت زمین مناسبی برای کشاورزی است.



بیشه جنگل کوچکی است که در آن بیشتر درختچه (=درخت‌های کوچک و کوتاه) و بوته می‌روید.



جنگل منطقه‌ای پوشیده از درختان و گیاهان فراوان است.

جزیره خشکی و سطح دریا یا اقیانوس است که دور تا دور آن را آب فراگرفته است.



شبیه جزیره خشکی کنار دریا یا اقیانوس است که سه طرف آن را آب فراگرفته است.



## بلایای طبیعی



خشکسالی



زمین‌لرزه



آتشفشنان



بهمن



سیل



گردباد



توفان

## تمرین ۱

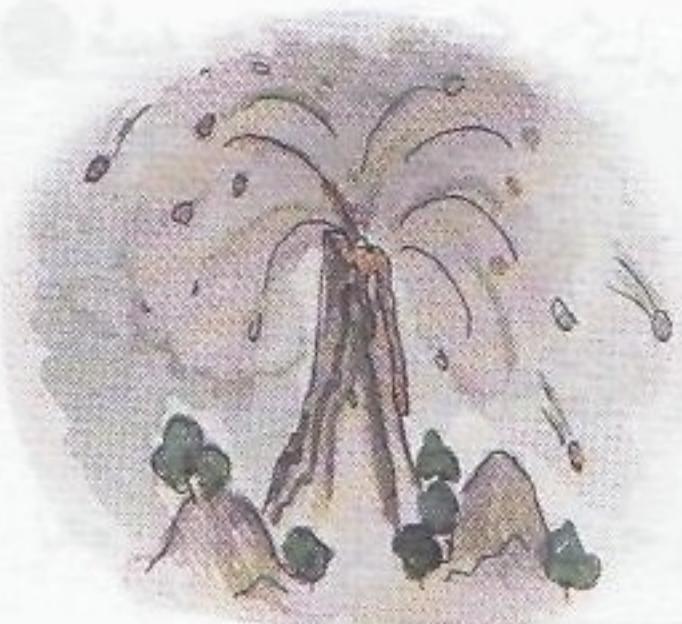
هر دسته از کلمه‌ها را بخوانید و دور کلمه‌ی متفاوت با بقیه خط بکشید.

۱. قله / بیابان / کوهپایه / کوهستان
۲. زمینلرزه / جزیره / دشت / بیشه
۳. قله / دامنه / کوه / دریا
۴. درختچه / بوته / گل / آتشفسان
۵. توفان / بوته / برف / باران
۶. باد / سیل / توفان / صخره

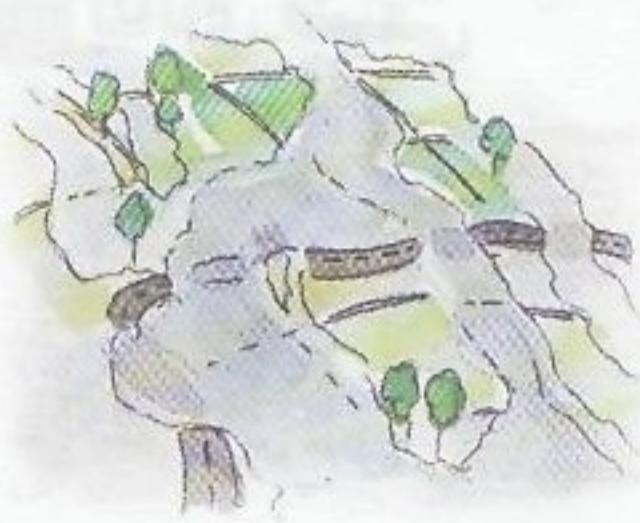
## تمرین ۲

هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. توفان هفته‌ی گذشته خسارت زیادی به درختان و خانه‌ها وارد کرد.
۲. سیل بیشتر زمین‌های کشاورزی و جاده‌ها را خراب کرده است.
۳. بخش زیادی از شهر بر اثر زمینلرزه ویران شد.
۴. بیشترین گرددبادهای ایران در مناطق کویری روی می‌دهد.
۵. سانگای از آتشفسان‌های فعال جهان در اکوادر است.



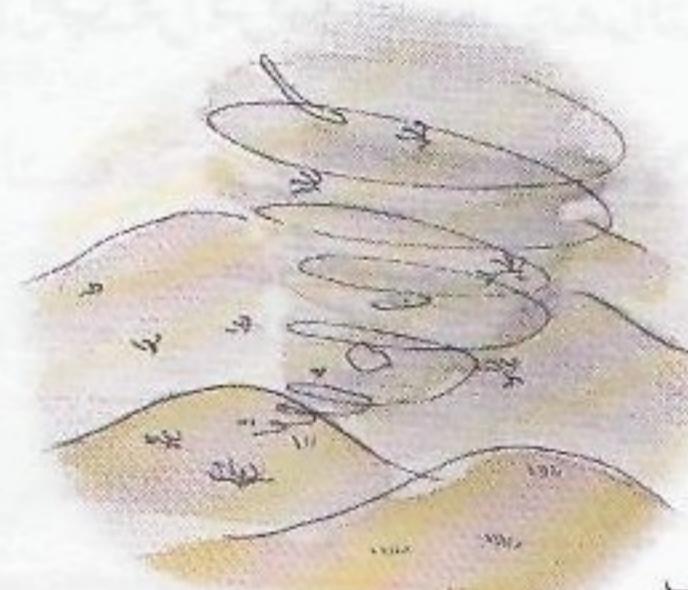
ب



ت



ث



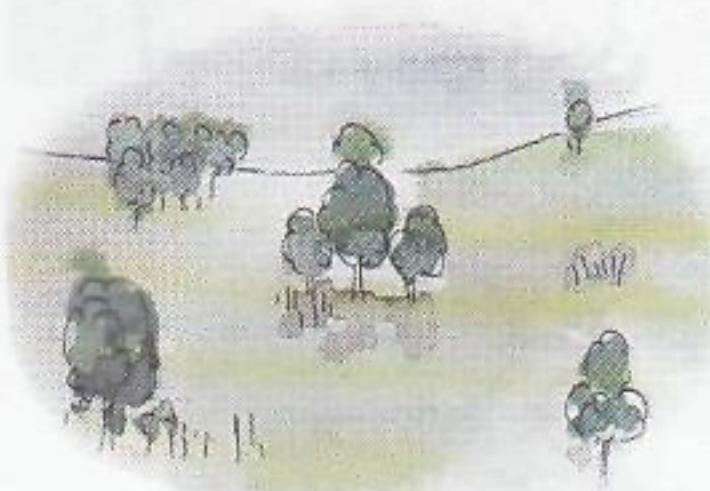
الف



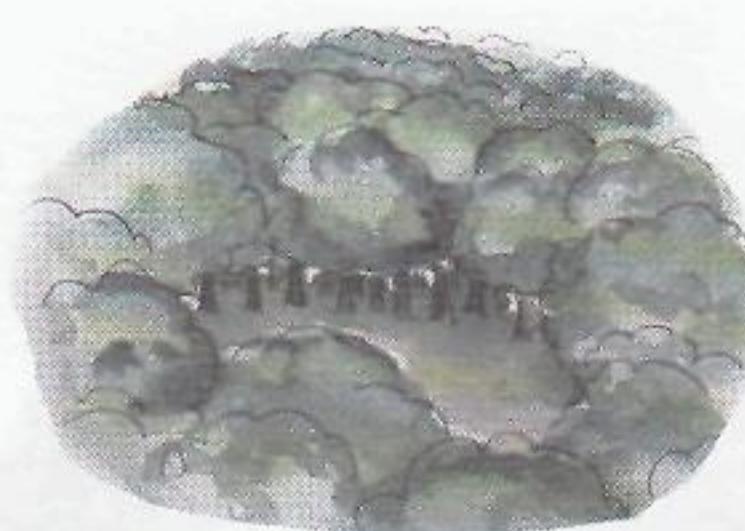
پ

### تمرین ۳

کلمه‌ی مربوط به هر تصویر را زیر آن بنویسید.



..... ۳



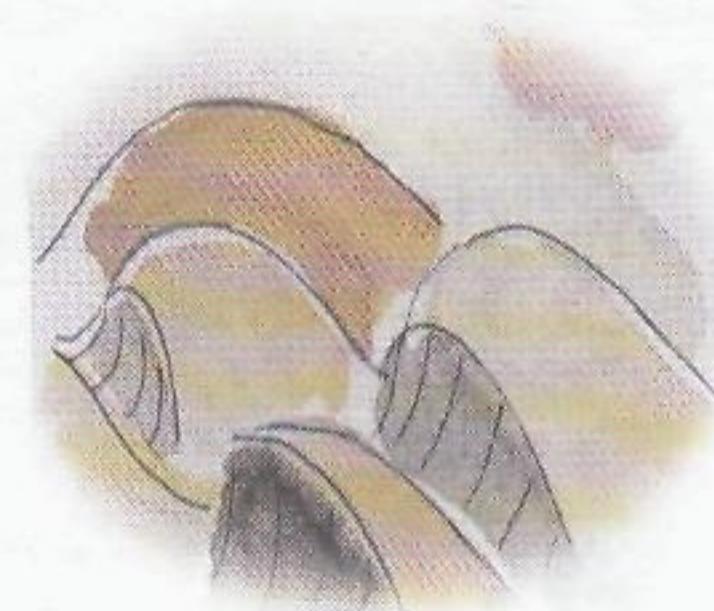
..... ۲



..... ۱



..... ۶



..... ۵



..... ۴

### تمرین ۴

کلمه‌های زیر را در جاهای مناسب بگذارید.

جزیره‌ی، کوهستانی، صخره، آب و هوای، دامنه، کوهپایه، دره‌ی

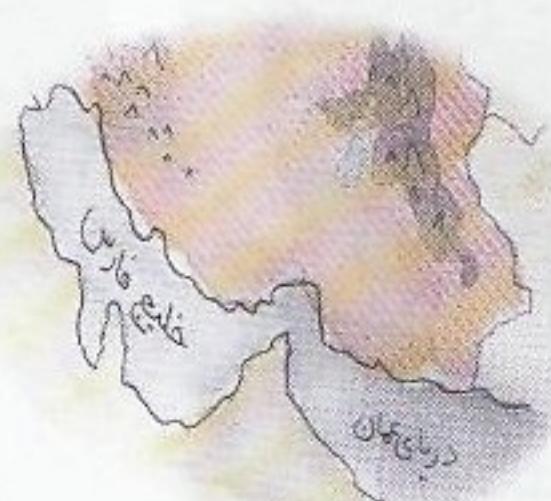
۱. ..... مناطق معتدل برای کشاورزی بسیار مرغوب است.
۲. سرازیری‌های تند کوه را ..... و زمین‌های پای کوه را ..... می‌گوییم.
۳. مناطق ..... زمستان‌های سرد و پر برفی دارد.
۴. به کسانی که از ..... بالا می‌روند، صخره‌نورد گفته می‌شود.
۵. تهران در ..... بزرگی واقع شده است و از سه طرف در محاصره‌ی کوهها است.
۶. کشور ژاپن از چهار ..... کوچک و بزرگ تشکیل شده است.

## پدیده‌های طبیعی (۲)

### آب‌های روی زمین



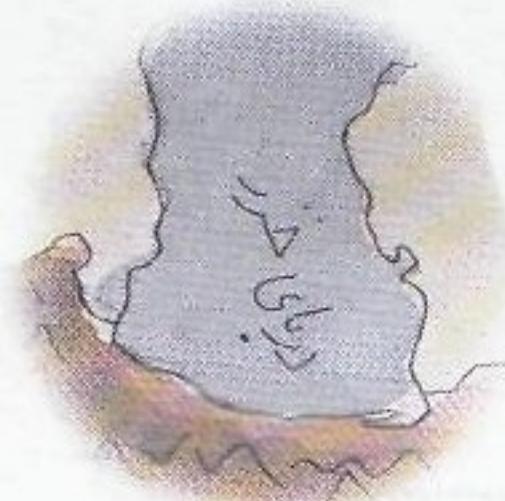
اقیانوس



خلیج



دریاچه



دریا



چشمه



جویبار



رود

### باتلاق، مرداب...

باتلاق: زمین گودی که رطوبت آن بسیار زیاد است تا حدی که خاک آن به گل تبدیل شده است.



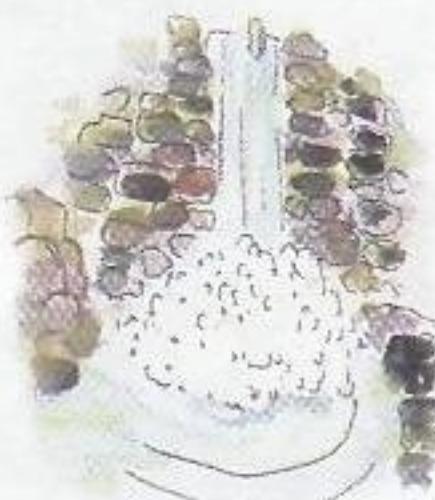
مرداب: گودال کم عمقی است که در کنار بعضی از رودها، دریاچه‌ها یا دریاها تشکیل می‌شود. آب مرداب شور است.



تنگه: مسیر باریک از آب میان دو دریایی مجاور هم است. تنگه دو دریا را به هم متصل می‌کند.

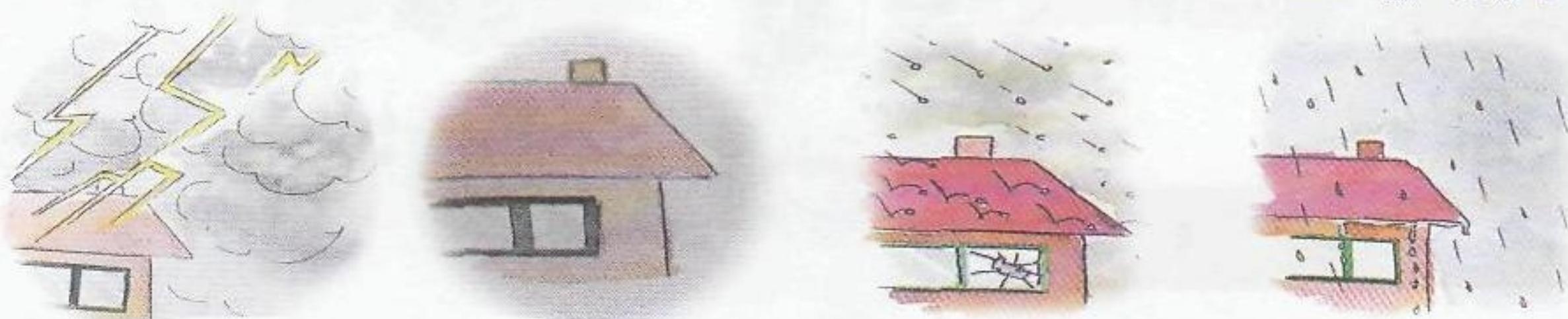


آبشار: توده‌ی آبی است که از جایی بلند به طرف پایین فرو می‌ریزد.



ساحل: حدّ فاصل میان آب و خشکی است. معمولاً ساحل دریا پوشیده از شن، ماسه، سنگ و صدف است. هنگام جزر و مد بخشی از ساحل زیر آب می‌رود و موج‌های بزرگ و کوچکی روی سطح آب دیده می‌شود.

### باران، برف ...



برق (=صاعقه)

مه

تگرگ

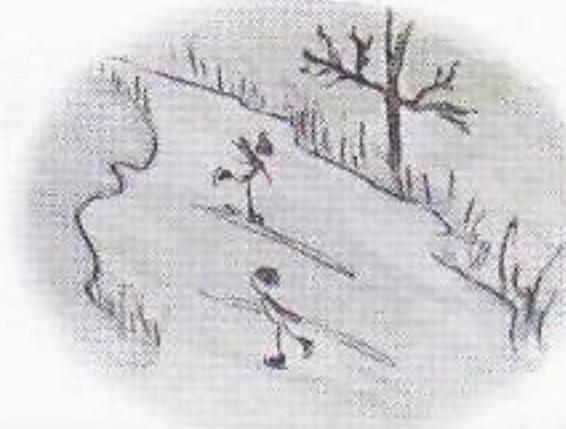
باران



کولاك



برف



پیخ

### باغ زیبایی بهاری

فصل بهار بود. در باغ، نسیم (=باد ملایم) دلپذیری می‌وزید. ابرها آرام آرام در آسمان حرکت می‌کردند. گاهی ابرها خورشید را می‌پوشاندند. محظوظی باغ بودم که ناگهان آسمان سیاه شد و خورشید ناپدید گشت. ننم باران شروع شد. یکدفعه، آسمان برق زد و به دنبال آن صدای رعد به گوش رسید. آن وقت ننم باران جایش را به رگبار داد. چند لحظه بعد، دوباره خورشید پیدا شد و باران متوقف گردید. آن وقت، رنگین کمان زیبایی در آسمان پدیدار شد.

## تمرین ۱

هر یک از کلمه‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. رنگین‌کمان

۲. آبشار

۳. دریاچه

۴. برق

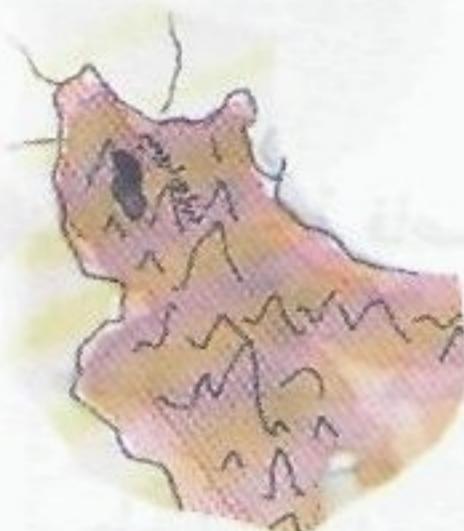
۵. مرداب

۶. برف

۷. جویبار



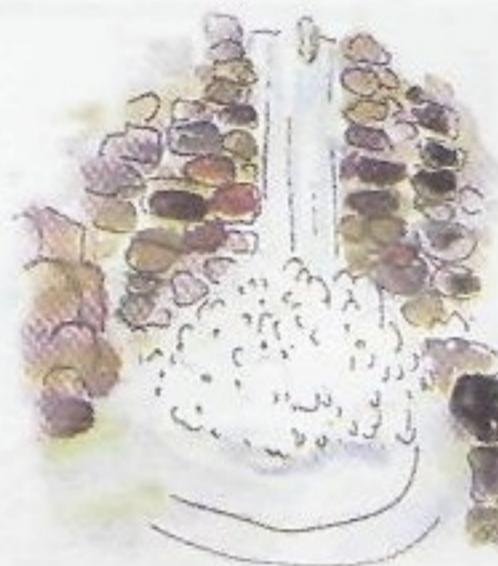
ب



ت



ج



ج



الف



پ



ث

## تمرین ۲

کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است.

۱. تگرگ گلوله‌های یخ‌زده‌ی باران است.

۲. مرداب گودال کم عمقی است که در کنار اقیانوس تشکیل می‌شود.

۳. اقیانوس از دریا کوچک‌تر است.

۴. توفان در هوای برفی را کولاک می‌گوییم.

۵. تنگه مسیر باریکی از آب میان دو دریا است.

۶. چشمه همان آب‌های زیرزمینی است که از زمین بیرون می‌زند.

## تمرین ۳

با یک خط هر یک از جمله‌های زیر را به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



الف



ب



پ



ت



ث



ج



چ

۱. خلیج فارس در جنوب ایران واقع است.

۲. دریای خزر در شمال ایران قرار دارد.

۳. تنگه‌ی کاله دریای مانش و دریای شمال را به هم متصل می‌سازد.

۴. ساحل دریا پوشیده از شن و ماسه است.

۵. مه آنقدر غلیظ است که ماشین‌ها به سختی حرکت می‌کنند.

۶. دریای عمان در جنوب ایران به اقیانوس اطلس متصل است.

۷. دریا توفانی است و موج‌ها با سرعت به طرف ساحل می‌آیند.

## تمرین ۴

کلمه‌های مربوط به هر توضیح را در جدول از راست به چپ و از بالا به پایین پیدا کنید و دور آن‌ها خط بسته بکشید.

**مثال:** گودالی مرکب از آب و گل: باتلاق

۱. بالا آمدن آب دریا

۲. پایین آمدن آب دریا

۳. آب منجمد

۴. باران تندر و کوتاه

۵. آبی که از زیر زمین بیرون می‌آید

۶. باد ملایم

۷. مسیر باریک میان دو آب

۸. جریان آب نسبتاً طولانی که به طرف دریاچه یا دریا می‌رود

۹. صدای به هم خوردن ابرها به یکدیگر

ب ا ت ل ا ق ب

ر س ش م د ر ج

گ ل م د ج ز ر

ب ن و ج ن د ع

ا ش ج ش س س گ د

ر و د م ی خ س

ت ن گ ه م ل ل

# زمان و فصول

## ساعت، دقیقه، ثانیه

یک ساعت ۶۰ دقیقه یا ۳۶۰۰ ثانیه است.

ساعت چند است؟



پنج و نیم است.

ساعت چند است؟



یک ربع به چهار است.

ساعت چند است؟



ساعت ده و چهار دقیقه است.

ساعت چند است؟



هفت و ربع است.

## شبانه‌روز، هفته، ماه، سال

یک شبانه‌روز ۲۴ ساعت است. با طلوع خورشید هوا روشن و روز آغاز می‌شود. با غروب خورشید هوا تاریک و شب شروع می‌شود.



یک هفته هفت روز دارد: شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه. شنبه روز اول هفته و جمعه روز آخر هفته است.

امروز چندم است؟

امروز هفدهم دی ماه ۱۳۸۴ است.

امروز چه روزی است؟

امروز هفدهم دی ماه ۱۳۸۴ است.

یک سال چهار فصل دارد: بهار، تابستان، پاییز و زمستان. هر فصل سه ماه دارد. بهار: فروردین، اردیبهشت، خرداد؛ تابستان: تیر، مرداد، شهریور؛ پاییز: مهر، آبان، آذر؛ زمستان: دی، بهمن، اسفند.



## دده، سده، هزاره

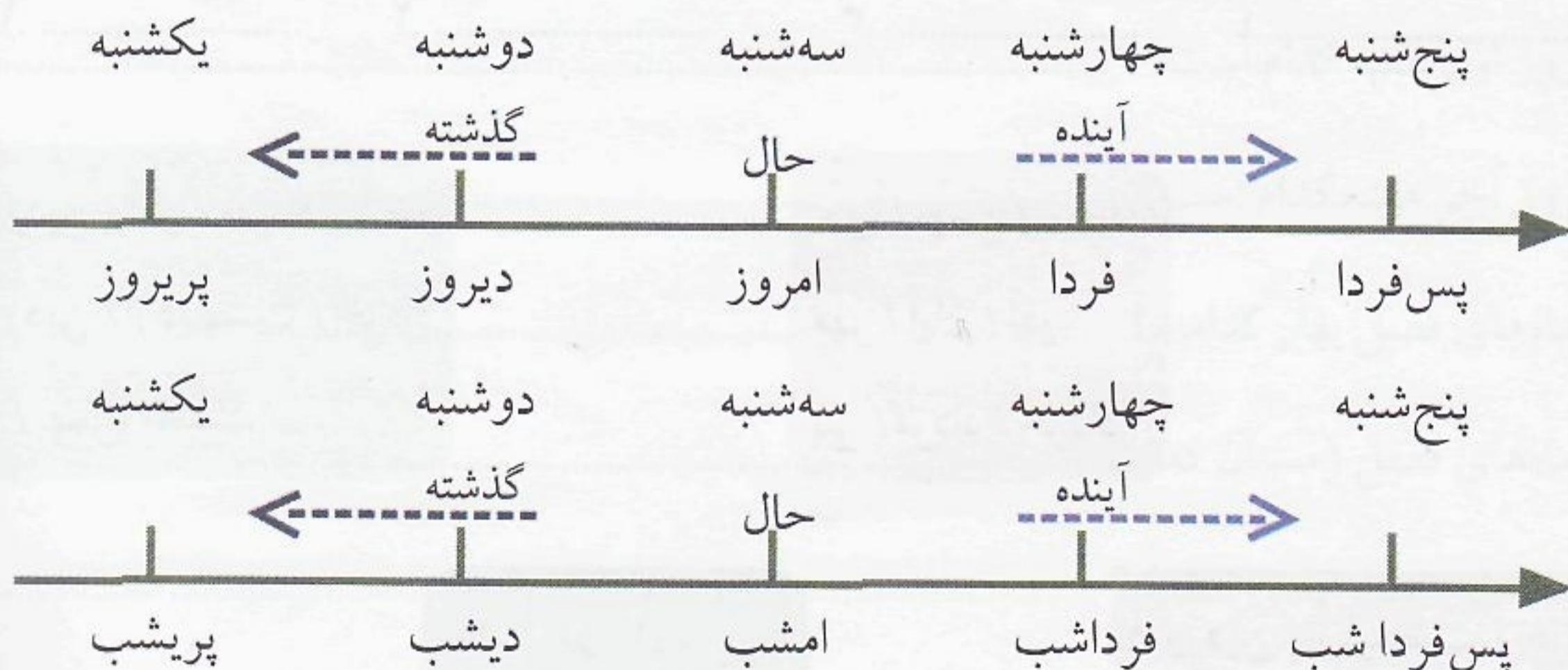
یک دده شامل ده سال است.

یک سده (=قرن) شامل صد سال است.

یک هزاره شامل هزار سال است.

دده‌ی سوم قرن بیستم = ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰

## امروز، امشب، امسال

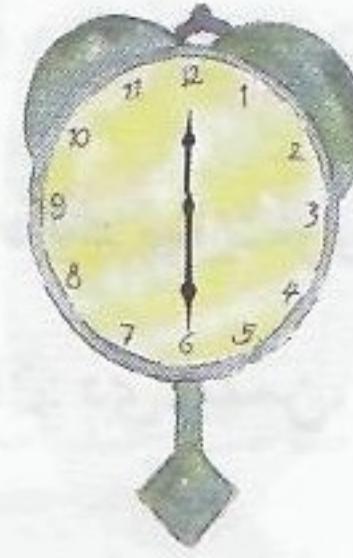
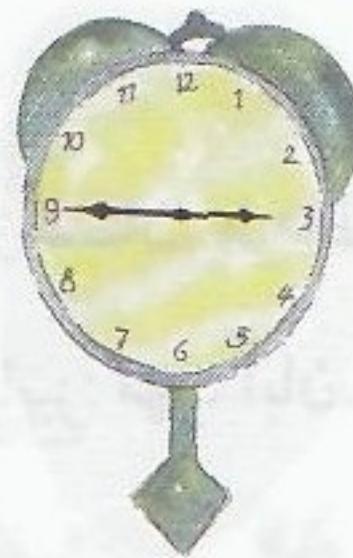


سالی را که در آن هستیم، امسال می‌گوییم. سال پیش از امسال را پارسال و سال پیش از پارسال

را پیرارسال می‌گوییم.

## تمرین ۱

ساعت چند است؟



۴

۳

۲

۱

## تمرین ۲



۴

۳

۲

۱

دی / بهمن / اسفند

مهر / آبان / آذر

تیر / مرداد / شهریور

فروردین / آذر / خرداد

فروردین / اردیبهشت / خرداد

دی / بهمن / اسفند

الف

ب

فروردین / اردیبهشت / خرداد

دی / فروردین / اسفند

مهر / آبان / آذر

آبان / آذر / دی

دی / بهمن / خرداد

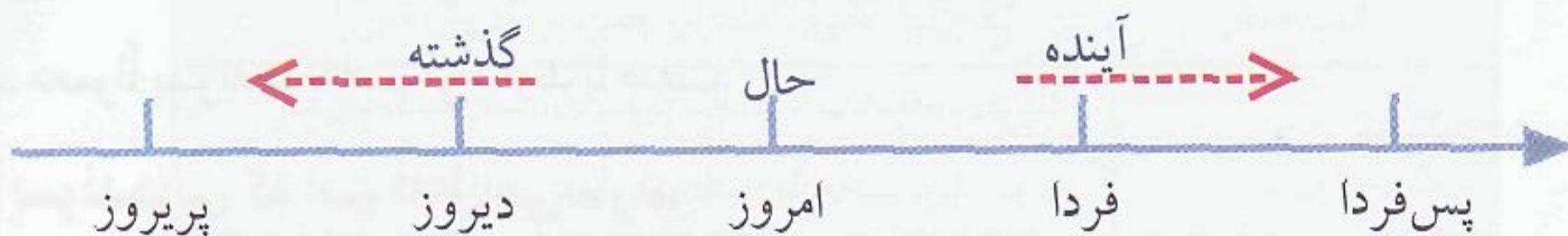
تیر / مرداد / شهریور

ت

پ

### تمرین ۳

به کمک تصویر جاهای خالی را کامل کنید.



- ..... ۱۷ دی ماه است ..... ۱۸ دی ماه است ..... ۱۹ دی ماه است و ..... ۱۵ دی ماه بود.

### تمرین ۴

جواب دهید.

۱. روزهای هفته را نام ببرید.
- .....
۲. فصلهای سال را نام ببرید.
- .....
۳. روز اول هفته کدام است؟
- .....
۴. روز آخر هفته کدام است؟
- .....
۵. ماههای فصل بهار کدامند؟
- .....
۶. ماههای فصل زمستان کدامند؟
- .....
۷. ماههای فصل پاییز کدامند؟
- .....
۸. ماههای فصل تابستان کدامند؟
- .....

# پسوندها (۱)

پسوند در انتهای کلمه قرار می‌گیرد. شما به کمک پسوند می‌توانید معنای یک کلمه‌ی جدید را تشخیص دهید. معمولاً پسوندها یا اسم می‌سازند یا صفت.

## پسوند‌هایی که اسم فاعل می‌سازند

مثال	معنی	پسوند
پرستار، خریدار	—	ماده‌ی مضارع یا ماضی + آر
آموزگار، خواستگار، آفریدگار، یادگار	—	اسم یا ماده‌ی مضارع یا ماضی + گار
طلبکار، بدھکار، خرابکار، ورزشکار، رنگ‌کار، سوارکار گناهکار، ستمکار، گچ‌کار، برق‌کار، مددکار	صفت‌فاعلی، دارنده‌ی شغل	اسم + کار
زرگ، آهنگر، کوزه‌گر، کارگر، بازیگر، گزارشگر حیله‌گر، ستمگر، آرایشگر، رفتگر	دارنده‌ی شغل	اسم + گر
دربان، آسیابان، زندانبان، نگهبان، پاسبان، دیدبان باغبان، جنگل‌بان، دربان، دروازه‌بان، گروهبان سایه‌بان، بادبان	مسئول، مراقب	اسم یا ماده‌ی فعل + بان
فروشنده، گوینده، شنونده، نویسنده، خواننده پرنده، خزنده، بیننده، راننده، دونده، بازنده، برنده	کننده‌ی کار، دارنده‌ی حالت	ماده‌ی مضارع + نده
تلفن‌چی، تماشاجی، کترل‌چی، پستچی شکارچی، قاچاقچی، درشكه‌چی	اشغال به کاری	اسم + چی

پرستار: کسی که از بیماران مراقبت می‌کند. پرستار فشار خون مرد بیمار را اندازه‌گیری می‌کند.

آموزگار: کسی که در دبستان به بچه‌ها درس می‌دهد. دانش‌آموز کلاس دوم از آموزگار سؤال کرد.

سوارکار: کسی که اسب سواری می‌کند. سوارکار با اسب از روی مانع پرید.

گزارشگر: کسی که در رادیو یا تلویزیون یا روزنامه گزارش می‌کند. من گزارش‌های گزارشگرهای روزنامه‌ها را بیشتر دوست دارم.

باغبان: کسی که از باغ نگهداری می‌کند. باغبان به گل‌ها و درختان آب می‌دهد.

فروشنده: کسی که کارش فروختن کالاست. صاحب مغازه به یک فروشنده نیاز دارد.

پستچی: کسی که کارش بردن نامه است. امروز صبح، پستچی نامه‌ای برایمان آورد.

## پسوندهایی که اسم مکان می‌سازند

مثال	پسوند
گندمزار، شالیزار، کشتزار، چمنزار، گلزار، شنزار	اسم + زار
گلستان، نخلستان، تاکستان، کوهستان، بیمارستان، دبیرستان کودکستان، گورستان، بلوچستان، بلغارستان	اسم + ستان
کارگاه، دانشگاه، آرامگاه، خوابگاه، پرورشگاه، ایستگاه، بازداشتگاه آسایشگاه، آزمایشگاه، دامگاه، نمایشگاه، عبادتگاه، پرتگاه، دستگاه فروندگاه، باشگاه، آرایشگاه، پالایشگاه، درمانگاه، پناهگاه، ورزشگاه چراگاه	اسم یا ماده‌ی فعل + گاه
بنکده، میکده، دانشکده، آتشکده، دهکده	اسم + کده

● **شالیزار:** محل کاشتن شالی (برنج). کشاورزها در شالیزارها کار می‌کنند.

● **کشتزار:** محل کاشتن انواع گیاهان و سبزیجات، مزرعه. کشتزارهای کوچک و بزرگی در بیرون از شهر وجود دارد.

● **کوهستان:** جایی که کوه‌های زیادی دارد. کوهستان‌های شمالی ایران پوشیده از درخت است.

● **بیمارستان:** محل نگهداری از بیماران. جوان زخمی را در بیمارستان بستری کردند.

● **نخلستان:** جایی که پر از درخت نخل یا خرماست. در جنوب ایران نخلستان‌های بزرگی وجود دارد.

● **ایستگاه:** محل ایستادن. بچه‌ها در ایستگاه اتوبوس ایستاده‌اند.

● **عبادتگاه:** محل پرستیدن خدا. مسجد عبادتگاه مسلمانان است.

● **آزمایشگاه:** محل آزمایش. دانشمندان در آزمایشگاه کار و تحقیق می‌کنند.

● **نمایشگاه:** محل نمایش. هفته‌ی گذشته به دیدن یک نمایشگاه عکس رفتیم.

● **فروندگاه:** محل نشستن و برخاستن هواپیما. پرواز ۳۴۶ ساعت ۸ در فرودگاه نشست.

● **دهکده:** ده، روستا. پدربرزگم در دهکده‌ای زیبا و سرسیز زندگی می‌کند.

● **دانشکده:** محل تحصیل دانشجویان در دانشگاه. دانشجویان دانشکده‌ی ادبیات امروز به کلاس‌های خود نمی‌روند.

● **آتشکده:** جایی برای نگه‌داری آتش و پرستش. زرتشتیان برای پرستش و دعا به آتشکده می‌روند.

## تمرین ۱

آموزش زبان ایرانی

جمله‌ی سمت راست را با یک خط به جمله‌ی مربوط به آن در سمت چپ وصل کنید.

۱. اتوبوس در ایستگاه ایستاده است.
۲. من نویسنده‌ی داستان‌های پلیسی هستم.
۳. دوست من آرایشگر است.
۴. تو از پرویز طلبکاری.
۵. پسرعموی علی جنگل‌بان است.
۶. تو کارگر کارخانه‌ای در خارج از شهر هستی.
- ج. من معمولاً موهايم را پيش او کوتاه می‌کنم.
- الف. هفته‌ی پيش پنج هزار تومان به او قرض دادی.
- ب. معمولاً تو با اتوبوس به محل کار می‌روی.
- پ. ولی نوشته‌های من خواننده ندارد.
- ت. او طبیعت را دوست دارد.
- ث. مسافرها یکی یکی سوار می‌شوند.

## تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با پسوند مناسب کامل کنید.

-بان، -گاه، -ار، -کده‌ی، -گار، -نده

۱. پروین دردانش ..... پزشکی درس می‌خواند.
۲. خواست ..... نسرین مهندس است.
۳. باغ ..... گل‌های رنگارنگی در باغ کاشته است.
۴. کتاب‌های آگاتا کریستی خوان ..... های زیادی در سراسر جهان دارد.
۵. پرست ..... به مرد زخمی سرم وصل می‌کند.
۶. گوسفندان در چرا ..... مشغول چرا هستند.

## تمرین ۳

معنای کلمه‌های زیر را همراه با یک جمله بنویسید.

۱. دروازه‌بان = .....
۲. آرایشگاه = .....
۳. خریدار = .....
۴. رنگ‌کار = .....
۵. برنده = .....

## تمرین ۴

دور کلمه‌ی صحیح خط بکشید.

۱. چند نفر در ایستگاه / پرورشگاه اتوبوس متظر ایستاده‌اند.
۲. معمولاً آب و هوای آتشکده / دهکده با صفا و تمیز است.
۳. دوستم آهنگر / گزارشگر یکی از روزنامه‌های صبح است.
۴. ورزشکاران / گناهکاران پرچم کشورشان را در دست گرفته‌اند.
۵. مردان کشاورز در گلزار / شالیزار مشغول کار هستند.
۶. می‌گویند روباه حیوان حیله‌گری / رفتگری است.
۷. بلغارستان / بلوچستان یکی از استان‌های ایران است.
۸. مرد شکارچی / قاچاقچی آهوی کوچکی شکار کرد.

## تمرین ۵

جاهای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

بازیکنان، برنده‌ی، تماشاجی‌ها، گزارشگر، دروازه‌بان‌ها، ورزشگاه، بیننده‌ها، شنونده‌ها، بازنده

امروز در ..... آزادی تهران مسابقه‌ی فوتبال بین دو تیم استقلال و پیروزی برگزار می‌شود.  
ورزشگاه پر از جمعیت است و ..... تیم مورد علاقه‌شان را تشویق می‌کنند.....  
این بازی به جام قهرمانی مسابقات لیگ برتر فوتبال دست می‌یابد و تیم ..... مقام دوم را به  
دست می‌آورد.

پس از چند دقیقه ..... دو تیم وارد زمین بازی می‌شوند. هر یک از ..... جلوی  
دوازه‌ی خود قرار می‌گیرند و بازیکنان هم سر جای خودشان در زمین می‌ایستند. ....  
رادیو فهرست نام بازیکنان را برای ..... اعلام می‌کند. .... تلویزیون نیز مسابقه  
را از تلویزیون تماشا می‌کنند. داور سوت خود را می‌زند و بازی با شور و هیجان آغاز می‌شود.

# پسوند‌ها (۲)

## ساختمان پسوند

مثال	معنی	پسوند
کشش، آموزش، گردش، ورزش، کوشش، آسایش، وزش سازش، پرورش، ریزش، ستایش، گزارش، پوشش، پرسش گزش، لغزش	اسم مصدر	ماده‌ی مضارع + -ش
خرابی، ویرانی، بدی، نیکی، خوبی، زیبایی، رانندگی، بخاری نویسنده‌گی، گویندگی، کتاب‌فروشی، گل‌فروشی	اسم مصدر	صفت یا اسم + ی
گفتار، رفتار، کردار، گرفتار، دیدار	اسم مصدر	ماده‌ی ماضی + آر
دفترچه، باعچه، درختچه، دریاچه، قالیچه، ناوچه، تربچه	اسم تصغير	اسم + چه
دسته، پایه، تیغه، تنہ، جوانه، دندانه، دهانه، شیره، لبه	شباهت	اسم یا صفت یا ماده‌ی فعل + ه

● **گردش:** گردیدن. بچه‌ها عاشق گردش و بازی در پارک هستند.

● **آسایش:** آسودگی، آسوده بودن. همسایه‌ها از سر و صدای بچه‌ها آسایش ندارند.

● **ریزش:** ریختن. جاده بر اثر ریزش کوه بسته است.

● **خرابی:** خراب بودن. زلزله خرابی‌های زیادی به بار آورد.

● **بخاری:** وسیله‌ای برای گرم کردن خانه یا ساختمان. مادر هر شب بخاری نفتی را روشن می‌کرد.

● **کتاب‌فروشی:** محل فروختن کتاب. کتاب‌فروشی سر خیابان کتاب‌های مناسبی دارد.

● **رفتار:** طرز عمل، روش کار. آقای رضایی با مشتری‌هایش رفتار خوبی دارد.

● **گفتار:** طرز حرف زدن. همه از گفتار مؤدبانه‌ی مرد جوان خوششان آمد.

● **دیدار:** عمل دیدن. من از دیدار شما خوشحال شدم.

● **باغچه:** باغ کوچک. مادر بزرگ هر روز به گل‌ها و درخت‌های باغچه آب می‌دهد.

● **جوانه:** بر جستگی روی شاخه‌ها. درختان در فصل بهار پر از جوانه می‌شوند.

● **دفترچه:** دفتر کوچک. آقای اکبری یک دفترچه و دو مداد برای پرسش خرید.

● **پایه:** ستونی که چیزی روی آن تکیه می‌کند. پایه‌ی صندلی شکست.

## پسوندهایی که صفت می‌سازند

مثال	معنی	پسوند
فریبا، کوشای، رسا، گیرا، دانا، خوانا، توانا	فاعلی	ماده‌ی فعلی + آ-
سعادتمند، ثروتمند، خردمند، دردمند، کارمند، هنرمند زورمند، نیازمند، دانشمند، سالمند، آبرومند، شکوهمند تنومند	مالک و دارنده	اسم یا صفت + مند
پرهیزگار، سازگار، رستگار	فاعلی	اسم یا ماده‌ی فعلی + گار
بزرگوار، امیدوار، سوگوار، سزاوار، عیالوار	مالک و دارنده	اسم یا صفت + وار
اندوهناک، غمناک، غضبناک، خطرناک، ترسناک، نمناک وحشتناک، فریبناک، سوزناک	آمیختگی	اسم یا ماده‌ی فعلی + ناک
ریشو، سبیلو، شکمو، ترسو، اخمو، غرغرو	مالک و دارنده	اسم + و
سوزان، لرزان، خندان، گریان، تابان، شتابان	حالت فاعلی	* ماده‌ی فعلی + آن*
مردانه، دلیرانه، هنرمندانه، دخترانه، بچگانه، کودکانه پسرانه، زنانه، عامیانه	شباخت، مانند	* اسم + آنه*
نورانی، عصبانی، عقلانی، چراغانی	نسبت	اسم یا صفت + آنی
سنگی، نقره‌ای، ایرانی، تهرانی، مسیحی، ارتقی دانشگاهی، دبستانی	نسبت	اسم + ی

\* پسوندهای آن و آنه گاهی اوقات قید هم می‌سازند.

خوانا: قابل خواندن. همه از خط خوانا و زیبایی رضا تعريف می‌کنند.

ثروتمند: دارای ثروت. تاجر ثروتمند تصمیم دارد برج بزرگی بسازد.

پرهیزگار: کسی که پرهیز می‌کند. مرد پرهیزگار مشغول عبادت است.

امیدوار: کسی که امید دارد. جوان امیدوار بدون خستگی به راهش ادامه می‌دهد.

ترسناک: آمیخته با ترس. دوستم از دیدن فیلم‌های ترسناک لذت می‌برد.

اخمو: کسی که دائمًا اخم می‌کند. بچه‌ها این مرد اخمو را دوست ندارند.

خندان: کسی که می‌خندد. دختر خندان توجه همه را به خود جلب کرده بود.

دخترانه: مثل دخترها. چرا فرهاد لباس دخترانه پوشیده است؟

عصبانی: ناراحت. پیر مرد عصبانی سر بچه‌ها داد کشید.

نقره‌ای: از جنس نقره. برای دوستم یک سینی نقره‌ای خریده‌ام.

## تمرین ۱

عبارت‌های سمت راست را با یک خط به عبارت مربوط به آن در سمت چپ وصل کنید.

- |  |   |
|--|---|
| الف. حیاط هنوز خیس و نمناک است                 | ۱. می‌خواهم برای مادرم یک پیراهن بخرم   |
| ب. او باید سخت ورزش کند                        | ۲. بچه‌ها با توب شیشه‌ی پنجره را شکستند |
| پ. عجب بچه‌ی شکمومی! همه را خورده است          | ۳. شب گذشته تا صبح باران می‌بارید       |
| ت. متأسفانه این معازه فقط لباس‌های بچگانه دارد | ۴. مرد جوان خیلی چاق است                |
| ث. پیرمرد عصبانی و ناراحت روی بالکن آمد        | ۵. هیچ شکلاتی در ظرف باقی نمانده است    |
| ج. او دانشگاهی است                             | ۶. همسایه‌ی ما استاد دانشگاه است        |

## تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با پسوند مناسب کامل کنید.

-ه، -ناک، -وار، -انی، -چه، -ا، -مند

۱. آقای جعفری مرد عیال.....ی است. او چهار تا بچه دارد.

۲. پدربزرگ دان.....ی من راهنمای همه‌ی افراد خانواده است.

۳. زن سال.....در پارک با دوستانش صحبت می‌کند.

۴. کوچه را برای جشن چراغ..... کرده‌اند.

۵. درختان در بهار پر از جوان..... می‌شوند.

۶. من از کارهای خطر..... پسر همسایه‌مان می‌ترسم.

۷. نرگس در دفتر.....ی تلفن شماره‌ای را یاداشت کرد.

## تمرین ۳

معنای کلمه‌های زیر را همراه با یک جمله بنویسید.

۱. آبرومند =.....

۲. اخمو =.....

۳. قالیچه =.....

۴. زیبایی =.....

۵. لرزان =.....

## تمرین ۴

دور کلمه‌ی صحیح خط بکشید.

۱. آسیا تاریخ و فرهنگی شکوهمند / دانشمند دارد.
۲. بچه‌ی سبیلو / غرغرو حوصله‌ی همه را سر برده است.
۳. مادر با سینی ارتشی / نقره‌ای برای مهمان‌ها چای آورد.
۴. کودکان نباید فیلم‌های ترسناک / فریب‌ناک تماشا کنند.
۵. چادر یکی از پوشش‌های / آموزش‌های زنان ایرانی است.
۶. آقای امیری دانشگاهی / دبستانی است. او در دانشگاه درس می‌دهد.
۷. تربچه / قالیچه‌های ایرانی بسیار زیبا و ظریف هستند.
۸. رانندگی / گویندگی در خیابان‌های تهران کار سختی است.
۹. مسلمانان برای ستایش / گزش خدا نماز می‌خوانند.

## تمرین ۵

جاهای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

کارمند، کوشش، پرورش، هنرمندی، نویسنده‌ی، هنرمندانه‌ی، رسما، استعداد، دفترچه، کوشش

نویسنده ..... است که از ابتدای تولد با استعداد نویسنده‌ی به دنیا نیامده است. برای ورود به دنیا ..... تنها داشتن خلاقیت و ..... کافی نیست، تمرین و ..... نیز اهمیّت زیادی دارد.

به علاوه، نویسنده‌ی ..... همیشه خوب می‌بیند و خوب می‌شنود و با ..... قوّه‌ی تخیل خود صاحب نظری ..... و اثرگذار می‌شود. اگر علاقه‌مندی نویسنده شوید، از همین حالا و قلمی تهیّه کنید و مرتب بنویسید. نویسنده با ..... اداره یک تفاوت اساسی دارد، کارمند فقط در ساعت اداری کار می‌کند اما اثر ..... نویسنده در ساعت خاصی پدید نمی‌آید.

# کلمه‌های مرکب (۱)

کلمه‌های مرکب از ترکیب دو کلمه‌ی معنادار ساخته می‌شود. ترکیب مهمترین فرآیند ساخت واژه در زبان فارسی است. الگوهای ترکیب در زبان فارسی بسیار متنوع هستند. در اینجا با مهمترین الگوهای ترکیب آشنا می‌شویم.

## ۱. اسم + اسم: کتابخانه، گلخانه، کارخانه، سربازخانه، دستمزد، کارنامه، گردنبند

سربازخانه: محل اقامت سربازها. سربازها به طور شبانه‌روزی در سربازخانه زندگی می‌کنند.

دستمزد: حقوق. کارگران از دستمزد خود راضی نیستند.

گردنبند: زیستی که به گردن می‌اویزند. مهین در مهمنی دیشب گردنبند زیباییش را گم کرد.

کارنامه: گزارش کتبی از کارهای کسی به خصوص دانش‌آموزان. کارنامه‌ی برادرم پر از نمره‌های بیست است.

## ۲. صفت + اسم: بلندقد، سفیدپوست، بدبخت، خوشبخت، پرحوصله، کمآزار، خوش‌اخلاق

زیبارو، تنگ‌دست، نوجوان، بداخلاً

نوجوان: کسی که از کودکی درآمده ولی هنوز جوان نیست. نوجوان شانزده ساله سه زبان خارجی می‌دانست.

پرحوصله: کسی که حوصله‌ی زیاد دارد. همسایه‌ی پرحوصله‌ی ما شش فرزند دارد.

خوش‌اخلاق: کسی که اخلاق خوبی دارد. همه‌ی ما دوست خوش‌اخلاق علی را دوست داریم.

تنگ‌دست: فقیر. مرد تنگ‌دست نمی‌دانست چه کار کند.

خوش‌بخت: برخوردار از زندگی دلخواه. من از آشنایی با شما خوش‌بخت هستم.

## ۳. اسم + صفت: قدبلنده، گردندراز، لنگدراز، گردنکلفت، زباندراز، پابرهنه

پاپرهنه: کسی که کفش و جوراب به پا ندارد. بچه‌ی پاپرهنه روی شن‌ها راه می‌رفت.

زبان‌دراز: کسی که بی‌موقع و زیاد حرف می‌زند. دختر زبان‌دراز جواب همه را می‌داد.

قدبلند: کسی که قدش بلند است. جوان قدبلند میوه را از روی شاخه چید.

گردن‌کلفت: قوی و نیرومند. مرد گردن‌کلفت زورش به همه رسید.

#### ۴. اسم + ماده‌ی مضارع فعل: دانشجو، دانشآموز، آشپز، نامه‌رسان، دروغگو، هواپیما، زبانآموز

دستمال، زیرپوش، کتاب‌فروش، کف‌گیر، دماسنج، مغازه‌دار

نامه‌رسان: پستچی. نامه‌رسان امروز صبح نامه‌ای برایمان آورد.

زبانآموز: کسی که زبانی را می‌آموزد. این کتاب مخصوص زبانآموزان خارجی است.

دانشجو: کسی که در دانشگاه درس می‌خواند. دانشجویان در سالن سخنرانی جمع شده‌اند.

دروغگو: کسی که دروغ می‌گوید. حرف‌های آدم دروغگو را هیچ‌کس باور نمی‌کند.

غازه‌دار: کسی که مغازه دارد. مرد مغازه‌دار در مغازه‌اش را بست.

#### ۵. صفت + ماده‌ی مضارع فعل: پرخور، خوشنویس، نوآموز، زودگذر

نوآموز: کسی که یادگیری را تازه شروع کرده است. این کتاب مخصوص نوآموزان زبان فارسی نیست.

خوشنویس: کسی که خط خوبی دارد. جوان خوشنویس در مسابقه خط نفر اول شد.

پرخور: کسی که زیاد می‌خورد. شکم این بچه‌ی پرخور درد می‌کند.

زودگذر: آنچه اثرش زود و سریع از بین می‌رود. لذت تعطیلات تابستانی خیلی زودگذر بود.

#### ۶. ضمیر مشترک خود + بن مضارع فعل: خودخواه، خودپسند، خودرو، خودآموز

خودآموز: وسیله‌ای آموزشی که به معلم نیاز ندارد. این کتاب خودآموز واژه‌آموزی در زبان فارسی است.

خودخواه: مغورو و متکبر. دختر خودخواه به هیچ‌کس سلام نکرد.

خودپسند: از خود راضی. جوان خودپسند حرف دوستش را گوش نکرد.

خودرو: اتومبیل. پلیس جلوی ورود خودروهای غیر استاندارد را به داخل شهر می‌گیرد.

## تمرین ۱

کلمه‌های مرکب زیر را در جدول پایین مرتب کنید.

دروغگو، کتابفروش، گل فروش، خودپسند، کتابخانه، آشپز، دماسنج، کارخانه

گردن‌کلفت، کف‌گیر، کم‌آزار، دانشجو، گردندراز، سریازخانه، دستمال، بلندقد

صفت	شغل	اسم شی	اسم مکان

## تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مرکب مناسب پر کنید.

دستمال‌های، لنگ‌دراز، خودآموز، خوشبختی، خودروها

۱. پروانه زن ..... است. او از زندگی اش راضی است.

۲. خانم کراد زبان فارسی را با استفاده از یک ..... یاد گرفت.

۳. همهی ..... روی میز کثیف شده‌اند.

۴. حتماً داستان بابا ..... اثر جین ویستر را خوانده‌اید.

۵. تعداد ..... در خیابان‌های شهر روز به روز بیشتر می‌شود.

## تمرین ۳

به کمک فرهنگ لغت، کلمه‌های مرکبی پیدا کنید که بخش اول آنها کلمه‌های زبان، پر، خوش و کم باشد. حداقل برای هر کدام از آنها چهار کلمه بیابید.

..... زبان ..... پر ..... خوش ..... کم .....  
..... زبان ..... پر ..... خوش ..... کم .....  
..... زبان ..... پر ..... خوش ..... کم .....  
..... زبان ..... پر ..... خوش ..... کم .....

## تمرین ۴

دور کلمه‌ی صحیح خط بکشید.

۱. مورچه جانور کم آزاری / بد بختی است.
۲. آدم خودخواه / خودرو فقط به خودش فکر می‌کند.
۳. سیامک از نوآموز / پرخوری زیاد دلش درد گرفت.
۴. دیروز خانم نادری گردنبند / گردن دراز گران قیمتی خرید.
۵. پزشک با کف‌گیر / دماسنجه دمای بدن بیمار را اندازه‌گیری می‌کند.
۶. مرد نامه‌رسان / زیرپوش بسته‌ای را به مادرم داد.
۷. بچه‌ها زبان‌دراز / پابرهنه روی شن‌ها راه می‌رفتند.
۸. برادرم سرباز است. او شب‌ها در سربازخانه / کتابخانه می‌ماند.
۹. دوستم خوش‌نویس / خوش‌اخلاق است. او خط خوب و زیبایی دارد.

## تمرین ۵

جاهای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

خورد و خوراک، دانشجو، خودروها، تنگ‌دست، کارخانه‌ی، دست‌مزد

هفتنه‌ی گذشته کارگران ..... پارچه‌بافی در خیابان اصلی شهر جمع شدند. آن‌ها از میزان ..... خود راضی نبودند. یکی از کارگران می‌گفت: «حقوق من فقط برای تهیه ..... خانواده کافی است، من دو فرزند ..... دارم و برای پرداخت شهریه‌ی آن‌ها، اجاره‌ی مسکن، ..... هزینه‌های پزشکی و پس‌انداز با مشکلات زیادی روبرو هستم.»

به نظر او، کارگران در مقابل کار زیادی که انجام می‌دهند، همچنان ..... هستند و حقوق قابل ..... توجه و مناسبی دریافت نمی‌کنند. گفتنی است که به علت جمع شدن کارگران در خیابان، حرکت ..... با مشکل مواجه شده بود.

## کلمه‌های مرکّب (۲)

گفتیم که کلمه‌ی مرکّب از ترکیب دو کلمه‌ی معنادار ساخته می‌شود. الگوهای ترکیب در زبان فارسی بسیار متنوع است. در اینجا با بعضی دیگر از الگوهای ترکیب در فارسی آشنا می‌شویم.

### ۷. اسم + صفت مفعولی: شاهزاده، گرماده، سرماده، جهاندیده، کارکشته

گرماده: کسی که بر اثر گرما آب بدنش کم شده است. پیرمرد گرماده را در بیمارستان بستری کردند.

شاهزاده: فرزند پادشاه. شاهزاده در قصر بسیار زیبایی زندگی می‌کرد.

جهاندیده: با تجربه. آقای نادری مردی جهاندیده است.

کارکشته: ماهر. محمد قاضی از متجمان کارکشته‌ی ایرانی است.

### ۸. عدد + اسم: سه‌گوشه، هزارپا، سه‌تار، چهارپا، دودل، چهارراه

سه‌گوشه: شکلی با سه‌گوشه (زاویه). مثلث شکلی یک‌بعدی و سه‌گوشه است.

چهارپا: دارای چهار دست و پا. گاو و گوسفند جزء چهارپایان هستند.

دودل: مردّد، کسی که درباره‌ی تصمیم خود شک دارد. نسرین دودل بود. او نمی‌دانست به مسافرت برود یا در خانه پیش مادرش بماند.

هزارپا: نام حیوانی که بین ۲۰ تا ۱۰۰ پا دارد. آیا هزارپا واقعاً هزار پا دارد؟

دوپهلو: مبهم. خانم اکبری معمولاً حرف‌های دوپهلو می‌زند.

سه‌تار: نوعی وسیله‌ی موسیقی. من در مدت کوتاهی نواختن سه‌تار را یاد گرفتم.

چهارراه: جایی که دو خیابان هم‌دیگر را قطع می‌کنند. پلیس سر چهارراه ایستاده است.

### ۹. اسم + حرف اضافه + همان اسم: قدم به قدم، دقیقه به دقیقه، روز به روز، رنگ به رنگ،

سرتاسر، در به در

قدم به قدم: از یک مرحله تا مرحله‌ی بعد. بهتر است فارسی را قدم به قدم بیاموزیم.

روز به روز: از یک روز تا روز بعد. آقای اکبری روز به روز ضعیفتر می‌شود.

سر تا سر: همه جا. مهدی سر تا سر اتاق را اندازه گرفت.

در به در: آواره. پس از جنگ مردم زیادی در به در می‌شوند.

دقیقه به دقیقه: از یک لحظه تا لحظه دیگر. مرد بیمار دقیقه به دقیقه حالت بدتر می‌شد.

رنگ به رنگ: از یک رنگ به رنگ دیگر درآمدن. فاطمه از خجالت رنگ به رنگ شد.

---

#### ۱۰. اسم + حرف اضافه + یک اسم دیگر: دست به سینه، سر به راه، پابرجا، گوش به زنگ

دست به سینه: دست‌ها را چسبیده به سینه روی هم گذاشتند. بچه‌ی مؤدب دست به سینه روی مبل نشسته است.

سر به راه: سالم و بدون خطأ. علی جوان سر به راهی است، او فقط فکر کار و زندگی است.

گوش به زنگ: منتظر. همه گوش به زنگ بودند تا مهمان‌ها از راه برسند.

---

#### ۱۱. تکرار یک اسم یا یک صفت یا یک قید: دوان دوان، راه راه، خط خط، حال حال، پاره پاره،

سوراخ سوراخ، دوان دوان، یواش یواش

سوراخ سوراخ: دارای چند سوراخ. لباس مسعود سوراخ سوراخ شده است.

راه راه: دارای خط‌های موازی. دیروز پروین پیراهن راه راه نارنجی‌اش را پوشید.

یواش یواش: آهسته. یواش یواش خودم را به در خانه رساندم.

---

#### ۱۲. دو اسم یا دو صفت با واو عطف: آه و ناله، پیچ و خم، مرگ و میر، کار و کاسبی، آب و هوا،

حال و حوصله، خورد و خوراک، زمین و زمان

آه و ناله: صدای ناشی از درد. صدای آه و ناله‌ی مرد مجروح را می‌شنیدم.

کار و کاسبی: کار و درآمد. فروشنده از کار و کاسبی‌اش راضی نبود.

خورد و خوراک: تغذیه و خوردن. بعد از بیماری، خورد و خوراک او خیلی کم شده است.

زمین و زمان: همه، روزگار. پروین از زمین و زمان ناراضی است.

## تمرین ۱

کلمه‌های مرکب زیر را در جدول پایین مرتب کنید.

روز به روز، هزارپا، دودل، سرتا سر، سوراخ سوراخ، چهارپا، رنگ به رنگ، راه راه، پاره پاره

تکرار یک اسم یا یک صفت	اسم + حرف اضافه + اسم	عدد + اسم

## تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مرکب مناسب پر کنید.

رنگ به رنگ، پابرجا، خال خال، حال و حوصله‌ی، دست به سینه

۱. امیر ..... هیچ کاری را نداشت، بنابراین به اتفاقش رفت و خوابید.
۲. خانم جعفری پارچه‌ی ..... صورتی رنگ خرید.
۳. نیروهای ارتش ..... و شجاعانه از کشور خود دفاع کردند.
۴. بچه‌ی مؤدب ..... روی مبل نشسته است.
۵. پروانه از خجالت ..... شد.

## تمرین ۳

به کمک فرهنگ لغت، کلمه‌های مرکبی پیدا کنید که بخش اول آنها کلمه‌های سه، چهار و هزار باشد. حداقل برای هر کدام سه کلمه‌ی مرکب بباید.

سه	..... هزار	..... چهار	..... سه
سه	..... هزار	..... چهار	..... سه
سه	..... هزار	..... چهار	..... سه
سه	..... هزار	..... چهار	..... سه

## تمرین ۴

دور کلمه‌های صحیح خط بکشید.

۱. جاده‌های شمالی ایران پر از پیچ و خم / آه و ناله است.
۲. پسربچه از ترس سگ‌ها یواش یواش / دوان دوان به طرف خانه آمد.
۳. آب و هوای / زمین و زمان مناطقی که بارندگی زیاد دارند، معتدل و مرطوب است.
۴. خواهرم پیراهن پاره / خال خال آبی رنگ پوشیده است.
۵. سه‌تار / چهارراه یکی از آلات موسیقی ایرانی است.
۶. جوان گرم‌زاده / جهان دیده را زود به بیمارستان رساندند.
۷. از زمانی که اطلاعات بهداشتی مردم بیشتر شده است، مرگ و میر / آه و ناله هم کاهش پیدا کرده است.
۸. هزارپا / چهارپا یکی از انواع جانوران است.

## تمرین ۵

جاهای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پرکنید.

### حال و حوصله، دودل، مغازه‌دار، روز به روز، چهارراه، کار و کاسبی اش

آقای امینی ..... است. او در ..... حافظ مغازه دارد. از هفته‌ی پیش، او صبح دیر به مغازه می‌رود و عصر زود برمی‌گردد. دوستانش فکر می‌کنند ..... بد شده است، به همین خاطر ..... هم ندارد. آقای امینی ..... لاغرتر می‌شود. به نظر دوستانش، آقای امینی مريض شده است. آن‌ها ..... هستند او را پیش دکتر ببرند یا نه. سرانجام، پس از یکی دو هفته آن‌ها می‌فهمند آقای امینی بیمار نبوده است. او در حال تعمیر خانه‌اش بوده است.

پیشوند در ابتدای کلمه قرار می‌گیرد. شما به کمک پیشوند می‌توانید معنای یک کلمه‌ی جدید را تشخیص دهید. مهم‌ترین پیشوندهای فارسی عبارتند از:

مثال	معنی	پیشوند
با هوش، با سلیقه، با شخصیت، با تجربه با ادب، با وفا	داشتن چیزی	با (+ اسم)
فرا ( + بن مضارع یا اسم یا صفت) عمومی شدن یا بالاتر بودن چیزی		
همسر، همسایه، همکار، همکلاسی، هم‌فکر	همکاری و اشتراک	هم (+ اسم)
بی‌ادب، بی‌کار، بی‌سلیقه، بی‌چاره، بی‌نیاز	نداشتن	بی (+ اسم)
نا‌المید، نا‌هموار، نایینا، ناشناس، ناخوانا	بدون	نا (+ اسم یا صفت یا بن مضارع)
نستجویی، نشسته، ندانسته، نترس، نچسب	بدون	ذ (+ صفت مفعولی یا بن فعل)

### پیشوند با:

با هوش: معمولاً آدم‌های با هوش برای حل یک مسئله به راه‌های مختلف فکر می‌کنند.

باسلیقه: زن‌های با سلیقه از کوچک‌ترین امکان برای بهتر شدن زندگی استفاده می‌کنند.

با شخصیت: همکار با شخصیت من همیشه آرام است، هیچ وقت عصبانی نمی‌شود و به همه احترام می‌گذارد.

باتجربه: جریان زندگی انسان را با تجربه می‌کند.

با ادب: بچه‌های با ادب به حرف بزرگ‌تر گوش می‌کنند.

### پیشوند فرا:

فراصوت: در پزشکی از دستگاه‌های فراصوت استفاده‌های گوناگونی می‌شود.

فراتجربی: تله‌پاتی یکی از علوم فراتجربی است.

فرابنفس: اشعه‌ی فرابنفس بالاتر از اشعه‌ی بنفس قرار دارد.

فراگیر: امروزه استفاده از شبکه‌ی اینترنت در سراسر دنیا فراگیر شده است.

## پیشوند هم:

- همکار: من بدون کمک همکارم کارهای اداره را انجام دادم.
- همسایه: با همکاری چند نفر از همسایه‌ها در کوچه‌مان با غچه‌ی زیبایی درست کردیم.
- همفکر: من برای حل مشکلاتم به یک هم‌فکر احتیاج دارم.
- همسر: اسم همسر علی زهره است.
- همکلاسی: آخر هفته با چند تا از همکلاسی‌ها به کوه می‌رویم.

## پیشوند بی:

- بی‌ادب: بچه‌ی بی‌ادب سر پدر و مادرش فریاد کشید.
- بیکار: جوان بیکار در پارک نشسته بود.
- بی‌سلیقه: آدم‌های بی‌سلیقه معمولاً زندگی نامنظم و شلوغی دارند.
- بیچاره: مرد بیچاره در بیمارستان جان سپرد.
- بینیاز: خواهرم همیشه فکر می‌کند بینیاز از کمک دیگران است.

## پیشوند ن:

- نامید: علی به علت از دست دادن شغلش از زندگی نامید شده است.
- ناهموار: رانندگی در راه‌های ناهموار سخت و دشوار است.
- نایينا: مرد نایینا نمی‌توانست به تنها یی از خیابان رد شود.
- ناشناس: دوستان خواهرم را نمی‌شناسم، آن‌ها برایم ناشناس هستند.
- ناخوانا: من نمی‌توانم خط ناخوانای برادرم را بخوانم.
- نسنجدیده: دیروز دوستم نسنجدیده حرفی زد و همه را ناراحت کرد.
- نشسته: سبزی خوردن و میوه‌ی نشسته باعث بیماری می‌شود.
- ندانسته: من ندانسته مرتکب اشتباه بزرگی شدم.
- نترس: عجب پسر نترسی! روی شاخه‌ی درخت ایستاده است.
- نچسب: ظرف‌های نچسب برای آشپزی راحت‌تر هستند.

## تمرین ۱

پاسخ پرسش‌های زیر را با استفاده از کلمه‌های مناسب کامل کنید.

۲. آیا غذا در این ظرف‌ها می‌چسبد؟  
- نه، این ظرف ..... است.
۳. آیا نرگس دختر باسلیقه‌ای است؟  
- نه، او دختری ..... است.
۴. آیا آن مرد می‌تواند بیند؟  
- نه، او ..... است.
۵. آیا میوه‌ها شسته هستند؟  
- نه، آن‌ها ..... هستند.
۶. آیا خط شما خوانا است؟  
- نه، خط من ..... است.

## تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با پیشوند مناسب کامل کنید.

با، فرا، ن، بی، نا، هم

۱. .... سایه‌ی تازه‌ای به ساختمان ما آمده است.
۲. سربازان شجاع و ..... ترس به دشمن حمله کردند.
۳. بچه‌ی ..... ادب به دیگران احترام نمی‌گذارد.
۴. معمولاً آدم‌های ..... امید زندگی را تلخ و سیاه می‌بینند.
۵. علاقه به تحصیلات دانشگاهی در میان جوانان ..... گیر شده است.
۶. سگ حیوانی ..... وفا است.

## تمرین ۳

به کمک فرهنگ لغت، معنی کلمه‌های زیر را بنویسید.

همسایه =	همکار = کسی است که با او کار می‌کنیم.
با شخصیت =	باتجربه =
همکلاسی =	فرآگیر =

## تمرین ۴

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

همسایه، بی‌نیاز، نستجیده، همفکر، نچسب، فراصوت، باهوش، ناشناس، بیچاره

۱. پزشکان به کمک دستگاه‌های ..... از سلامت کودک در شکم مادر آگاه می‌شوند.
۲. روزهای اول تمام همکاران اداره برایم ..... بودند.
۳. گاهی اوقات یک سخن ..... می‌تواند مشکلات بزرگی به وجود بیاورد.
۴. انسان در لحظات مختلفی از زندگی به یک ..... احتیاج دارد.
۵. هیچ انسانی نیست که ..... از انسان‌های دیگر باشد.
۶. آدمهای ..... مسائل را بهتر حل می‌کنند.
۷. بچه‌ی ..... خیلی سر و صدا می‌کند. از دست او خواب نداریم.
۸. مادر غذای خوشمزه‌ای در ظرف ..... درست کرد.
۹. مرد ..... گوشی خیابان خوابیده است.

## تمرین ۵

جای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

با شخصیت، نستجیده، همکار، همکلاس، بیکار، ناخوانا، ندانسته، بالادب، همسایه‌ی، بی‌سلیقه

آقای امینی و آقای کریمی در یک اداره ..... هستند. آقای امینی انسانی مسئول و ..... خوش‌رفتار و ..... است. او مردی متین و ..... است و ..... سخن چیزی نمی‌گوید. اما آقای کریمی مردی نامنظم و ..... است. زیاد و ..... سخن می‌گوید. معمولاً با خطی ..... روی میزش این یاداشت را می‌گذارد: تا چند دقیقه‌ی دیگر بر می‌گردم. اما او در راهروهای اداره ..... می‌گردد. آقای امینی و کریمی در گذشته در یک مدرسه ..... بوده‌اند و حالا هم در یک محله ..... یکدیگرند.

# فعال‌های پیشوندی

گوینده

فعال‌های پیشوندی از یک پیشوند و یک فعل ساده تشکیل شده‌اند و معنای جدیدی دارند. مهمترین فعل‌های پیشوندی زبان فارسی عبارتند از:

مثال	معنی	فعل پیشوندی
برخاستن، برگزیدن، برداشت، برآوردن	رو، بالا	بر + فعل
ورآمدن، وررفتن	رو، بالا	ور + فعل
درماندن، دریافتن، درگذشتن، درآوردن	داخل، درون	در + فعل
بازگشتن، بازیافتن، بازفرستادن، بازایستادن	دوباره، تکرار	باز + فعل
وارفتن، واماندن، واداشتن	دوباره، تکرار	وا + فعل
فرورفتن، فروریختن، فروکردن، فروبردن	داخل، درون	فرو + فعل
فراخواندن، فرارسیدن، فراگرفتن	پیش، طرف	فرا + فعل

## بر + فعل:

- برخاستن: مهمان‌ها به احترام پدربزرگ از جا برخاستند (= بلند شدند).
- برگزیدن: مردم نمایندگان خود را در روز رأی‌گیری بر می‌گزینند (= انتخاب می‌کنند).
- برداشت: علی کتاب را از روی میز برداشت (= بلند کرد).
- برآوردن: آن‌ها نمی‌توانند نیازهای شما را برآورند (= انجام بدھند).

## ور + فعل:

- ورآمدن: پس از آن که خمیر (= پف کرد)، مادر شیرینی درست کرد.
- وررفتن: سعید دائماً با اسباب و وسائل خانه ورمی‌رود (= آن‌ها را دست‌کاری می‌کند).

## در + فعل:

- درماندن: دوستم در میان انبوهی از مشکلات درمانده است (= گیرافتاده است).
- درآوردن: کستان را درآورید (= بیرون بیاورید) و این جا آویزان کنید.

دریافتن: تازه دیروز بود که رنج و اندوه او را دریافت (= فهمیدم).

درگذشتن: پدر دوستم هفته‌ی گذشته درگذشت (= مرد).

### باز + فعل:

بازگشتن: خواهرم پس از سال‌ها دوری از وطن به کشورش بازگشت (= دوباره آمد).

بازیافتن: پس از مدت‌ها دوست دوران جوانی‌ام را بازیافت (= دوباره پیدا کردم).

بازفرستادن: پستچی نامه‌ای را اشتباه آورده بود، آن را به اداره‌ی پست بازفرستادم (= دوباره برگرداندم).

بازایستادن: کارگرهای کارخانه از ادامه‌ی کار باز ایستادند (= توقف کردند).

### وا + فعل:

وارفتن: وقتی که به خانه رسیدم از خستگی وارفت (= شل شدم و افتادم).

واماندن: مرد بیمار از شدّت خستگی و ضعف وامانده بود (= توانایی نداشت).

واداشتن: رئیس کارگرهاش را به کار اضافه وامی داشت (= مجبور می‌کرد).

### فرو + فعل:

فرو ریختن: اغلب ساختمان‌های شهر بر اثر زمین‌لرزه فرو ریخت (= ویران شد).

فرو کردن: حسین میخ را در دیوار فرو کرد (= داخل کرد).

فرو بردن: من سرم را در آب فرو بردم (= داخل کردم).

فرو رفتن: زن ساعت‌ها بود که در فکر و خیال فرو رفته بود (= غرق شده بود).

### فرا + فعل:

فرا رسیدن: بهار با تمام زیبایی‌هاش به زودی فرامی‌رسد (= آغاز می‌شود).

فرا گرفتن: بر اثر سیل آب همه جا را فرا گرفت (= اشغال کرد).

فرا خواندن: رئیس دانشکده دانشجویان را فرا خواند (= صدا کرد) تا با آن‌ها درباره‌ی قوانین جدید سخن بگویید.

## تمرین ۱

جای خالی جمله‌های زیر را با پیشوند مناسب کامل کنید.

فرا، فرو، وا، باز، در، ور، بر

۱. پرنده‌ها با شروع فصل گرما از کوچ ..... گشتند.

۲. از روی میز چند تا میوه ..... دارید.

۳. شهرام با ناراحتی سرش را در میان دست‌هایش ..... برد.

۴. پیرمرد بیمار در بیمارستان ..... گذشت.

۵. با ..... رسیدن فصل بهار، دوباره همه جا پر از گل و سبزه می‌شود.

۶. خواهرم من را به کاری ..... داشت که اصلاً دوست نداشت.

۷. نانوا پس از ..... آمدن خمیر مشغول پختن نان شد.

## تمرین ۲

دور فعل صحیح خط بکشید.

۱. مادرم پس از یک هفته از سفر برگشت/برخاست.

۲. کامران هر روز عصر با ماشینش ورمی‌رود/ورمی‌آید.

۳. اطراف زمین را هوا فرا رسیده است/فرا گرفته است.

۴. دانشجویان نماینده‌ی خود را برای گفتگو با رئیس دانشکده برآوردند/برگزیدند.

۵. مجید از رفتار زشت دوستش واماند/وارفت.

۶. سد بزرگ شهر بر اثر سیل فرو ریخت/فرو رفت.

۷. آموزگار شاگرد را به پای تخته فراگرفت/فراخواند.

## تمرین ۳

با مراجعه به یک فرهنگ فارسی، معنی فعل‌های زیر را بنویسید.

۱. فرو ریختن = ..... ۴. ورآمدن = .....

۲. برخاستن = ..... ۵. بازگشتن = .....

۳. واداشتن = ..... ۶. درگذشتن = .....

## تمرین ۴

با مراجعه به یک فرهنگ فارسی، برای هر یک از فعل‌های زیر دست کم یک معنای متقاوت پیدا کنید.

۱. دریافت = .....

۲. فراگرفتن = .....

۳. واماندن = .....

۴. وارفتن = .....

## تمرین ۵

جاهای خالی متن زیر را با فعل‌های مناسب پر کنید.

فراگرفته بود، برداشتند، درآمد، دریافتند، فروشنشانند، بازگشتند، برخاستند، برمیخاست، برگشتند

فروریخت، فراخواند

زنگ خطر به صدا ..... کارخانه‌ی بزرگی آتش گرفته بود. آتش‌نشان‌ها به سرعت .....  
و به طرف ماشین‌هایشان دویدند. وقتی به محل حادثه رسیدند ..... که با آتش‌سوزی بزرگی  
روبه رو هستند. دود زیادی به هوا ..... شعله‌های آتش همه جای ساختمان را .....  
فرمانده نیروهای کمکی یک ایستگاه آتش‌نشانی دیگر را ..... دو نفر از مأمورها تبر و کپسول  
اطفای حریق ..... و به داخل ساختمان رفتند.

در این هنگام، سقف کارخانه ..... اما خوشبختانه، چند دقیقه بعد مأمورها با چهار نفر از  
کارگرها ..... بقیه‌ی آتش‌نشان‌ها تلاش می‌کردند شعله‌های آتش را .....  
سرانجام، پس از گذشت ساعتی، عملیات خاتمه یافت و آتش‌نشان‌ها به ایستگاه خود

ضمیمه

---

اعداد

واژه‌نامه

پاسخ‌نامه

# اعداد

## ۱. اعداد یک رقمی و دو رقمی

۶	شش	۱	یک
۷	هفت	۲	دو
۸	هشت	۳	سه
۹	نه	۴	چهار
۰	صفر	۵	پنج

۸۰	هشتاد	۵۰	پنجاه	۱۹	نوزده	۱۰	ده
۸۱	هشتاد و یک	۵۱	پنجاه و یک	۲۰	بیست	۱۱	یازده
۸۲	هشتاد و دو	۵۲	پنجاه و دو	۲۱	بیست و یک	۱۲	دوازده
۹۰		۶۰	نود	۳۰		۱۳	سیزده
۹۱		۶۱	شصت و یک	۳۱	سی و یک	۱۴	چهارده
۹۲		۶۲	شصت و دو	۳۲	سی و دو	۱۵	پانزده
		۷۰	هفتاد	۴۰	چهل	۱۶	شانزده
		۷۱	هفتاد و یک	۴۱	چهل و یک	۱۷	هفده
		۷۲	هفتاد و دو	۴۲	چهل و دو	۱۸	هجده

## ۲. اعداد سه رقمی

۱۲۸	صد و بیست و هشت	۷۰۰	هفتصد	۴۰۰	چهارصد	۱۰۰	صد
۹۰۴	نه صد و چهار	۸۰۰	هشتصد	۵۰۰	پانصد	۲۰۰	دویست
		۹۰۰	نه صد	۶۰۰	ششصد	۳۰۰	سیصد

## ۳. اعداد چهار رقمی و بزرگ تر

۷۰۰۰	هفت هزار	۴۰۰۰	چهار هزار	۱۰۰۰	هزار
۸۰۰۰	هشت هزار	۵۰۰۰	پنج هزار	۲۰۰۰	دو هزار
۹۰۰۰	نه هزار	۶۰۰۰	شش هزار	۳۰۰۰	سه هزار

۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰

یک میلیارد

۲۰۰۰/۰۰۰

دو میلیون

۱۰۰۰/۰۰۰

میلیون

# واژه‌نامه

درس اول

saqf	سقف	maskan	مسکن
širvāni	شیروانی	āpartemān	آپارتمان
boxāri	بخاری	vilā	ویلا
ābgarmkon	آبگرمکن	kolbe	کلبه
kuler	کولر	borj	برج
panke	پنکه	dudkeš	دودکش
bālkon	بالکن	dar	در
bādbezan	بادبزن	panjare	پنجره
šomāli	شمالي	ānten	آتن
jonubi	جنوبی	šiše	شیشه
āftābgir	آفتابگیر	sotun	ستون
jādār	جادار	divār	دیوار
yekxābe	یک خوابه	āsānsor	آسانسور
doxābe	دو خوابه	pellekān	پلکان
ājor	اجر	pārkīng	پارکینگ
درس دوم		anbāri	انباری
kābinet	کابینت	šufāž	شوفار
ojāq-e gāz	اجاق گاز	šufāžxāne	شوفارخانه
fer	فر	šomine	شومینه
jāzarfi	جاظرفی	hayāt	حیاط
zarfšuy-i	ظرفشویی	bāqče	باغچه
šir-e āb	شیر آب	howz	حوض
māye'-e zarfšuy-i	مایع ظرفشویی	favvāre	فوواره
yaxčāl firizer	یخچال فریزر	vilā-yi	ویلایی

qandān	قندان	ābmive giri	آبمیوه‌گیری
supxori	سوپ خوری	čarx-e gušt	چرخ‌گشت
satl-e āšqāl	سلط آشغال	maxlutkon	مخلوط‌کن
māsin-e lebāssuy-i	ماشین لباس‌شویی	polopaz	پلوپز
	درس سوم	zudpaz	زودپز
qāb-e aks	قاب عکس	quri	قری
sā'at	ساعت	ketri	کتری
kelid	کلید	māhitābe	ماهی‌تابه
mobl-e rāhati	مبل راحتی	qāblame	قابل‌مه
televizyun	تلوزیون	kārd	کارد
rādyozabt	رادیو ضبط	rande	رنده
video	ویدئو	kafgir	کفگیر
parde	پرده	malāqe	ملاقه
periz	پریز	guštkub	گوشت‌کوب
muket	موکت	ābkeš	آبکش
miz	میز	qāšoq	قاشق
otāq-e pazirā-yi	اتاق پذیرایی	čangāl	چنگال
farš	فرش	čāqu	چاقو
tāblo	تابلو	bošqāb	بش CAB
miz-e nāhārxori	میز ناهارخوری	kāse	کاسه
rumizi	رومیزی	livān	لیوان
goldān	گلدان	pārč	پارچ
bufē	بوفه	namakdān	نمکدان
vitrin	ویترین	estekān	استکان
miz-e asali	میز عسلی	fenjān va nalbeki	فنجان و نعلبکی
luster	لوستر	dis	دیس

rutaxti	رو تختی	duš	دوش
malāfe	ملافه	hammām	حمام
patu	پتو	howle	حوله
bāleš	بالش	jālebāsi	جالباسی
tošak	تشک	sābun	صابون
dastšuy-i	دست شویی	lif	لیف
vān	وان	šāmpu	شامپو
درس چهارم		tiq	تیغ
xānevāde	خانواده	rištaraš	ریش تراش
zan	زن	xamir-e riš	خمیر ریش
šowhar	شوهر	xamir-e dandān	خمیر دندان
farzand	فرزند	mesvāk	مسواک
doxtar	دختر	nax-e dandān	نخ دندان
pesan	پسر	howle-ye kāqazi	حوله‌ی کاغذی
mādar	مادر	dastšuy-i-ye sonnati	دست شویی ستی
pedar	پدر	dastšuy-i-ye farangi	دست شویی فرنگی
xāhar	خواهر	otāq-e xāb	اتاق خواب
barādar	برادر	pātaxti	پاتختی
pedarbozorg	پدر بزرگ	čerāq-e xāb	چراغ خواب
mādarbozorg	مادر بزرگ	derāver	دراور
nave	نوه	kešo	کشو
arus	عروس	āyne	آینه
pedaršowhar	پدر شوهر	šāne	شانه
mādaršowhar	مادر شوهر	bores	برس
xišāvandān	خویشاوندان	sešuwār	سشور
dāmād	داماد	komode-e divāri	کمد دیواری

mesvāk kardan	مسواک کردن	amme	عمّة
pušidan	پوشیدن	xāharšowhar	خواهرشوهر
āmāde kardan	آماده کردن	bāradarzāde	برادرزاده
xordan	خوردن	xāle	حالة
şostan	شستن	xāharzan	خواهرزن
eslāh kardan	اصلاح کردن	xāharzāde	خواهرززاده
rowšan kardan	روشن کردن	dāyi	دایی
guš kardan	گوش کردن	barādarzan	برادرزن
sar-e kār raftan	سرکار رفتن	amu	عمو
sohbat kardan	صحبت کردن	şowhar amme	شوهر عّمه
salām aleyk kardan	سلام علیک کردن	barādarşowhar	برادرشوهر
savār-e otobus şodan	سوار اتوبوس شدن	şowhar xāle	شوهر حاله
az otobus piyāde şodan	از اتوبوس پیاده شدن	doxtar amu	دختر عمو
xodāhāfezi kardan	خداحافظی کردن	pesar amu	پسر عمو
xarid kardan	خرید کردن	doxtar dāyi	دختر دایی
xārej şodan	خارج شدن	pesar dāyi	پسر دایی
gadam zadan	قدم زدن	doxtar xāle	دختر حاله
esterāhat kardan	استراحت کردن	pesar xāle	پسر حاله
be rādyo guš kardan	به رادیو گوش کردن	doxtar amme	دختر عّمه
televizyun tamāşa kardan	تلوزیون تماشا کردن	pesan amme	پسر عّمه
gaza dorost kardan	غذا درست کردن	pedarzan	پدرزن
telefon kardan	تلفن کردن	madārzan	مادرزن
ruznāme xāndan	روزنامه خواندن		درس پنجم
zarf şostan	ظرف شستن	bidārşodan	بیدار شدن
jāru kardan	جارو کردن	morattab kardan	مرتب کردن
da'vat kardan	دعوت کردن	varzeš kardan	ورزش کردن

qavi	قوی	otu kardan	اتوکردن
xošhāl	خوشحال	rang kardan	رنگ کردن
nārāhat	ناراحت	ta'mir kardan	تعمیر کردن
Lāqar	لاغر	oftādan	افتدن
sālem	سالم	duxtan	دوختن
čāq	چاق		درس ششم
qadkutāh	قدکوتاه	be ham rixte	به هم ریخته
tamiz	تمیز	xošk kardan	خشک کردن
kasif	کثیف	kār nakardan	کار نکردن
xandān	خندان	terekidan	ترکیدن
geryān	گریان	šekastan	شکستن
kohne	کنه	boridan	بریدن
now	نو	suxtan	سوختن
tārik	تاریک	az xāb paridan	از خواب پریدن
rowšan	روشن	tasādof kardan	تصادف کردن
arzān	ارزان	gir kardan	گیر کردن
gerān	گران	sor xordan	سرخوردن
javān	جوان	pančar šodan	پنچرشدن
pir	پیر	xarāb sōdan	خراب شدن
šolug	شلوغ	lāy-e dar māndan	لای در ماندن
sabz	سبز	qat' budan	قطع بودن
zard	زرد	xāmus šodan	خاموش شدن
qermez	قرمز		درس هفتم
xāmuš	خاموش	xākqestari	خاکستری
siyāh	سیاه	qahve'i	قهوه ای
sefid	سفید	qād boland	قدبلند

	درس هشتم	nārenji	نارنجی
šahr	شهر	banafš	بنفس
xiyābān	خیابان	ābi	آبی
kuče	کوچه	kerem	کرم
bonbast	بنبست	sorme'i	سورمه‌ای
savārero	سواره‌رو	dorošt	درشت
piyādero	پیاده‌رو	riz	ریز
xat-e āber-e piyāde	خط عابر پیاده	talx	تلخ
polis	پلیس	širin	شیرین
telefon-e omumi	تلفن عمومی	bozorg	بزرگ
sanduq-e post	صندوق پست	kučak	کوچک
bulvār	بلوار	bimār	بیمار
meydān	میدان	xāb	خواب
maqāze	معازه	bidār	بیدار
forušgāh	فروشگاه	por	پر
pomp-e benzin	پمپ بنزین	xāli	حالی
bozorgrāh	بزرگراه	gorosne	گرسنه
pol-e havā-yi	پل هوایی	sir	سیر
bā enzebāt	بانضباط	qavi	قوى
moqarrarāti	مقرراتی	xošk	خشک
čahār rāh	چهار راه	za'if	ضعیف
čerāq-e rāhnāma-yi	چراغ راهنمایی	xis	خیس
terāfik	ترافیک	boland	بلند
afsar	افسر	kutāh	کوتاه
polis-e rāhnamā-yi va rānandegi	پلیس راهنمایی و رانندگی	bārik	باریک
raft-o-āmad	رفت و آمد	pahn	پهن

sinamā	سینما	istgāh-e otobus	ایستگاه اتوبوس
te'atr	تئاتر	sebqat gereftan mamnu'	سبقت گرفتن ممنوع
šahr-e bāzi	شهر بازی	xiyābān-e yektarafe	خیابان یک طرفه
pārk	پارک	pārk kardan mamnu'	پارک کردن ممنوع
ātašnešani	آتش نشانی	istgāh-e tāksi	ایستگاه تاکسی
helikopter-e emdād	هلیکوپتر امداد	buqzadan mamnu'	بوق زدن ممنوع
uržāns-e pezeški	ارژانس پزشکی	obur mamnu'	عبور ممنوع
sāzmān	سازمان	istgāh-e metro	ایستگاه مترو
dabestān	دبستان	mahall-e obur-e dočarxe savār	محل عبور دوچرخه سوار
dabirestān	دبیرستان	serāhi	سه راهی
dānešgāh	دانشگاه	nabš	نبش
varzešgāh	ورزشگاه		درس نهم
muze	موزه	dāruxane	داروخانه
ketābxāne	کتابخانه	miveforuši	میوه فروشی
šahrdāri	شهرداری	ketābforuši	کتاب فروشی
dādgāh	دادگاه	asbābbāziforuši	اسباب بازی فروشی
kalāntari	کلانتری	golforuši	گل فروشی
	درس دهم	šišebori	شیشه بری
kārmānd	کارمند	xoškshuy-i	خشک شویی
kāregar	کارگر	ārāyesgāh	آرایشگاه
pezešk	پزشک	nānvā-yi	نانوایی
mohandes	مهندس	Forušgāh-e lavāzem-e elektiriki	فروشگاه لوازم الکتریکی
monši	منشی	xarrāzi	خراسی
xalabān	خلبان	bānk	بانک
vakil	وکیل	edāre	اداره
parastār	پرستار	mo'assese	مؤسسه

	قطار	āmuzegār	آموزگار
	هوایپما	ostād	استاد
	تاكسي	bāqbān	باغبان
	دوچرخه	kešāvarz	کشاورز
metro	مترو	forušande	فروشندہ
qāyeq	قایق	zargar	زرگر
kašti	کشتی	miveforuš	میوه فروش
helikopter	هلیکوپتر	sabziforuš	سبزی فروش
kāmyun	کامیون	ketābforuš	کتاب فروش
vānet	وان	golforuš	گل فروش
motorsiklet	موتور سیکلت	ruznāmeforuš	روزنامه فروش
raft-o-bargašt	رفت و برگشت	xosusi	خصوصی
vasāyel-e nagleyye	وسایل نقلیه	kārkardan	کار کردن
vāgon	واگن	este'fā kardan	استعفا کردن
parvāz kardan	پرواز کردن	mahārat	مهارت
kupe	کوپه	taxassos	تخصص
jābejā kardan	جابه جا کردن	mašqul be kār šodan	مشغول به کار شدن
rāhāhan	راه آهن	tamām vaqt	تمام وقت
rānandegi kardan	رانندگی کردن	hoquq	حقوق
pomp-e benzin	پمپ بنزین	ezāfekār	اضافه کار
benzin zadan	بنزین زدن	mazāyā	مزایا
sebqat gereftan	سبقت گرفتن	pādaš	پاداش
pārk kardan	پارک کردن		درس یازدهم
virāž dadan	ویراژ دادن	otomobil	اتومبیل
qeyr-e mojāz	غیر مجاز	otobus	اتوبوس
	درس دوازدهم	minibus	مینی بوس

surat hesāb	صورت حساب	Riyāl	ريال
	درس سیزدهم	tumān	تومان
futbāl	فوتبال	eskenās	اسکناس
vālibāl	والیبال	sekke	سکه
basketbāl	بسکتبال	daftarče-ye bānki	دفترچه‌ی بانکی
badminton	بدمیتون	emzā	امضا
tenis	تنیس	mojudi-ye hesāb	موجودی حساب
tenis-e ru-ye miz	تنیس روی میز	sāheb-e hesāb	صاحب حساب
golf	گلف	šomāre-ye hesāb	شماره‌ی حساب
čowgān	چوگان	hesāb-e pasandāz	حساب پسانداز
handbāl	هندبال	bāz kardan	بازکردن
vāterpolo	واترپلو	mablaq	مبلغ
šenā	شنا	be hesāb-e xod rixtan	به حساب خود ریختن
koštī	کشتی	az hesāb bardāštan	از حساب برداشتن
vaznebardāri	وزنهبرداری	āber bānk	عابربانک
badansāzi	بدنسازی	ajnās	اجناس
kārāte	کاراته	moštari	مشتری
do	دو	barčasb-e kālā	برچسب کالا
pareš	پرش	forušande	فروشنده
tirandāzi	تیراندازی	sanduqdār	صندوقدار
moštzani	مشتزنی	taxfif	تحفیف
eski	اسکی	zarar nakardan	ضرر نکردن
asbsavāri	اسب سواری	sud	سود
qāyeqrāni	قایقرانی	hesāb kardan	حساب کردن
dočarxesavāri	دوچرخه سواری	pardāxtan	پرداختن
kuhnavardi	کوهنوردی	xarid kardan	خرید کردن

## درس چهاردهم

	شمشیربازی
mu	مو varzeškār ورزشکار
pišāni	پیشانی herfe'i حرفة‌ای
guš	گوش mosābeqe مسابقه
češm	چشم dāvar داور
abru	ابرو varzešgāh ورزشگاه
dahān	دهان tamāšāči تماشاجی
lab	لب bāzikon بازیکن
može	مرзه harif حریف
pelk	پلک šekast dādan شکستدادن
lop	لپ barande برنده
bini	بینی bāzande بازنده
dandān	دندان darvāzebān دروازه‌بان
gardan	گردن dārvaze دروازه
ketf	کتف futbālist فوتبالیست
sine	سینه šenāgar شناگر
bālātane	بالاتنه tenisbāz تنیس‌باز
dast	دست eskibāz اسکی‌باز
pā' intane	پایین‌تنه kuhnavard کوهنورد
bāzu	بازو koštigir کشتی‌گیر
ārenj	آرنج vaznebardār وزنه‌بردار
sā 'd	ساعد davande دونده
moč	مچ dočarxesavār دوچرخه‌سوار
kaf-e dast	کف‌دست asbsavār اسب‌سوار
angoštān	انگشتان šamširbāz شمشیرباز
nāxon	ناخن tirandāz تیرانداز

pahn	پهن	Pahlu	پهلو
kufte'i	کوفته‌ای	kamar	کمر
gerd	گرد	šekam	شکم
qalami	قلمی	bāsan	باسن
keşide	کشیده	pā	پا
pax	پخ	rān	ران
fer	فر	zānu	زانو
zardpust	زردپوست	sāq	ساق
moja 'ad	مجعد	moč	مج
sefidpust	سفیدپوست	kaf-e pā	کف‌پا
sāf	صاف	pāšne	پاشنه
siyāhpust	سیاهپوست	xošeykal	خوش‌هیکل
qeytāni	قیطانی	xošandām	خوش‌اندام
sorxpust	سرخپوست	čāq	چاق
peyvaste	پیوسته	biqavāre	بی‌قواره
kamāni	کمانی	qadboland	قدبلند
bādāmi	بادامی	bārik	باریک
درس شانزدهم		lāqar	لاغر
rusari	روسربی	ostoxāni	استخوانی
dāman	دامن	čāhāršāne	چهارشانه
pirāhan	پیراهن	qadkutāh	قدکوتاہ
kot	کت	topol	تپل
jurāb	جوراب	šekamgonde	شکم‌گنده
jib	جیب	guštālu	گوشتلوا
dokme	دکمه	tanumand	تنومند
zip	زیپ		درس پانزدهم

xāme	خامه	jādokme	جادکمه
qallāt	غلات	mānto	مانتو
berenj	برنج	maqna' e	مقنعه
gandom	گندم	čādor	چادر
jow	جو	šalvār	شلوار
zorrat	ذرت	jeliqe	جلیقه
hobubāt	حبوبات	kerevāt	کروات
lubya	لوبیا	kolāh	کلاه
adas	عدس	kafš	کفش
noxod	نخود	jin	جين
lappe	لپه	tišert	تى شرت
morq	مرغ	katāni	كتانى
māhi	ماھی	boluz	بلوز
meygu	میگو	čakme	چکمه
sangak	سنگى	pālto	پالتو
barbari	بربرى	kāpšan	کاپشن
tāftun	تافتون	bārāni	بارانى
lavāš	لواش	overkot	اورکت
bāget	باگت	putin	پوتین
tabx	طبخ	žākat	ژاكت
sorx kardan	سرخ کردن	šālgardan	شال گردن
āb paz kardan	آب پز کردن	dastkeš	دستکش
boxār paz kardan	بخار پز کردن		درس هفدهم
kabāb kardan	کباب کردن	labaniyyāt	لبنيات
zā'eqe	ذائقه	kare	کره
čarb	چرب	panir	پنیر

češmpezešk	چشمپزشک	rowqan	روغن
sarmā xordan	سرماخوردن	hazm šodan	هضم شدن
atse	عطسه	poxte	پخته
sorfe kardan	سرفه کردن	xošmaze	خوشمزه
dard kardan	درد کردن	ābpaz	آب پز
ābrizeš	آبریزش	laziz	لذیذ
ānfolānzā gereftan	آنفلوآنزا گرفتن	boxār paz	بخار پز
tab	تب	sobhāne	صبحانه
badan dard	بدن درد	nāhār	ناهار
hassāsiyyat	حساسیت	asrāne	عصرانه
mānde	مانده	šām	شام
tahavvo'	تهوع	morabbā	مربا
eshāl	اسهال	asal	عسل
masmum šodan	مسوم شدن	xord kardan	خرد کردن
sardard	سردرد	poxtan	پختن
dandān pezeški	دندان پزشکی		درس هجدهم
zaxmi	زخمی	bimār	بیمار
xun āmadan	خون آمدن	pezešk	پزشک
mo'āyene kardan	معاینه کردن	dāru	دارو
bāndpiči kardan	باند پیچی کردن	parastār	پرستار
nosxe	نسخه	dāruxāne	داروخانه
tajviz kardan	تجویز کردن	darmāngāh	درمانگاه
āmpul	آمپول	bimārestān	بیمارستان
tazriq kardan	تزریق کردن	āmbulāns	آمبولانس
qors	قرص	daraje	درجہ
pomād	پماد	dandānpezešk	دندان پزشک

boz	بز	kapsul	کپسول
šir	شیر	mālidan	مالیدن
čarm	چرم	qatre	قطره
pašm	پشم	čekāndan	چکاندن
korre	کرہ	šarbat	شربت
gusāle	گو سالہ		درس نوزدهم
barre	برہ	olāq	الاغ
juje	جو جہ	som	سم
bozqāle	بز غالہ	morq	مرغ
vahši	وحشی	šāx	شاخ
gorg	گرگ	xorus	خر وس
rubāh	رو باہ	yāl	یال
kaftār	کفتار	ordak	اردک
gorāz	گراز	tāj	تاج
gurexar	گور خر	qāz	غاز
meymun	میمون	dom	دم
babr	ببر	buqalamun	بو قلمون
zarrafe	زرافہ	puze	پوزہ
šir	شیر	gusfand	گوسفند
xers	خرس	bi'āzār	بی آزار
palang	پلنگ	gāv	گاو
halazun	حلزون	mofid	مفید
kerm-e xāki	کرم خاکی	xuk	خوک
ankabut	عنکبوت	asb	اسب
muš	موش	xarguš	خر گوش
kalāq	کلاغ	ahli	اہلی

mowz	موز	gorbe	گربه
xiyār	خیار	gonješk	گنجشک
rivās	ریواس	kabutar	کبوتر
kangar	کنگر		درس بیستم
bāmye	بامیه	tut	توت
havij	هویج	tut-farangi	توت فرنگی
šalqam	شلغم	goje sabz	گوجه سبز
lubyāsabz	لوبیا سبز	golābi	گلابی
sibzamini	سیب زمینی	angur	انگور
gol-e kalam	گل کلم	holu	هلو
sir	سیر	gilās	گیلاس
noxodfarangi	نخدو فرنگی	anjir	انجیر
čoqondar	چغندر	tālebi	طالبی
bādemjān	بادمجان	hendevāne	هندوانه
kadu	کدو	xarboze	خربزه
felfel-e dolme-yi	فلفل دلمه‌ای	xormalo	خرمالو
qārč	قارچ	kivi	کیوی
kaduhalvā-yi	کدو حلوایی	xormā	خرما
tarefarangi	تره فرنگی	anār	انار
felfelsabz	فلفل سبز	balut	بلوط
gojefarangi	گوجه فرنگی	porteqāl	پرتغال
piyāz	پیاز	nārengi	نارنگی
kalampič	کلم پیچ	giripforut	گریپ فورت
ja'fari	جعفری	limu	لیمو
šanbelile	شنبلیله	azgil	ازگیل
geşniz	گشنیز	sib	سیب

yās	یاس	tare	تره
parvareš dādan	پرورش دادن	ševid	شوید
golforuš	گل فروش	sabzi-ye xordan	سبزی خوردن
čidan	چیدن	reyhān	ريحان
dastegol	دسته گل	šāhi	شاهى
pažmorde šodan	پژمرده شدن	torobče	تربچه
riše	ريشه	piyāzče	پيازچه
šāxe	شاخه	tarxun	ترخون
tane	تنه	marze	مرزه
šokufe	شكوفه	na'na'	نعمان
naxl	نخل		درس بیست و یکم
bid	بید	roz	رز
nārvan	نارون	barg	برگ
čenār	چنار	lāle	لاله
kāj	كاج	qonče	غنجه
sarv	سرپر	sonbol	سنبل
deraxtkāri	درخت کاری	sāqe	ساقه
nahāl	نهال	zanbaq	زنبق
درس بیست و دوم		morvārid	مروارید
qolle	قله	mixak	میخک
kuh	کوه	banafše	بنفسه
saxre	صخره	minā	مينا
tappe	تپه	dāvudi	داوودى
dāmane	دامنه	narges	نرگس
sang	سنگ	šam'dāni	شمعدانى
xāk	خاک	bāq-e gol	باغ گل

juybār	جویبار	kuhpāye	کوهپایه
daryā	دریا	darre	دره
bātlāq	باتلاق	māse	ماسه
mordāb	مرداب	kuhestān	کوهستان
tange	تنگه	reštekuh	رشته کوه
ābšār	آبشار	biyabān	بیابان
sāhel	ساحل	dašt	دشت
jazr	جزر	jangal	جنگل
mad	مد	biše	بیشه
mowj	موج	jazire	جزیره
bārān	باران	deraxtče	درختچه
barf	برف	bute	بوته
tagarg	تگرگ	šebbejazire	شبہ جزیرہ
meh	مه	tufan	توفان
yax	یخ	gerdbād	گردباد
barq	برق	seyl	سیل
kulāk	کولای	bahman	بھمن
nasim	نسیم	ātašfešān	آتششان
vazidan	وزیدن	zaminlarze	زمین لرزه
pušāndan	پوشاندن	xošksāli	خشکسالی
namnam	نم نم		درس بیست و سوم
barq zadan	برق زدن	cešme	چشمہ
ragbār	رگبار	rud	رود
ranginkamān	رنگین کمان	daryāče	دریاچه
ra'd	رعد	xalij	خلیج
درس بیست و چهارم		oqyānus	اقیانوس

tir	تیر	sā'at	ساعت
mordād	مرداد	daqiqe	دقیقه
šahrivar	شهریور	sāniye	ثانیه
mehr	مهر	rob'	ربع
ābān	آبان	nim	نیم
āzar	آذر	šabāneruz	شبانه روز
dey	دی	tolu'	طلوع
bahman	بهمن	qorub	غروب
esfand	اسفند	ruz	روز
dahē	دهه	sab	شب
sade	سده	hafte	هفته
hezāre	هزاره	šanbe	شنبه
emruz	امروز	yekšanbe	یکشنبه
diruz	دیروز	došanbe	دوشنبه
pariruz	پریروز	sešanbe	سه شنبه
fardā	فردا	čahāršanbe	چهارشنبه
pasfardā	پس فردا	panjšanbe	پنجشنبه
emšab	امشب	jom'e	جمعه
dišab	دیشب	fasl	فصل
parišab	پریشب	bahār	بهار
fardāšab	فرداشب	tābestān	تابستان
pasfardāšab	پس فرداشب	pā'iz	پاییز
emsāl	امسال	zemestān	زمستان
parsāl	پارسال	farvardin	فروروردین
pirārsāl	پیرارسال	ordibehešt	اردیبهشت
درس بیست و پنجم		xordād	خرداد

raftār	رفتار	pasvand	پسوند
pāye	پایه	parastār	پرستار
xānā	خوانا	āzmāyešgāh	آزمایشگاه
servatmand	ثروتمند	dehkade	دهکده
parhizgār	پرهیزگار	ātaškade	آتشکده
omidvār	امیدوار	keštzār	کشتزار
tarsnāk	ترسناک	naxlestān	نخلستان
axmu	اخمو	ebādatgāh	عبادتگاه
xandān	خندان	āmuzegār	آموزگار
doxtarāne	دخترانه	savārkār	سوارکار
asabāni	عصباني	gozārešgar	گزارشگر
noqre'i	نقره‌ای	šalizār	شالیزار
درس بیست و هفتم		istgāh	ایستگاه
morakkab	مرکب	dāneškade	دانشکده
sarbāzxāne	سربازخانه		درس بیست و ششم
Kārnām	کارنامه	gardeš	گردش
xošbaxt	خوشبخت	xarābi	خرابی
zabānderāz	زباندراز	āsāyeš	آسايش
maqāzedār	معازه‌دار	rizeš	ریزش
zudgozar	زودگذر	boxāri	بخاری
dastmozd	دستمزد	ketābforuši	کتابفروشی
gardanband	گردن‌بند	goftār	گفتار
nowjāvan	نوچوان	didār	دیدار
porhowsele	پرحاصله	bāqče	باغچه
xošaxlāq	خوش‌اخلاق	javāne	جوانه
tangdast	تنگ‌دست	daftarče	دفترچه

qadam be qadam	قدم به قدم	gardankoloft	گردن کلفت
ruz be ruz	روز به روز	pāberehne	پابرنه
sar tā sar	سر تا سر	nāmeresān	نامه رسان
dar be dar	در به در	zabānāmus	زبان آموز
dast be sine	دست به سینه	dāneš ju	دانشجو
sar be rāh	سر به راه	doruqgu	دروغکو
guš be zang	گوش به زنگ	nowāmuz	نوآموز
surāx surāx	سوراخ سوراخ	xošnevis	خوش نویس
rāh rāh	راه راه	porxor	پرخور
yavāš yavāš	یواش یواش	xodāmuz	خودآموز
āh-o nāle	آه و ناله	xodxāh	خود خواه
kār-o kāsebi	کار و کاسبی	xodpasand	خود پسند
xord-o xorāk	خورد و خوراک	xodro	خود رو
zamin-o zamān	زمین و زمان		درس بیست و هشتم
درس بیست و نهم		garmāzade	گرماده
pišvand	پیشوند	šāhzāde	شاهزاده
bāhuš	با هوش	jahān dide	جهان دیده
bāsaliqe	باسلیقه	čāhārpā	چهار پا
bāsaxšiyyat	با شخصیت	kārkoste	کارکشته
bātajrobe	باتجربه	setār	سه تار
bāadab	بادب	daqiqe be daqiqe	دقیقه به دقیقه
farāgir	فراگیر	rang be rang	رنگ به رنگ
farāsowt	فراصوت	dodel	دو دل
farātajrobi	فراتجربی	seguše	سه گوشه
farābanafs	فرابنفس	hezārpā	هزار پا
hamsar	همسر	dopahlu	دو پهلو

darmandan	در ماندن	hamkār	همکار
daryāftan	دريافتنه	hamsāye	همسايه
dargozaštān	در گذشتن	hamkelāsi	همکلاسي
darāvardan	در آوردن	hamfekr	همفکر
bāzgaštān	بازگشتن	biadab	بي ادب
bāzyāftan	باز يافتنه	bikār	بيكار
bāzferestādan	باز فرستادن	bisaliqe	بي سليقه
bāzistādan	باز ايستادن	bičāre	بي چاره
vāraftan	وارفتن	biniyāz	بي نياز
vāmāndan	واماندن	nāomid	نااميده
vādāštān	واداشتن	nāhamvār	نا هموار
foru rixtan	فرو ريختن	nābinā	نابينا
foru kardan	فرو كردن	nāšenās	نا شناس
foru bordan	فرو بردن	nāxānā	نا خوانا
farā residan	فرار سيدن	nasanjide	نسنجيده
farā gereftan	فرار گرفتن	našoste	نشسته
farā xāndan	فراخواندن	nadānestē	ندانسته
		natars	نترس
		načasb	نچسب

### درس سی ام

barxāstān	بر خاستن
bardāštān	بر داشتن
barāvardan	بر آوردن
bargozidān	بر گزیدن
varāmadān	ورآمدن
varraftān	ور رفتنه

# پاسخ نامه

## درس اول

تمرین ۱

۱.ب ۲.پ ۳.الف ۴.ج ۵.ت ۶.ث

تمرین ۲

۱.ت ۲.ث ۳.ب ۴.ج ۵.چ ۶.پ ۷.الف

تمرین ۳

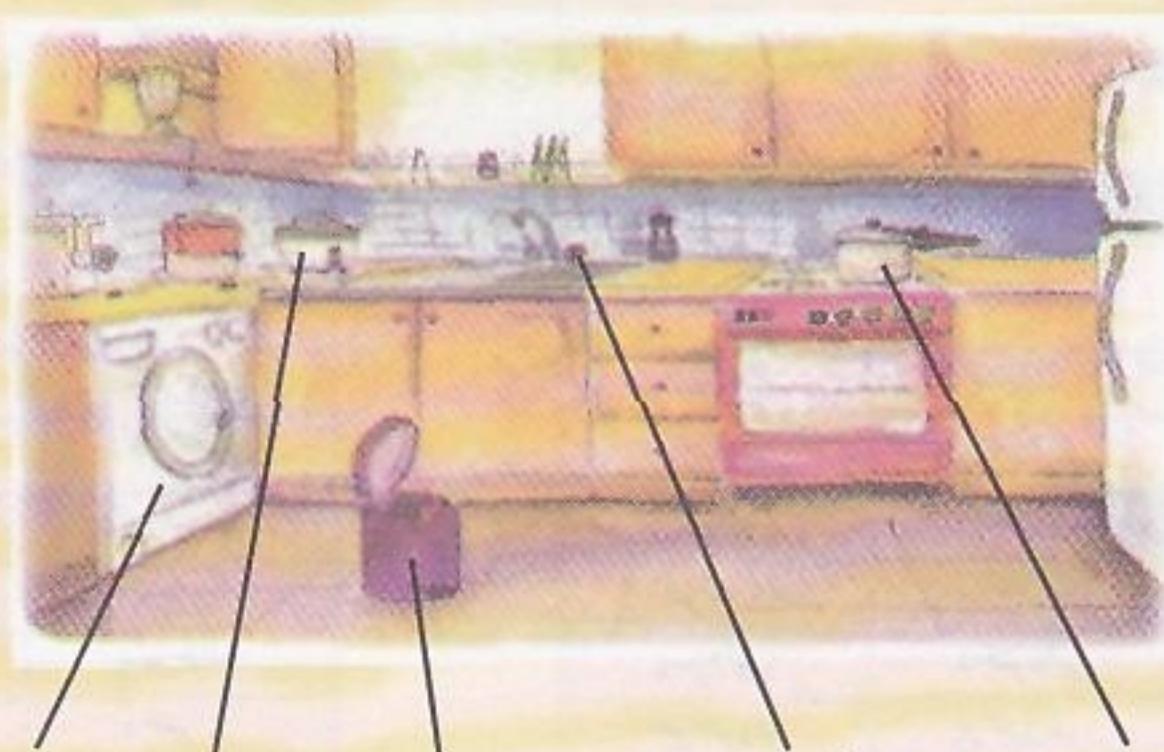
۱.پ ۲.ت ۳.الف ۴.ب

تمرین ۴

حياط باغچه حوض پنجره بالکن پارکینگ

## درس دوم

تمرین ۱



ماشین لباسشویی پلوپز سطل آشغال شیرآب زودپز

تمرین ۲

۱.درست ۲.نادرست ۳.نادرست ۴.درست ۵.درست ۶.درست ۷.نادرست ۸.درست

تمرین ۳

۱.چ ۲.ث ۳.الف ۴.ب ۵.ت ۶.ج ۷.پ

تمرین ۴

۱.چ ۲.ج ۳.ت ۴.ب ۵.پ ۶.ث ۷.الف

## درس سوم

تمرین ۱

آشپزخانه: سطل آشغال، یخچال، فنجان، اجاق گاز، دیس، آبکش

اتاق پذیرایی و هال: میزناهارخوری، تابلو، گلدان، ویترین، تلویزیون، رومیزی

دستشویی و حمام: حوله‌ی کاغذی، لیف، خمیرریش، تیغ، مسوک، صابون

اتاق خواب: چراچ خواب، کمددیواری، دراور، روتختی، تشك، آینه

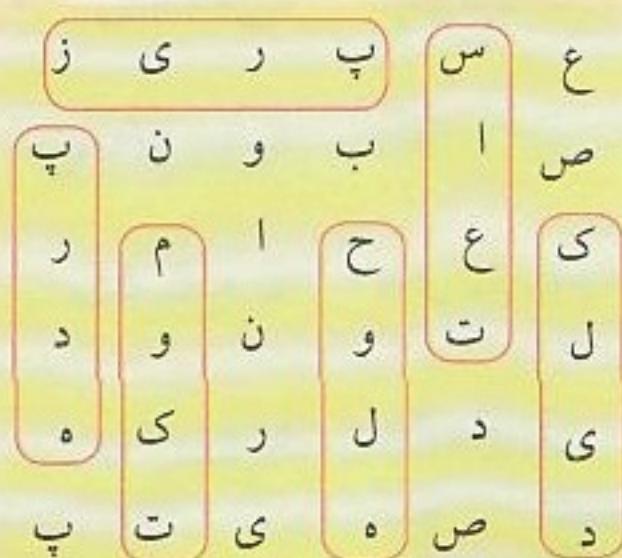
تمرین ۲

۱. ج ۲. ث ۳. ب ۴. ت ۵. پ ۶. الف

تمرین ۳

۱. کشو ۲. خمیردندان ۳. بوفه و ویترین ۴. مبل ۵. شامپو ۶. گلدان ۷. ریشتراش ۸. صابون

تمرین ۴



## درس چهارم

تمرین ۱

پدرزن	مادرزن
پسردایی	دختردایی
مادر	پدر
برادرزاده	خواهرزاده
دختردایی	پسردایی
برادرزن	خواهرزن

دخترعمو	برادر
دخترعمو	پسرعمو
مادرشوهر	پدرشوهر
مادربزرگ	پدربزرگ
پسرخاله	دخترخاله
دختر	پسر

تمرین ۲

۱. شهناز و علیرضا و زهرا ۲. حسین و شهناز ۳. خواهرزاده ۴. دایی ۵. پسرعمه ۶. عمه ۷. شوهرعمه  
۸. خاله و دایی ۹. دخترعمه ۱۰. دخترخاله ۱۱. برادرزن

تمرین ۳

۱. دایی، عمو ۲. خاله، عمه ۳. پدر و مادر ۴. خواهرزاده، برادرزاده

تمرین ۴

عمو، عمه، پسرعمو، دخترعمو، برادرشوهر، خواهرشوهر

## درس پنجم

تمرین ۱

۱. ث ۲. ج ۳. الف ۴. ج ۵. ت ۶. ب ۷. ب

تمرین ۲

اختیاری است.

تمرین ۳

۱. تماشا می کند ۲. مرتب می کند ۳. تعمیر می کند ۴. رنگ می کند ۵. تلفن می کند ۶. به رادیو گوش می کند

تمرین ۴

۱. می خرد ۲. سوار تاکسی می شود ۳. روشن می کند ۴. تلفن می کند ۵. می پوشد ۶. استراحت می کند

## درس ششم

تمرین ۱

۱. ب ۲. ت ۳. ث ۴. ب ۵. الف

تمرین ۲

۱. افتاده است ۲. پنچر شد ۳. بریده است ۴. خراب شد ۵. گیر کرده است

تمرین ۳

۱. ج ۲. ب ۳. ث ۴. ب ۵. الف ۶. ت

تمرین ۴

اختیاری است.

## درس هفتم

تمرین ۱

۱. ب ۲. ب ۳. ت ۴. الف

تمرین ۲

۱. چاق ۲. پیر ۳. خالی ۴. تیز ۵. کثیف

تمرین ۳

۱. ث ۲. ت ۳. ب ۴. ب ۵. ج ۶. الف

#### تمرین ۴

۱. کنه ۲. بلند ۳. خواب ۴. خیس ۵. ناراحت ۶. گرسنه ۷. خالی ۸. کثیف

### درس هشتم

#### تمرین ۱

۱. ج ۲. ت ۳. ث ۴. ب ۵. الف ۶. چ ۷. پ

#### تمرین ۲

صندوق پست، خط عابر پیاده، پیاده رو، تلفن عمومی

#### تمرین ۳

۱. خیابان های ۲. کوچه های ۳. میدان ۴. صندوق پست ۵. مقرراتی ۶. نشانی ۷. ترافیک

#### تمرین ۴

تا انتهای، راست، چهارراه، مستقیم، راست، سمت، بن بست

### درس نهم

#### تمرین ۱

۱. پ ۲. ج ۳. ت ۴. الف ۵. ب ۶. ث ۷. چ

#### تمرین ۲

۱. ب ۲. ث ۳. ت ۴. الف ۵. پ

#### تمرین ۳

۱. شهر بازی ۲. دیبرستان، دانشگاه ۳. بانک ۴. سینما

#### تمرین ۴

۱. ت ۲. پ ۳. الف ۴. ب ۵. ث

### درس دهم

#### تمرین ۱

۱. پ ۲. ج ۳. ب ۴. ث ۵. الف ۶. ت

#### تمرین ۲

۱. فروشنده ۲. قناد ۳. باغبان ۴. کتاب فروش ۵. خلبان ۶. پزشک ۷. منشی

**تمرین ۳**

۱. پ ۲. ت ۳. الف ۴. ب

**تمرین ۴**

۱. پزشک ۲. آموزگار ۳. میوهفروش ۴. عطار ۵. روزنامهفروش ۶. قناد ۷. خلبان

**درس یازدهم****تمرین ۱**

۱. کشتی ۲. اتوبوس ۳. کامیون ۴. اتومبیل ۵. مترو

**تمرین ۲**

۱. ت ۲. ث ۳. ب ۴. ج ۵. پ ۶. الف

**تمرین ۳**

۱. جا ماندم ۲. پیاده شدم ۳. راندن ۴. سوار ماشین می‌شوید ۵. پرواز کند ۶. فرود می‌آید ۷. سبقت گرفت ۸. وانت

**تمرین ۴**

۱. پ ۲. ت ۳. ث ۴. الف ۵. ب

**درس دوازدهم****تمرین ۱**سکه: ۵۰ ریالی، ۱۰۰ ریالی، ۲۵۰ ریالی، ۵۰۰ ریالی، ۲۰۰۰ ریالی، ۵۰۰۰ ریالی، ۲۰۰۰۰ ریالی  
اسکناس: ۱۰۰۰ ریالی، ۲۰۰۰ ریالی، ۵۰۰۰ ریالی، ۲۰۰۰۰ ریالی**تمرین ۲**

۱. ت ۲. ج ۳. ج ۴. الف ۵. ب ۶. پ ۷. ث

**تمرین ۳**

اختیاری است.

**تمرین ۴**

۱. می‌پردازد ۲. ریختم ۳. برنمی‌دارم ۴. باز می‌کنم ۵. حساب می‌کند ۶. خرید کنم ۷. ضرر نمی‌کند

**درس سیزدهم****تمرین ۱**

۱. ت ۲. ث ۳. خ ۴. ب ۵. ج ۶. الف ۷. ح ۸. پ ۹. ج

تمرین ۲

۱. ورزشکار ۲. دونده‌ها ۳. دروازه ۴. حریف ۵. برنده ۶. بدنسازی ۷. بازنده

تمرین ۳

۱. ت ۲. پ ۳. الف ۴. ب

تمرین ۴

مسابقه، تماشچی‌ها، ورزشگاه، بازیکن‌ها، داور، تیم، دروازه‌بان‌ها، فوتبال

## درس چهاردهم

تمرین ۱

۱. ث ۲. ذ ۳. خ ۴. د ۵. ج ۶. ر ۷. الف ۸. ح ۹. ب ۱۰. ج ۱۱. ت ۱۲. پ

تمرین ۲

علی: باریک، لاغر، قد بلند، استخوانی  
احمد: چاق، تپل، قد کوتاه، شکم‌گنده

تمرین ۳

۱. پا ۲. دست ۳. دهان ۴. دندان

تمرین ۴

۱. ح ۲. ج ۳. ث ۴. ت ۵. پ ۶. ج ۷. الف ۸. ب

## درس پانزدهم

تمرین ۱

۱. ت ۲. پ ۳. الف ۴. ب

تمرین ۲

۱. صاف ۲. پخ ۳. مجعد ۴. بادامی

تمرین ۳

۱. پ ۲. الف ۳. ب

تمرین ۴

۱. ت ۲. پ ۳. ب ۴. الف

## درس شانزدهم

تمرین ۱

۱.ت ۲.پ ۳.ب ۴.الف

تمرین ۲

۱.پ ۲.ت ۳.ب ۴.ث ۵.الف

تمرین ۳

۱.ث ۲.ب ۳.ت ۴.پ ۵.چ ۶.ح ۷.الف ۸.ج

تمرین ۴

۱.کلاه ۲.شالگردن ۳.جوراب ۴.کمربند

## درس هفدهم

تمرین ۱

۱.گوشت ۲.نخود ۳.گاو ۴.جوچه ۵.میگو

تمرین ۲

۱.ت ۲.پ ۳.الف ۴.ب

تمرین ۳

۱.نمک ۲.روغن ۳.پخته ۴.چاقی ۵.چرب

تمرین ۴

ش	ت	ا	و	ل
ف				
	ت	ا	گ	ب
و				د
ن				ب
				ر
				ی

## درس هجدهم

تمرین ۱

۱.ت ۲.ث ۳.ح ۴.ج ۵.چ ۶.د ۷.ب ۸.الف ۹.خ ۱۰.پ

۱. باندپیچی می کند ۲. معاینه کرد ۳. تجویز کند ۴. تزریق می کند ۵. می مالد ۶. خون آمد

۱. اث ۲. ح ۳. ج ۴. ب ۵. الف ۶. ت ۷. ج ۸. پ

۱. حساسیت دارد ۲. آنفلوآنزا گرفته است ۳. مسموم شده است ۴. سرما خورده است

## درس نوزدهم

حیوانات مزرعه: مرغ، گاو، اسب، بز، الاغ  
حیوانات وحشی: زرافه، گراز، پلنگ، کفتار، ببر  
پرندگان: کلاغ، گنجشک، کبوتر

۱. کلاغ ۲. اردک ۳. پلنگ ۴. حلزون ۵. اسب

گیاه خوار: گورخر، بز، خرگوش، گاو  
گوشت خوار: کفتار، شیر، سگ، روباه

مرغ: گوشت، پر، تخم مرغ  
گاو: گوشت، شیر، سگ  
غاز: گوشت، پشم، شیر  
گوسفند: گوشت، پشم، چرم

گوساله: گوشت، چرم  
بوقلمون: گوشت، پر

## درس بیستم

۱. پرتقال ۲. گلابی ۳. طالبی ۴. خرمالو ۵. هندوانه ۶. انجیر ۷. موز ۸. هلو

بهار: گوجه سبز، توت فرنگی، توت  
تابستان: انگور، گیلاس، خربزه، هندوانه، طالبی  
پاییز: از گیل، کیوی، انار  
خرمالو، بلوط  
زمستان: پرتقال، لیمو، نارنگی، گریپ فورت، خرما

میوه‌ها: طالبی، توت، لیمو، گوجه سبز، گلابی

سبزیجات: پیاز، چغندر، سیب زمینی، لوبیا سبز، نخود فرنگی

تمرین ۲

۱. کلم پیچ ۲. گلابی ۳. فلفل دلمه‌ای ۴. ازگیل ۵. لوبیا سیز

## درس بیست و یکم

تمرین ۱

۱. ث ۲. پ ۳. ب ۴. ج ۵. الف ۶. ت

تمرین ۲

۱. چنار ۲. کاج ۳. میخک ۴. نارون ۵. شمعدانی ۶. بید ۷. مروارید

تمرین ۳

۱. ت ۲. پ ۳. الف ۴. ث ۵. ب

تمرین ۴

۱. پرورش می‌دهد ۲. درست می‌کند ۳. می‌کارد ۴. پژمرده شوند ۵. سبز می‌شود

## درس بیست و دوم

تمرین ۱

۱. بیابان ۲. زمین لرزه ۳. دریا ۴. آتشفشن ۵. بوته ۶. صخره

تمرین ۲

۱. ج ۲. ت ۳. پ ۴. الف ۵. ب

تمرین ۳

۱. جزیره ۲. جنگل ۳. دشت ۴. آتشفشن ۵. بیابان ۶. گردباد

تمرین ۴

۱. آب و هوای ۲. دامنه و کوهپایه ۳. کوهستانی ۴. صخره ۵. دره‌ی ۶. جزیره‌ی

## درس بیست و سوم

تمرین ۱

۱. ج ۲. ج ۳. ت ۴. ب ۵. پ ۶. الف ۷. ث

۱. درست ۲. نادرست ۳. نادرست ۴. درست ۵. درست ۶. درست

۱. ج ۲. ت ۳. ب ۴. ث ۵. ج ۶. الف ۷. پ



## درس بیست و چهارم

۱. دوازده و نیم ۲. یک ربع به سه ۳. سه و ربع ۴. ده و چهارده دقیقه و بیست ثانیه

۱. پ ۲. ت ۳. الف ۴. ب

فردا، دیروز، پس فردا، پریروز

۱. شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه ۲. بهار، تابستان، پاییز، زمستان ۳. شنبه ۴. جمعه ۵. فروردین، اردیبهشت، خرداد ۶. دی، بهمن، اسفند ۷. مهر، آبان، آذر ۸. تیر، مرداد، شهریور

## درس بیست و پنجم

۱. ث ۲. پ ۳. ج ۴. الف ۵. ت ۶. ب

۱. دانشکده‌ی ۲. خواستگار ۳. باغبان ۴. خواننده‌های ۵. پرستار ۶. چراگاه

تمرین ۳

۱. کسی که از دروازه مراقبت می‌کند ۲. محل کار آرایشگر ۳. کسی که چیزی می‌خرد ۴. کسی که جایی را رنگ می‌کند ۵. در انجام کاری موفق شده است

تمرین ۴

۱. ایستگاه ۲. دهکده ۳. گزارشگر ۴. ورزشکاران ۵. شالیزار ۶. حیله‌گری ۷. بلوچستان ۸. شکارچی

تمرین ۵

ورزشگاه، تماشاچی‌ها، برنده‌ی، بازنشه، بازیکنان، دروازه‌بان‌ها، گزارشگر، شنونده‌ها، بیننده‌های

## درس بیست و ششم

تمرین ۱

۱. ت ۲. ث ۳. الف ۴. ب ۵. پ ۶. ج

تمرین ۲

۱. عیالواری ۲. دانای ۳. سالمند ۴. چراغانی ۵. جوانه ۶. خطرناک ۷. دفترچه‌ی

تمرین ۳

۱. کسی که آبرو دارد ۲. کسی که اخم دارد ۳. قالی کوچک ۴. چیزی که زیباست ۵. در حال لرز

تمرین ۴

۱. شکوهمند ۲. غرغرو ۳. نقره‌ای ۴. ترسناک ۵. پوشش‌های ۶. دانشگاهی ۷. قالیچه‌های ۸. رانندگی ۹. ستایش

تمرین ۵

هنرمندی، نویسنده‌ی، استعداد، کوشش، کوشش، پرورش، رسا، دفترچه، کارمند، هنرمندانه‌ی

## درس بیست و هفتم

تمرین ۱

- اسم مکان: کتابخانه، کارخانه، سربازخانه ۱. اسم شی: دماسنج، دستمال، کف‌گیر ۲. شغل: کتاب‌فروش، گل‌فروش، آشپز، دانشجو ۳. صفت: دروغگو، بلندقد، خودپسند، گردن‌کلفت، کم‌آزار، گردن‌دراز

تمرین ۲

۱. خوشبختی ۲. خودآموز ۳. دستمال‌های ۴. لنگ‌دراز ۵. خودروها

### تمرین ۳

زبان‌فهم	پرخطر	خوش‌آواز
زبان‌آموز	پرآب	خوش‌فکر
زبان‌شناس	پرحرف	خوش‌خنده
زبان‌بسته	پردردسر	خوش‌صدا

### تمرین ۴

۱. کم‌آزاری ۲. خودخواه ۳. پرخوری ۴. گردنبند ۵. دماسنج ۶. نامه‌رسان ۷. پابرهنه ۸. سربازخانه ۹. خوش‌نویس

### تمرین ۵

کارخانه‌ی، دست‌مزد، خورد و خوراک، دانشجو، تنگ‌دست، خودروها

## درس بیست و هشتم

### تمرین ۱

تکرار یک اسم یا یک صفت: سوراخ‌سوراخ، راهراه، پاره‌پاره  
اسم + حرف اضافه + اسم: روز به روز، سرتاسر،  
رنگ به رنگ عدد + اسم: هزارپا، دودل، چهارپا

### تمرین ۲

۱. حال و حوصله ۲. خال‌حال ۳. پا بر جا ۴. دست به سینه ۵. رنگ به رنگ

### تمرین ۳

سه‌جلدی	چهارپایه	هزاربرگ
سه‌شاخه	چهارضلعی	هزارتو
سه‌خوابه	چهارنفره	هزارلا
سه‌خوابه	چهارنفره	هزارلا

### تمرین ۴

۱. پیچ و خم ۲. دوان‌دوان ۳. آب و هوای ۴. خال‌حال ۵. سه‌تار ۶. گرماده ۷. مرگ و میر ۸. هزارپا

### تمرین ۵

مغازه‌دار، چهارراه، کار و کاسبی‌اش، حال و حوصله، روز به روز، دودل

## درس بیست و نهم

### تمرین ۱

۱. بیکار ۲. نچسب ۳. بی‌سلیقه ۴. نایبنا ۵. نشسته ۶. ناخوانا

### تمرین ۲

۱. همسایه‌ی ۲. نترس ۳. بی‌ادب ۴. نامید ۵. فرگیر ۶. باوفا

### تمرین ۳

همسایه: کسی که در خانه‌ی نزدیک ما زندگی می‌کند  
باتجربه: کسی که تجربه دارد فرگیر جامع

همکلاسی: کسی که در یک کلاس با او درس می‌خوانیم  
باشخصیت: کسی که شخصیت دارد

### تمرین ۴

۱. فراصوت ۲. ناشناس ۳. ناشناس ۴. نسنجیده ۵. بی‌نیاز ۶. باهوش ۷. همسایه ۸. نچسب ۹. بیچاره

### تمرین ۵

همکار: باتجربه، باشخصیت، باادب، نسنجیده، بی‌سلیقه، ندانسته، ناخوانا، بیکار، همکلاس، همسایه

## درس سی ام

### تمرین ۱

۱. بازگشتند ۲. بردارید ۳. فروبرد ۴. درگذشت ۵. فرارسیدن ۶. واداشت ۷. ورآمدن

### تمرین ۲

۱. برگشت ۲. ورمی‌رود ۳. فراگرفته‌است ۴. برگزیدند ۵. وارت ۶. فروریخت ۷. فراخواند

### تمرین ۳

۱. فروریختن: ویرانشدن ۲. برخاستن: بلندشدن ۳. ودادشن: مجبورکردن ۴. ورآمدن: پفکردن

۵. بازگشتن: دوباره آمدن ۶. درگذشتن: مردن

### تمرین ۴

۱. گرفتن ۲. آموختن ۳. بازماندن ۴. جداشدن

### تمرین ۵

ورآمد، برخاستند، دریافتند، برمی‌خاست، فراگرفته‌است، فرخواند، برداشتند، فروریخت، برگشتند، فروبنشانند،

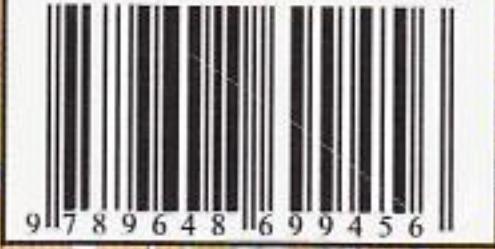
باگشتند



IRAN LANGUAGE INSTITUTE

شابک: ۹۶۴-۸۶۹۹-۴۵-۳

ISBN 964-8699-45-3



9 7 8 9 6 4 8 6 9 9 4 5 6



Teaching Persian to Speakers of Other Languages

# Learning Persian Vocabulary

Elementary Volumes

**Learning Persian Vocabulary** is a collection of book in three volumes (Elementary to Advanced) which aims at enabling students to enhance their knowledge of Persian vocabulary. This collection is an efficient guide for students who take courses in Persian language vocabulary. Nevertheless, more advanced students can use this package as a Self-study guide in order to reinforce or organize their knowledge of Persian words. The key to the exercises, at the back of each volume, is intended to help the students have easy access to the answers.